



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

پنجشنبه
۱۳۹۰/۰۳/۰۳

۳



علی محمور وحدت

جبرهای روایت به روایت شید و اصل سنت

پیشین اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علی علیه السلام محور وحدت

نویسنده:

حسین اسحاقی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۳	علی علیه السلام محور وحدت
۱۳	مشخصات کتاب
۱۳	اشاره
۱۶	دیباچه
۲۰	پیش گفتار
۳۰	فصل اول: اخلاق فردی
۳۰	۱- پرهیز از نخستین گناه
۳۰	۲- لذت ترک گناه
۳۱	۳- پاکی نفس
۳۲	۴- گذشت هنگام قدرت
۳۳	۵- کنترل خشم
۳۴	۶- اصلاح نفس
۳۵	۷- پرورش روح
۳۶	۸- حساب کشی از نفس
۳۷	۹- زیاده روی در غریزه
۳۸	۱۰- بی پروایی در گناه
۳۹	۱۱- توبه
۴۰	۱۲- تقویت اراده
۴۱	۱۳- عاقبت اندیشی
۴۲	۱۴- میانه روی
۴۳	۱۵- تبتیر
۴۳	۱۶- پرهیز از ثروت طلبی
۴۵	۱۷- ساده زیستی

- ۴۵ ۱۸- پرخوری
- ۴۶ ۱۹- دل بستگی به دنیا
- ۴۷ ۲۰- کار برای آخرت
- ۴۸ ۲۱- پرهیز از حرام خواری
- ۴۹ ۲۲- دوری از حرام
- ۵۰ ۲۳- دعا
- ۵۱ ۲۴- آموزش
- ۵۳ ۲۵- عبادت شایسته
- ۵۳ ۲۶- سحرخیزی
- ۵۴ ۲۷- انس گرفتن با قرآن
- ۵۶ ۲۸- آخرین نماز
- ۵۷ ۲۹- پول داران فقیر
- ۵۸ ۳۰- عیب بینی
- ۵۹ ۳۱- شناسایی عیب ها
- ۶۰ ۳۲- بردباری
- ۶۱ ۳۳- طمأنینه در برابر مشکلات
- ۶۲ ۳۴- آرزوهای دراز
- ۶۲ ۳۵- عزت نفس
- ۶۳ ۳۶- بی نیازی
- ۶۴ ۳۷- (قناعت) کم خواهی
- ۶۶ ۳۸- عالم بی عمل
- ۶۶ ۳۹- تداوم آموزش
- ۶۷ ۴۰- پیروی از خداوند
- ۶۸ ۴۱- دوری از خدا
- ۶۹ ۴۲- سوء استفاده از دین
- ۷۰ ۴۳- بهره وری از عمر

- ۴۴- استفاده از فرصت ۷۱
- ۴۵- روی گردانی از دنیا ۷۲
- ۴۶- خداترسی ۷۳
- ۴۷- خوف و رجا ۷۴
- ۴۸- ترس از عذاب الهی ۷۵
- ۴۹- بیدارباش خدا ۷۶
- ۵۰- دوری از پستی ها ۷۷
- ۵۱- طمع ورزی ۷۸
- ۵۲- بی کاری ۷۸
- ۵۳- تنبلی ۷۹
- ۵۴- بهره مندی از اندیشه پاک ۸۰
- ۵۵- اخلاص ۸۱
- ۵۶- کنجکاوی ۸۱
- ۵۷- بی باکی ۸۲
- ۵۸- حیا ۸۳
- ۵۹- حیا نکردن از ندانستن ۸۴
- ۶۰- پرهیز از شتاب زدگی ۸۵
- ۶۱- پرسش گری ۸۶
- ۶۲- تفکر مطلوب ۸۶
- ۶۳- نیک سیرتی ۸۸
- ۶۴- ادای حقوق ۸۹
- ۶۵- ناتوانی ۹۰
- ۶۶- تکمیل کارها ۹۱
- ۶۷- بزرگ نمایی ۹۲
- ۶۸- نعمت شنوایی ۹۳
- ۶۹- سخن اندیشمندان ۹۴

۹۶	فصل دوم: اخلاق اجتماعی
۹۶	۱- مشورت نکردن با ناآگاهان
۹۷	۲- مشورت در کارها
۹۸	۳- پرهیز از فخرفروشی
۹۹	۴- خودستایی
۱۰۰	۵- خودبزرگ بینی
۱۰۱	۶- حفظ دوستان
۱۰۲	۷- افراط در دوستی
۱۰۳	۸- پرهیز از مجالس لهو و لعب
۱۰۴	۹- دوستان باوفا
۱۰۵	۱۰- هم نشینی با بدان
۱۰۶	۱۱- دوستی های دروغین
۱۰۷	۱۲- انتخاب دوست
۱۰۸	۱۳- نیکوکاری
۱۰۹	۱۴- خدمت بلاعوض
۱۱۰	۱۵- پیش قدمی در کمک به نیازمندان
۱۱۱	۱۶- فراموش کردن نیکی های خود
۱۱۱	۱۷- نیکی با دست خویش
۱۱۲	۱۸- اطعام کامل
۱۱۳	۱۹- دست گیری از نیازمندان واقعی
۱۱۴	۲۰- گره گشایی
۱۱۵	۲۱- نیکی به بدکاران
۱۱۶	۲۲- شتاب در نیکوکاری
۱۱۷	۲۳- مردمی بودن
۱۱۷	۲۴- یک رنگی
۱۱۹	۲۵- جلب اعتماد مردم

- ۱۱۹ ۲۶- انصاف با دیگران
- ۱۲۰ ۲۷- امید به مردم
- ۱۲۱ ۲۸- غش در معامله
- ۱۲۲ ۲۹- چاپلوسی
- ۱۲۳ ۳۰- شهادت دروغ
- ۱۲۵ ۳۱- فریادرسی
- ۱۲۶ ۳۲- دست گیری از ستم دیده
- ۱۲۶ ۳۳- شایستگی در کار
- ۱۲۷ ۳۴- حق مداری
- ۱۲۸ ۳۵- پایداری در احقاق حق
- ۱۲۹ ۳۶- پیروی از سخن حق
- ۱۳۰ ۳۷- ادب ورزی
- ۱۳۱ ۳۸- خوش قولی
- ۱۳۱ ۳۹- امانت داری
- ۱۳۳ ۴۰- راست گویی
- ۱۳۴ ۴۱- همسایه داری
- ۱۳۵ ۴۲- بخل ورزی
- ۱۳۶ ۴۳- پرهیز از شتاب زدگی در قضاوت
- ۱۳۷ ۴۴- هدایت بدکاران
- ۱۳۸ ۴۵- خویشتن داری از گناه
- ۱۳۹ ۴۶- جایگاه دانش اندوزی
- ۱۴۰ ۴۷- تکیه بر ایمان
- ۱۴۰ ۴۸- پرهیز از شهرت طلبی
- ۱۴۱ ۴۹- سخاوتمندی
- ۱۴۲ ۵۰- خلق نیکو
- ۱۴۳ ۵۱- زیاده روی در توبیخ

- ۱۴۴ ۵۲- عفت کلام
- ۱۴۴ ۵۳- انفاق
- ۱۴۶ ۵۴- پرهیز از سخنان بی اساس
- ۱۴۷ ۵۵- اعتماد نکردن به دشمنان
- ۱۴۸ ۵۶- عفو، بی بازگشت
- ۱۴۸ ۵۷- نصیحت گریزی از دشمنان
- ۱۴۹ ۵۸- سکوت
- ۱۵۰ ۵۹- مسئولیت پذیری
- ۱۵۰ ۶۰- نصیحت پذیری
- ۱۵۱ ۶۱- پرهیز از پرسش مغرضانه
- ۱۵۲ ۶۲- احترام به بزرگ سالان
- ۱۵۳ ۶۳- خویشتن داری
- ۱۵۴ ۶۴- دوری از فریب کاران
- ۱۵۵ ۶۵- پرهیز از شوخی بی جا
- ۱۵۶ ۶۶- دوری از تهمت
- ۱۵۷ ۶۷- عهد و پیمان
- ۱۵۸ ۶۸- زیاده گوئی
- ۱۵۹ ۶۹- احترام به پدر و مادر
- ۱۶۰ ۷۰- خوش حالی از شکست دیگران
- ۱۶۲ ۷۱- خوش رفتاری در خانه
- ۱۶۲ ۷۲- شرم بی جا
- ۱۶۳ ۷۳- آرزوی مرگ دیگران
- ۱۶۳ ۷۴- شرکت در نشست های علمی
- ۱۶۴ ۷۵- نشر دانش
- ۱۶۵ ۷۶- تعلیم و تعلم
- ۱۶۶ ۷۷- شنونده خوب

- ۷۸- بخشش در تنگ دستی ۱۶۶
- ۷۹- نصیحت پنهانی ۱۶۷
- ۸۰- بازگو نکردن همه دانسته ها ۱۶۸
- ۸۱- پرهیز از سوگند بسیار ۱۶۹
- ۸۲- بالاترین عیب ۱۷۰
- ۸۳- تکیه نکردن به بدکاران ۱۷۱
- ۸۴- پرهیز از کینه جویی ۱۷۲
- ۸۵- عدالت خواهی ۱۷۳
- ۸۶- ضمانت ۱۷۴
- ۸۷- شتاب نکردن در پاسخ گویی ۱۷۵
- ۸۸- چاه کنندن برای دیگران ۱۷۶
- ۸۹- پرهیز از مخالفت ناآگاهانه ۱۷۶
- ۹۰- درگیر نشدن با افراد پست ۱۷۸
- ۹۱- خطاب مؤدبانه ۱۷۹
- ۹۲- تغافل ۱۸۰
- ۹۳- چشم ندوختن به فرومایگان ۱۸۱
- ۹۴- دشمنی با مردم ۱۸۲
- ۹۵- پرهیز از لباس شهرت ۱۸۴
- ۹۶- دروغ بستن به بزرگان ۱۸۵
- ۹۷- آثار بدهکاری ۱۸۵
- ۹۸- تذکر دوستانه ۱۸۶
- ۹۹- پندآموزی ۱۸۸
- ۱۰۰- دوراندیشی ۱۸۸
- ۱۰۱- اثر هم نشینی ۱۸۹
- ۱۰۲- حفظ آبرو ۱۹۰
- ۱۰۳- پندپذیری ۱۹۱

۱۹۳----- کتاب نامه

۱۹۵----- درباره مرکز

سرشناسه: اسحاقی، سیدحسین، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور: علی علیه السلام محور وحدت: جرحه های ولایت به روایت شیعه و اهل سنت در راستای تقریب اخلاقی بین مذاهب / حسین اسحاقی؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر: قم: دفتر عقل، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۱۶۲ ص.

فروست: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۰۴۲. ویژه سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی؛ ۳.

شابک: ۱۴۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۰۹-۸

یادداشت: کتابخانه: ص. ۱۶۱ - ۱۶۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- کلمات قصار

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق -- احادیث

شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: BP۳۹/۵/الف/ع۵ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۸۸۹۴۷

ص: ۱

اشاره

محمد صلی الله علیه و آله، تربیت شده خداوند و علی علیه السلام، تربیت شده پیامبر است و در حقیقت، از همان چشمه زلال الهی بهره مند شده است.

علی علیه السلام، شاگرد مکتب چنین رسولی است که درس اخلاص از استاد خود آموخته و سراسر زندگی وی با اخلاص درآمیخته و زمزمه لبانش و تپش قلبش و همه اعضا و جوارحش مترنم به یاد حق و اخلاص عمل برای اوست و همچون جدش ابراهیم چنین می گوید:

إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

به همین دلیل، اخلاص او شهره آفاق و زبانزد خاص و عام و شیعه و سنی است. مولوی جلال الدین محمد بلخی پس از بیان داستان جنگ و هم آوردی آن حضرت با عمرو بن عبدود در جنگ خندق و پس از جسارت عبدود، به علی علیه السلام که سبب شد علی علیه السلام دست از جنگ بکشد و قدم زند، از علت صبر علی علیه السلام در بریدن سر عبدود چنین می گوید:

از علی آموز اخلاص عمل

شیر حق را دان مظهر از دغل

گفت من تیغ از پی حق می زخم

بنده حقم، نه مأمور تنم

شیر حقم، نیستم شیر هوا

فعل من بر دین من باشد گوا(۱)

اخلاص، راهبر و راهنمای عمل او بود و ثمره چنین اخلاصی جریان یافتن چشمه سار حکمت از قلب بر زبان آن حضرت بود؛ سخنانی که هر یک گنجینه ای پربها از تجربه و راه کار به سوی رشد و رستگاری فرد و اجتماع اسلامی است. سخنانی که هر گاه اندیشمندان و ادیبان و سخنوران شیعه و اهل سنت با آن روبه رو شدند، در برابر عظمت آن سر تعظیم فرود آورده و در بزرگی لفظ و معنای آن گفته اند که فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق است.

عمر بن بحر جاحظ، از ادیبان مشهور اهل سنت در کتاب معروف خود البیان

و التبيين با آنکه سخنان پراج و گران بهایی از سخنوران آورده، ولی پس از آوردن این سخن علی علیه السلام که می فرماید: «قیمه کل انسان ما یُحسَنه؛ ارزش هر انسانی به اندازه دانش اوست»، می گوید اگر در این کتاب جز بر همین سخن دست نمی یافتم، برای کتابم کافی بود. (۲)

رشیدالدین

وطواط از نوادگان خلیفه دوم و از ادیبان مشهور ایرانی در مقدمه شرح صد

ص: ۵

۱- جلال الدین مولوی، مثنوی و معنوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹، چ ۹، دفتر اول، صص ۱۸۳ و ۱۸۷.

۲- عمر بن بحر جاحظ، البیان و التبيين، بیروت، دار صعب، ج ۱، ص ۵۸.

کلمه ای که جاحظ از کلمات علی علیه السلام انتخاب کرده است، می نویسد:

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب کرم الله وجهه و ارضاه، با آنکه امام اخیار و قدوه ابرار و سید فقیان و مقدم شجعان بود، فصاحتی داشت که عقود جواهر از انفس او در غیرتند و نجوم زواهر از الفاظ او در حیرت و عمرو بن جاحظ که در کمال براعت و وفور بلاغت نادره این امت و اعجوبه این ملت بود از مجموع کلام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب کرم الله وجهه در جمله بدایع غرر و رایع درر است، صد کلمه اختیار کرده است و هر کلمه از آن برابر هزار کلمه دانسته و به خط خویش نبشته و خلق را یادگار گذاشته [است]. (۱)

سخنان آن حضرت، اندیشمندان شیعه و اهل سنت را مجذوب خود ساخته است، به گونه ای که همواره از دیرباز تا کنون نگاهی ویژه به سخنان آن حضرت داشته اند و در لابه لای کتاب های اخلاقی، تربیتی، عرفانی، تفسیری، و فقهی و کلامی خود، سخنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام را شاهد صدقی بر گفته خود می آوردند و به شرح و توضیح آن می پرداختند. امام فخر رازی از مفسران برجسته اهل سنت در تفسیر بزرگ خود برای اثبات نظر خود چنین می نویسد:

علی بن ابی طالب کرم الله وجهه گفت: به خدا سوگند که در خیر را با نیروی بدنی خود درنیاوردم، بلکه با نیروی ربانی بود؛ زیرا علی کرم الله وجهه در آن زمان از عالم اجسام و دنیا انقطاع حاصل نموده و ملایکه با انوار کبریا بر او اشراق نموده بودند و روح او را تقویت نمودند... (۲)

علاوه بر پراکنده بودن سخنان آن حضرت در کتاب های مهم و پراچ شیعه و اهل سنت، عده ای از اندیشمندان مجموعه های گران سنگی

ص: ۶

۱- . مطلوب کل طالب، ص ۲.

۲- . مطلوب کل طالب، قم، مرکز انتشارات اسلامی، ص ۲.

از سخنان آن حضرت را یک جا گرد آورده و به جهان اسلام تقدیم کرده اند که در میان شیعه، کتاب پراج نهج البلاغه گردآوری سید رضی و غرالحکم

و درالکلم را می توان نام برد. از میان دانشمندان اهل سنت نیز عده ای به چنین کاری همت گماشته اند از جمله:

۱. عمرو بن بحر جاحظ که صد کلمه را فراهم آورده و رشید و طواط به شرح آن به زبان فارسی پرداخته است.

۲. دستور معالم الحکم - که توسط قاضی ابوعبدالله محمد بن سلام قضایی (ف ۵۵۴) جمع آوری گشته و بدین نام شهرت دارد.

۳. محمد بن حبیب الله شنقیطی مصری از عالمان معاصر مصر که کتابی در شرح حال حضرت علی علیه السلام به نام - امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب فی مناقبه و مشاهده و حکمه فراهم آورده که نام دیگر آن کفایه الطالب است.

۴. سجج الحمام فی حکم الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب که توسط سه تن از اندیشمندان معاصر مصر به نام های علی جندی محمد ابوالفضل ابراهیم و محمد یوسف محجوب فراهم آمده است و همچنین چندین مجموعه کلمات قصار دیگر که به دست اندیشمندان شیعه و اهل سنت ترتیب داده شده است.

آنچه در این مجموعه تقدیم می شود، سخنان حکیمانه آن حضرت از منابع شیعه و اهل سنت است. گاهی سخنی از آن حضرت به طور مشترک هم در منابع شیعه و هم در منابع اهل سنت به یک لفظ آمده و گاهی جمله ای در منبعی شیعی به نحو اجمال و تفصیل آن در منابع اهل سنت و گاه برعکس آمده است. در پایان شایسته است از تلاش های محققانه جناب آقای علی باقرشیخانی که تحقیق و تفحص متناظرسازی احادیث شیعی را با متون اهل سنت به عهده داشتند سپاس گزاری کنیم. بی تردید بدون زحمات محققانه ایشان این مجموعه به بار نمی نشست.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۷

امیرالمؤمنین علی علیه السلام الگوی همیشه مانایی است که می‌توان همه کمالات را در او سراغ گرفت و بدان‌ها اقتدا کرد. آن حضرت نه تنها از آن شیعیان که الگوی همه مسلمانان و جمله آزادگان است. امام علی علیه السلام، تجسم ارزش‌های دینی و اسلام مجسم است، انسانی در اوج عرفان، عبادت، سلوک و در عین حال سیاست مدار و جامعه ساز. شدت عمل را با رحمت و عطوفت به مؤمنان آموخت؛ اهل مداهنه نبود و هیچ‌گاه حقیقت را قربانی مصلحت نکرد. کتاب فضل علی علیه السلام چندان پربرگ و بار است که برای خواندن آن چند نقدِ عمر باید و تنها می‌توان شمه‌ای از فضایل ناپیدای علوی را واکاوی و پیش‌روی همگان نهاد.

از آنجا که حس کمال‌جویی و ویژگی الگوطلبی و نمونه‌پذیری، امری فطری و

ذاتی است و آدمی برای ره یابی به سرمنزل مقصود و دست یابی به کمال مطلوب، در جست و جوی اسوه هایی برای پیروی از آنها و گرفتن سرمشق برمی آید، باید الگوهای مطلوب را بشناسد. علی علیه السلام پس از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مصداق کامل اسوه حسنه است و پیروی از ایشان موجب هدایت و کمال امت اسلامی، بلکه انسانی است. شیوه آن بنده راستین حق، سبب ترقی، رشد و تکامل بشر خواهد بود و به همان نسبت سرپیچی از روش او، گمراهی و نابودی همیشگی را در پی خواهد داشت. پیامبر درباره سیره علی علیه السلام به عمار یاسر این گونه سفارش می کند:

ای عمار، اگر دیدی علی به تنهایی از یک راه می رود و تمام مردم به راهی دیگر روانند، به راه علی برو؛ زیرا او تو را به نابودی نکشاند و تو را از مسیر هدایت و رستگاری خارج نسازد. (۱)

در روایتی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمودند:

ای علی، بی شک تو کسی را که پیروت باشد، هدایت خواهی کرد و آن که با سیره و راه تو مخالف است، به یقین، تا روز قیامت گمراه خواهد ماند. (۲)

امام علی علیه السلام در برخورد با مردم و جوامع انسانی، دیدگاهی فراتر از دید مسلمان به مسلمانی دیگر داشت. در دیدگاه او مردم از نظر اجتماعی به دو دسته تقسیم می شوند. دسته ای از آنها، برادر دینی اند و دسته ای دیگر، در آفرینش با

ص: ۹

۱- . خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۱۸۸.

۲- . شیخ طوسی، الامالی، ص ۴۷۹.

مسلمانان یکسانند. از این رو، با هر یک از آنها متناسب با آنچه خداوند و سنت پیامبر تعیین کرده است و نیز متناسب با شأن و کرامت انسانی آنان عمل می‌کرد. در سفارش به مالک اشتر در همین مورد می‌فرماید:

فَأِنَّهُمْ صِنْفَانِ: اما أَخْ لَكَ فِي الدِّينِ وِإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ. (۱)

ای مالک، مردمان دو دسته‌اند، گروهی برادر دینی تواند و گروهی در آفرینش با تو همانندند.

از نظر امام علی علیه السلام، همه انسان‌ها فرزندان یک پدر و مادر و در نژاد و طبقه برابرند و هیچ انسانی از این جهت، بر دیگری برتری ندارد. ایشان به صراحت می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ آدَمَ لَمْ يَلِدْ عَبْدًا وَلَا أَمَةً وَاِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ أَحْرَارٌ؛ (۲) ای مردم، بی‌گمان آدم هیچ یک از فرزندان را برده و کنیز نژاد و همگان آزادند».

در سیره امام علی علیه السلام همه مردم از حقوقی مساوی برخوردارند و همه باید از مواهب اجتماعی یکسان بهره‌مند شوند. تساوی حقوقی افراد از دیدگاه علی علیه السلام چنان مهم و حساس است که حتی در التفات و نظر به افراد نیز والی و حاکم نباید تبعیض ورزد. حضرت در سفارش به محمد بن ابی‌بکر، والی مصر چنین می‌فرماید:

با همگان یکسان رفتار کن، چه آن‌گاه که گوشه چشم به آنان افکنی و چه آن‌گاه

ص: ۱۰

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۶۹.

خیره شان نگاه کنی تا زورمندان و بزرگان، در تبعیض طمع نورزند و ناتوانان از عدالت تو نومید نشوند.^(۱)

از روزی که علی علیه السلام خود را شناخت، بر محور حق حرکت کرد و در این راه همواره با حق دم ساز بود. به همین دلیل، پیامبر فرمود: «الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ أَيْنَمَا مَلَ؛ حق به دنبال علی علیه السلام است هر جا که برود».^(۲)

علی علیه السلام به تمام معنا، قانون مدار و مجری قانون الهی بود و در این راه میان خودی و غریبه تفاوتی نمی گذاشت و اگر کسی برخلاف قانون عمل می کرد، بدون در نظر گرفتن موقعیت و مقام وی، حدود الهی و قانونی را بر وی اجرا می کرد و هیچ واسطه و شفاعتی را نمی پذیرفت. از سوی دیگر، بسیار دقیق و منظم بود و دیگران را از بی برنامه‌گی بازمی داشت. ایشان در عهدنامه مالک اشتر برای حفظ نظم و انجام کارها در وقتشان فرمود:

کار هر روز را در همان روز انجام ده؛ زیرا هر روز کاری ویژه خود را دارد و از شتاب در مورد کارهایی که زمانشان نرسیده یا سستی در کارهایی که امکان انجام آن فراهم است یا لجاجت در اموری که مبهم است یا سستی در کارها هنگامی که آشکار است، برحذر باش و هر کاری را در جای خود و به موقع انجام بده.^(۳)

ص: ۱۱

۱- . نهج البلاغه، نامه ۴۶.

۲- . کافی، ج ۱، ص ۲۹۴.

۳- . نهج البلاغه، نامه ۵۳.

از دید امام علی علیه السلام، مهربانی و محبت با مردم، در جذب دل ها و اداره کردن انسان ها، نقش ارزنده ای دارد و سبب می شود زمام دار بر قلوب مردم حکومت کند. ایشان درباره مهرورزی به انسان ها در عهدنامه مالک اشتر می فرماید:

دلت را از رعایا، پر از مهر و محبت و لطف کن. در برابر آنها درنده و آزارکننده ای مباش که خوردن آنان را غنیمت شماری. (۱)

امام همیشه در دست رس همگان بود به گونه ای که پایین ترین رده های اجتماعی نیز به سهولت و بدون کوچک ترین مشکل و مانعی با وی دیدار می کردند و مشکلاتشان را با او در میان می گذاشتند. هیچ درباری نداشت و به کارگزاران خود نیز سفارش می کرد که هیچ گاه از دید مردم غایب نشوند. در این راستا به پسر عموی خود قثم بن عباس که زمام دار مکه بود، چنین می نویسد:

صبح و عصر برای رسیدگی به امور حاجیان و مردم مکه بنشین. به کسانی که پرسشی دارند، پاسخ ده. جاهلان را بیاموز و با دانشمندان مذاکره کن. در میان تو و مردم باید واسطه و سفیری جز زبانت و حاجب و پرده ای جز چهره ات نباشد. افرادی را که با تو کار دارند، از ملاقات با خود محروم مساز. اگر ابتدا آنها را از در خانه ات برانند، حل مشکل آنها پس از آن، این بی حرمتی و بی اعتنایی را جبران نخواهد کرد. (۲)

امام برای آموزش و پرورش مردم در تمام ابعاد زندگی شان اهمیت ویژه ای قائل بود و بر دو نکته اساسی تأکید می ورزید.

ابتدا

ص: ۱۲

۱- همان.

۲- همان، نامه ۶۷.

در بخش فرهنگ مردم گذشته، باید تنها سنت های نیکو و آداب و رسوم خوب آنان را گرفت و به کار بست و در بخش آموزش باید چیزی را به مردم آموخت که برای دنیا و آخرت آنها سودمند باشد و بتوانند از آن در زندگی شان بهره گیرند. از نظر علی علیه السلام فقط علمی ارزش دارد که شخصیت انسان را بسازد و رشد و تکامل بخشد و او را به خداوند و اوج تقرب برساند. (۱)

سیره امام علی علیه السلام در بعد فردی و خانوادگی نیز در اوج است. علی علیه السلام، یگانه خداشناس است. او در خانه خدا چشم به جهان گشود و در خانه حق، کام جانش به نام حق و به یاد خدا شیرین شد. او در خداشناسی به یقین کامل رسیده بود، آن چنان که می فرماید: «أَنْتَ لَعَلَى يَقِينٍ مِنْ رَبِّي وَغَيْرِ شُبُهَةٍ مِنْ دِينِي؛ من درباره پروردگارم، خود به سرمنزل یقین رسیده ام و در دینم تردیدی ندارم». (۲)

خداشناسی علی علیه السلام به اندازه عظمت و بزرگی خود اوست؛ زیرا خدا را در همه حال حاضر و ناظر بر رفتار و برنامه های خویش می داند و او را به چشم دل می بیند، عبادت او، عبادت آزادگان است که فقط به شکرانه ذات حق و بدون چشم داشت پاداشی صورت می پذیرد. خود در این باره می فرماید:

گروهی خدا را از روی رغبت و میل (به بهشت)

ص: ۱۳

۱- . علی رفیعی علامه و دشتی، سیره امام علی علیه السلام، ص ۷۹ [دانش نامه امام علی علیه السلام].

۲- . کافی، ج ۵، ص ۵۴.

می پرستند که این عبادت تاجران و سودجویان است و گروهی خدای را از روی ترس، پرستش می کنند که عبادت بردگان است و عده ای به سبب شکر نعمت های الهی و سپاس (و اینکه حضرت حق را شایسته عبادت می دانند) او را می پرستند و این عبادت آزادگان است. (۱)

آن گاه به نوع عبادت خود اشاره می کند و می فرماید:

هیچ گاه خداوند را از روی ترس یا به طمع و چشم داشت پاداشی نپرستیدم، بلکه چون خداوند را شایسته پرستش دیدم، او را عبادت کردم. (۲)

امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره اخلاص نیز می فرماید که تمام دوستی ها و دشمنی ها و جذب و دفع، همه و همه باید برای خدا باشد: «الْمُؤْمِنُ مَنْ كَانَ حُبُّهُ لِلَّهِ وَ بُغْضُهُ لِلَّهِ وَ أَخْذُهُ لِلَّهِ وَ تَرْكُهُ لِلَّهِ». (۳)

در سیره عبادی امام، نماز بزرگ ترین جلوه عبادت و اساسی ترین نماد بندگی و رکن نخستین و پایه اصلی دین است. مؤمن کسی است که دوستی، دشمنی، دادن و گرفتن او برای خدا باشد. در بحرانی ترین زمان ها و مکان ها نیز نماز اول وقت امام به تأخیر نمی افتاد، چنان که در جنگ صفین گاه و بی گاه به خورشید نگاه می کرد و مراقب بود که وقت زوال نگذرد. ابن عباس از حضرت پرسید: ای امیرمؤمنان، چرا گاهی از جنگ دست می کشی و به آسمان می نگری؟ فرمود:

ص: ۱۴

۱- همان، ج ۲، ص ۸۴.

۲- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۱۵۷.

۳- غررالحکم، ص ۶۷.

«به خورشید و زوال آن نگاه می‌کنم تا وقت نماز را بدانم و نماز اول وقت را از دست ندهم.» ابن عباس با شگفتی پرسید: آیا در هنگامه نبرد که مجال اندیشیدن به چیز دیگری جز جنگ نیست، به نماز اول وقت می‌اندیشی؟ فرمود: «ما برای چه با آنان می‌جنگیم؟ آیا برای نماز، نبرد نمی‌کنیم؟»^(۱)

امام علی علیه السلام نظر خانوادگی و توجه به کانون انس و الفت نیز الگویی نیکو برای تمام خانواده هاست. امام، بزرگ‌ترین عامل خوش بختی و راز کام‌یابی خانواده را در گرم و باصفا نگاه داشتن کانون خانوادگی، اخلاق پسندیده و محبت و مهربانی و وفاداری در آن می‌داند و می‌فرماید:

به خدا سوگند، هیچ‌گاه فاطمه را به اکراه به کاری و انداشتم و او را ناراحت نکردم و خشمگین نساختم تا خداوند او را نزد خویش برد و او نیز هیچ‌زمان مرا ناراحت نکرد و از دستور من سرنیچید و هرگاه به او نگاه می‌کردم، همه ناراحتی‌ها و اندوه‌ها و غم‌هایم را از یاد می‌بردم.^(۲)

حضرت در مورد حقوق همسران می‌فرمود:

مبادا بر زنان خویش ستم روا دارید و آنان را از حق خویش محروم سازید. هر کس به اندازه یک درهم گوشت برای همسر و فرزندان خویش خریداری کند، مانند کسی است که برده‌ای از فرزندان اسماعیل علیه السلام را آزاد ساخته است.^(۳)

ص: ۱۵

۱- . حسن بن ابی الحسن دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۲.

۲- . بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۱.

۳- . همان، ج ۷۸، ص ۳۲.

شیوه و رفتار علی علیه السلام با فرزندانش بر اساس تربیت نبوی بود. ایشان در سخنی زیبا به حسن و حسین علیهما السلام، فضیلت ها و ارزش های متعالی در زندگی را چنین می آموزد:

تقوا پیشه سازید. در پی دنیا و مظاهر آن نباشید حتی اگر دنیا به شما روی آورد. بر هر چه از مواهب دنیایی است و از دست می دهید، تأسف نخورید. به حق سخن بگویید. برای پاداش الهی کار و کوشش کنید. دشمن ستمگر و یار ستم دیده باشید. در کارهایتان نظم داشته باشید. برای ایجاد صلح و آشتی بین مردم بکوشید. حال یتیمان را رعایت کنید و نگذارید نابود شوند. همسایگان خود را مراعات کنید. مبادا در عمل به قرآن، دیگران بر شما پیشی گیرند. همواره مراقب نماز باشید. امر به معروف و نهی از منکر را هرگز ترک نکنید که در آن صورت، بدان بر شما مسلط می شوند و دعایتان مستجاب نخواهد شد. بر شما باد هم بستگی و از تفرقه و پشت کردن به یکدیگر پرهیزید. (۱)

ایشان در وصیتی به فرزند خود امام حسن علیه السلام درباره رعایت حقوق خانواده و خویشاوندان می فرماید:

وَ أَكْرِمُ عَشِيرَتَكَ فَإِنَّهُمْ جَنَاحُكَ الَّذِي بِهِ تَطِيرُ وَ أَصْلُكَ الَّذِي إِلَيْهِ تَصِيرُ وَ يَدُكَ الَّتِي بِهَا تَصُولُ. (۲)

خویشانت را گرامی بدار که بال های توآند و با نیروی آنان می توانی پرواز کنی و همچنین آنان ریشه توآند که به آن باز می گردی و دستان توآند که با آنان به دشمن یورش می بری.

اصولاً دل بستگی به خانواده، حفظ و حراست

ص: ۱۶

۱- . نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۲- . همان، نامه ۳۱.

از بستگان و رسیدگی به آنان، اهتمام به صلہ رحم، استوار ساختن پیوند خویشاوندی از سنت های نیکو و از اصول اساسی در فرهنگ اسلام به شمار می رود که مورد تأکید جدی امام علی علیه السلام است.

از آنچه گذشت، درمی یابیم که علی علیه السلام، سرچشمه کرامت و قله بلند فضایل و کمالات انسانی است. او پرورش یافته اسلام است. پابه پای پیامبر حرکت می کرد و دوست و دشمن به فضایلش معترفند. چنین شخصیتی نمونه آرمانی همه جوامع انسانی است. ابن عباس در سخنی کامل در حق ایشان می فرماید:

به خدایی که جان من در دست اوست، اگر دریاها، مرکب و درختان، قلم و همه آفریدگان زمین، نویسند شوند، نمی توانند فضایل علی علیه السلام را بنویسند. (۱)

اینک ماییم و این هم کرانه بی پایان سخنان نغز و پر عمق مولای متقیان که ره توشه و چراغ راه انسان های جویای فضیلت است.

ص: ۱۷

۱- . قاضی نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ۴، ص ۱۰۱.

فصل اول: اخلاق فردی

۱- پرهیز از نخستین گناه

انسان با اراده، در برابر وسوسه ها چراغ سبز نشان نمی دهد و به راحتی از جاده سلامت خارج نمی شود. باید دانست که پایداری در برابر لغزش ها، رمز موفقیت و نیک فرجامی است. خوشا به حال پرواپیشگانی که سدّ معصیت نشکستند و خود را به گناه نیالودند و هم آنان پیرومند و سعادت‌مند هستند. مولای پرواپیشگان، علی علیه السلام بنا به نقل شیعه و اهل سنت می فرماید:

ما ظَفَرَ مِنَ الظَّفَرِ الْأَثْمِ بِهِ (۱)

آن کس که گناه بر او چیره شود، پیروز نخواهد شد.

۲- لذت ترک گناه

انسان ها همیشه بر سر دو راهی انتخاب هستند. آدمیان چون مختارند، باید راه خیر و شر را فرا روی خود داشته باشند و با نیروی ایمان و آینده نگری، راه خیر و سعادت را برگزینند. در این میان، باید دانست دوری گزیدن از گناه چندان آسان نیست. با این حال، عوامل متعددی می تواند انسان را در این راه یاری دهند. یکی از این عوامل، آراسته شدن به زیور تقواست.

گرایش به پرهیزکاری، زمینه ساز ترک گناه است. قدرت و تسلط داشتن بر نفس، بالندگی و سرافرازی را به همراه می آورد و لذیذترین لذت های روحانی را به انسان

ص: ۱۸

۱- نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۳۱۹؛ سجع الحمام فی حکم الامام، علی الجندی، قاهره، مکتبه انجلو مصریه، ص ۳۶۵.

می چشاند. اگر انسان لذتِ ترک لذت را بچشد، دیگر لذت نفس را لذت نمی خواند. پس اگر خواهان سعادت و خوش بختی هستید و به وزیدن نسیم خوش نیک بختی مشتاقید و می خواهید پاک زندگی کنید و پاکیزه بمانید، باید پروا پیشه کنید و به گناه نزدیک مشوید. مولای متقیان، علی علیه السلام در این باره می فرماید:

أَسْعَدُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ لَذَّةً فَاتِيَهُ لِلذَّهِ بَاقِيَةً. (۱)

خوش بخت ترین مردم کسی است که لذت های زودگذر را برای لذت های دیرپا ترک کند.

اندکی اندیشه درباره اثرات دو نوع لذت، انسان را به گزینش لذت دیرپا و رها کردن لذت های زودگذر فرا می خواند، چنان که بنا بر نقل اهل سنت علی علیه السلام می فرماید:

شَتَّانَ مَا بَيْنَ عَمَلَيْنِ عَمَلٌ تَذْهَبُ لَذَّتُهُ وَ تَبْقَى تَبَعَتُهُ وَ عَمَلٌ تَذْهَبُ مَوْوَنَتُهُ وَ يَبْقَى أَجْرُهُ. (۲)

چه بسیار فرق است بین دو کار، کاری که لذت آن می رود، ولی آثار وخیم آن به جای می ماند و کاری که سختی آن می رود، ولی پاداش آن می ماند.

۳- پاک‌ی نفس

انسان، اشرف مخلوقات و برترین مظهر آفرینش است. او می تواند راه کمال یا گمراهی بییماید. می تواند چون حیوانات، زندگانی حیوانی در پیش گیرد و از انسانیت خویش فرسنگ ها دور شود یا به زندگی خود رنگ خدایی بزند و روح کمال را

ص: ۱۹

۱- .غررالحکم، ج ۲، ص ۴۴۱.

۲- .محمد شنیطی، کفایه الطالب، بیروت، دار ابن زیدون، ص ۲۱۳.

در خود زنده کند و راه تعالی و کمال را بیماید. پس در خویشتن خویش بنگریم و ببینیم اکنون که نام انسان بر خود نهاده ایم، کدامین راه را برگزیده ایم؛ هدایت و پاکی یا گمراهی و تباهی؟ پس تا فرصت باقی است به فکر اصلاح خویش باشیم تا پیش خدا و خلق رسوا نشویم. از انسان جز شرافت انتظار نمی رود و شرافت آدمی همان گونه که امام شریفان، علی علیه السلام فرموده، به پاکی است:

شَرَفُ الرَّجُلِ نَزَاهَتُهُ وَ جَمَالُهُ مُرْوَتُهُ. (۱)

شرف مرد به پاکی و زیبایی اش به جوان مردی است.

این پاکی باید هم در ظاهر و هم در باطن و اخلاق انسان باشد، ولی آنچه نشانه وجود چنین پاکی است، حسن رفتار با دیگران است و گرنه از شرافت و بزرگواری خبری نیست، چنان که بنا بر نقل اهل سنت، علی علیه السلام فرمود:

لَا شَرَفَ مَعَ سُوءِ الْأَدَبِ. (۲)

با بدادبی، شرافتی نیست.

۴- گذشت هنگام قدرت

مولای موحدان، علی علیه السلام فرموده است:

تَجَاوَزَ مَعَ الْقُدْرَةِ وَ أَحْسِنَ مَعَ الدَّوْلَةِ تَكْمُلُ لَكَ السِّيَادَةُ. (۳)

هنگام توانایی در گذر و هنگام دولت مندی نیکی کن تا به نهایت بزرگواری و آقایی برسی.

ص: ۲۰

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، ص ۱۸۰.

۲- رشیدالدین وطواط، مطلوب کل طالب، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۱۰، کلمه ۱۷.

۳- غررالحکم، ج ۳، ص ۲۹۷.

اِذَا قَدَرْتَ عَلٰى عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. (۱)

هنگامی که بر دشمن خود پیروز گشتی، به شکرانه پیروزی، او را ببخشای.

۵- کنترل خشم

خشم و غضب بر هم زننده تعادل روحی انسان است و آتشی است که می تواند ویرانی ها و خسارت های فراوانی به بار آورد. این اسب سرکش اگر مهار نشود، آسیب های جبران ناپذیری به سرنشین خود وارد می سازد. متأسفانه بعضی از مردم هنگام خشم گین شدن، کنترل خود را از دست می دهند و به هر کاری دست می زنند تا آتش غضب خود را فرو نشانند. از این رو، ممکن است آبروی دیگران را بریزند یا انواع تهمت ها را نثار طرف مقابل کنند. این در حالی است که عصبانیت، مجوزی برای ریختن آبروی دیگران نیست و اسلام هرگز اجازه نمی دهد که انسان هنگام خشمناک شدن، به هر کاری دست بزند. از آنجا که عصبانیت، بیش از همه به خود شخص عصبانی زیان می رساند، باید در حال خشمگینی از هر گونه کار شتاب زده خودداری کرد. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

اِكْظِمِ الْغَيْظَ عِنْدَ الْغَضَبِ وَ تَجَاوَزْ مَعَ الدُّوْلَةِ تَكُنْ لَكَ الْعَاقِبَةُ. (۲)

هنگام غضب، خشم خود را فرو کش و هنگام قدرت در گذر. در این صورت، عاقبت خوشی در انتظار

ص: ۲۱

۱- .مطلوب کل طالب، کلمه ۹۵، ص ۴۵.

۲- .غررالحکم، ج ۲، ص ۱۹۷.

در کلامی دیگر که اهل سنت روایت کرده اند، حضرت می فرماید:

کسی که مهار خشم و غضب خود را به دست خویش نگیرد، در حقیقت، عقل او ناقص است.

مَنْ لَمْ يَمْلِكْ غَضَبَهُ، لَمْ يَكْمُلْ عَقْلُهُ. (۱)

کسی که مالک غضب خود نشده، عقلش کامل نگشته است.

۶- اصلاح نفس

زنگار گناه و پیروی از هوا به تدریج جان پاک و فطرت خدادادی را آلوده می سازد و آدمی را به انحراف می کشاند. انسان در زندگی خود، خواه ناخواه، عیب ها و کاستی هایی دارد که خود بهتر از دیگران، آنها را می شناسد. هواهای نفسانی همیشه مانع تکامل انسان می شود و به او اجازه نمی دهد به اصلاح خود بیندیشد و عیب خویش را برطرف سازد. هرچند آدمی فطرت پاک خود را به کدورت گناه آلوده است، ولی خداوند این توانایی را به انسان داده است که برای مبارزه با نفس، تلاشی پی گیر را آغاز کند و به تدریج، عیب های درونی خود را یکی پس از دیگری کنار بگذارد تا دوباره شبستان وجود خویش را به پاکی بیاراید. او می تواند به وسیله مبارزه با نفس، سیاهی های وجود خویش را برطرف سازد و به فطرت اصیل خود بازگردد. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

مَنْ أَجْهَدَ نَفْسَهُ فِي إِصْلَاحِهَا سَعِدَ. (۲)

ص: ۲۲

۱- . سجع الحمام، ص ۴۱۸.

۲- . غررالحکم، ج ۵، ص ۲۵۸.

هر کس در اصلاح نفس خود بکوشد، رستگار خواهد شد.

مقصود از این اصلاح نفس، وجین علف های هرز به نام هوا و هوس است که مزرعه سبز زندگی را به خشکاندن تهدید می کند. حضرت در کلامی دیگر به مبارزه با آن فرا خوانده است و می فرماید:

جَاهِدُوا أَهْوَاءَكُمْ كَمَا تُجَاهِدُونَ أَعْدَائَكُمْ. (۱)

همچنان که با دشمنان خود مبارزه می کنید، با هوا و هوس های خود مبارزه کنید.

۷- پرورش روح

بهترین انسان ها کسانی هستند که ظاهر و باطنی یک دست و پیراسته دارند. آنان یگانه روزگار و خوب ترین بندگان خدایند. همه افراد توفیق یافتن دوستی هم دل و هم زبان را نمی یابند. چه بسا انسان هایی که چهره ای زیبا و جذاب، ولی باطنی بیمار و آلوده دارند. لطف خداوند رحیم ایجاب می کند که عیب این افراد پوشیده بماند و آبرویشان حفظ شود، ولی در هر حال، خود انسان از باطنش آگاه است و نباید از این لطف خداوند سوء استفاده کند، بلکه باید در برابر این پرده پوشی بکوشد عیب های باطنی اش را به تدریج برطرف کند تا ظاهر و باطنش نیکو شود. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

مَا أَقْبَحَ بِالْإِنْسَانِ بَاطِنًا عَلِيًّا وَظَاهِرًا جَمِيلًا. (۲)

چه قدر زشت است که انسان باطنی بیمار و ظاهری

ص: ۲۳

۱- . سجع الحمام، ص ۱۶۲.

۲- . غررالحکم، ج ۶، ص ۹۷.

زیبا داشته باشد.

توجه داشته باشد که خداوند در قیامت بر اساس واقعیت حکم می راند، چنان که آن حضرت در کلامی دیگر به نقل اهل سنت می فرماید:

مَنْ كَانَ ظَاهِرُهُ أَرْجَحَ مِنْ بَاطِنِهِ خَفَّ مِيزَانُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ كَانَ بَاطِنُهُ أَرْجَحَ مِنْ ظَاهِرِهِ ثَقَلَ مِيزَانُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

آن کسی که ظاهرش بهتر از باطنش باشد، در روز قیامت، ترازوی عملش سبک خواهد بود و کسی که باطنش بهتر از ظاهرش باشد، در روز قیامت، ترازوی عملش سنگین خواهد بود.

۸- حساب کشی از نفس

انسان موجودی است مرکب از عقل و غریزه و احساسات و خواه ناخواه در زندگی، خطا می کند. این خطاها به گرد و غباری می ماند که بر آینه روح می نشینند و آن را تاریک می کنند و صفا و روحانیتش را می گیرند.

باید چاره ای جست تا از میزان خطاها کاسته شود. اگر انسان کارهایی را که در طول روز انجام داده است، به هنگام شب، در نظر آورد و آنها را در محکمه وجدان بررسی کند، می تواند اندکی از میزان خطاهایش بکاهد. این کار در گشایش زندگی مادی و معنوی آدمی بسیار نقش دارد، به شرطی که استمرار یابد و انسان با شناخت نقاط ضعف خود، در پی اصلاح آنها برآید. اصولاً- بعضی رفتارها در نگاه نخست، ناشایست جلوه نمی کند، ولی اگر با دقت به آنها بنگریم، نقاط تاریک آن روشن می شود

ص: ۲۴

۱- . علی متقی هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ج ۳، ص ۷۵.

و آدمی با آگاهی از اشتباه و لغزش خویش می کوشد از تکرار آن بپرهیزد. حضرت علی علیه السلام در توصیه به این امر می فرماید:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ. (۱)

آن کس که هر روز از نفس خود حساب کشی نکند، از ما نیست.

و در سخنی دیگر که اهل سنت نقل کرده اند، می فرماید:

مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَلَّ بِهِ النَّدْمُ. (۲)

کسی که به حساب نفس خود (در دنیا) پیش از آمدن قیامت نرسد، پشیمانی سزاوار او خواهد بود.

۹- زیاده روی در غریزه

پیروی از اسب سرکش شهوت، نتیجه ای جز پشیمانی ندارد. چه بسیار لذت های لحظه ای و زودگذر که گستره ویرانی و زیان های جبران ناپذیر آن تا سالیان سال گریبان گیر آدمی می شود. خداوند حکیمی که غریزه را برای بقای آدمی در وجود وی نهاده است، راه برآوردن آن را نیز در نظر گرفته است. خداوند، انسان ها را به گونه ای آفریده است که به ارضای غریزه خویش نیاز دارند. ارضای غریزه، ضروری است، ولی باید از راه مشروع باشد. اسلام برای اینکه نسل انسان ها دست خوش نابودی نشود، بی بندوباری در ارضای غریزه جنسی را به شدت رد می کند و از همگان می خواهد هنگام

ص: ۲۵

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۳.

۲- احمد بن مروان دینوری، المجالس و الجواهر، بیروت، دار ابن حزم، ج ۱، ص ۲۸۸.

بر آوردن غریزه جنسی، قوه تعقل را به کار گیرند. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

مَنْ لَمْ يَمْلِكْ شَهْوَتَهُ لَمْ يَمْلِكْ عَقْلَهُ. (۱)

هر کس مالک شهوتش نباشد، مالک عقلش نیست.

و کسی که مالک شهوتش نباشد، در حقیقت، شهوتش مالک اوست و چنین کسی خوار است:

عَبْدُ الشَّهْوَةِ أَذَلُّ مِنْ عَبْدِ الرِّقِّ. (۲)

بنده شهوت از بنده زرخرد خوارتر است.

۱۰- بی پروایی در گناه

بسیارند کسانی که بر اثر غفلت، خود را به گناه آلوده اند. با این حال، پس از چندی، از کار خویش شرمنده شده اند و در خلوت خویش از درگاه خدا آمرزش می خواهند. برخی نیز آشکارا و بی محابا گناه می کنند و نه تنها شرمنده نمی شوند، بلکه از کار زشت خود شادمانند و به آن می بالند. اینها بدترین گناه کارانند؛ چون نهایت دشمنی خود را با خدا نشان می دهند و بی تردید، عذاب سختی در انتظار آنان است، مگر اینکه تا بیش از این دیر نشده است، به سوی نور و روشنایی باز گردند و از گذشته خود پشیمان شوند. آیا شایسته است انسان ضعیف، دچار نخوت و غرور شود و با بی باکی در پیشگاه الهی، جسارت انجام گناه را به خود بدهد و خویشتن را از عذاب الهی ایمن بداند. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يُبَالِي أَنْ يَرَاهُ النَّاسُ مُسِيئًا. (۳)

ص: ۲۶

۱- غررالحکم، ج ۵، ص ۴۱۶.

۲- سجع الحمام، ص ۲۳۶.

۳- غررالحکم، ج ۴، ص ۱۶۹.

بدترین مردم کسی است که از اینکه مردم او را گناه کار ببینند، پروایی ندارد.

در مقابل اینان، انسان های با شرم و حیایی هستند که حضرت درباره آنان می فرماید:

مَنْ كَسَاهُ الْحَيَاءُ تَوْبَهُ لَمْ يَرَ النَّاسُ عَيْبَهُ. (۱)

کسی که لباس حیا بر تن کرده است، مردم عیب وی را نخواهند دید.

۱۱- توبه

آمزش خواهی از خدا، وسیله رهایی انسان از آسیب های نافرمانی و رنج های گناهان است. اصولاً هر چیزی چاره ای دارد و چاره گناهان، توبه است. جان و روان آدمی در زمزم توبه شست و شو می شود و صفا و نورانیت باطن به او بازمی گردد. باید دانست که زیباترین توبه، توبه خالص، راستین و بدون بازگشت است. توبه کننده آن چنان به خدا روی می آورد و تعهد می کند که دگرباره به سوی گناه بازنگردد. گناه کاران در صورت بازگشت و توبه، علاوه بر اینکه مورد استقبال و توجه مؤمنان قرار می گیرند، خداوند نیز درهای رحمت را به سوی آنان می گشاید و چنان نوری به قلبشان می تاباند که احساس می کنند مورد الطاف خداوندی قرار گرفته اند. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

مَنْ تَرَكَ الشَّرَّ فُتِحَتْ عَلَيْهِ أَبْوَابُ الْخَيْرِ. (۲)

ص: ۲۷

۱- . کفایه الطالب، ج ۲۲۳.

۲- . غررالحکم، ج ۵، ص ۲۷۶.

هر کس بدی را رها کند، درهای خیر به رویش گشوده خواهد شد.

اگر همچنان بر بدی اصرار بورزد، باید بداند که بارکش همه عیب هاست اگر زود نجنبند، چه بسا راه رهایی برویش بسته شود. حضرت می فرماید:

الشَّرُّ جَامِعٌ لِمَسَاوِي الْعُيُوبِ. (۱)

بدی دربردارنده همه زشتی ها و عیب هاست.

۱۲- تقویت اراده

اراده انسان تمام هستی اوست. کسی که اراده ندارد، شخصیت هم ندارد. انسان ضعیف النفس، سست اراده است و در برابر مشکلات، خود را می بازد. در مقابل، انسان های با اراده بر مشکلات چیره می شوند و چون کوه در برابر حوادث می ایستند و آنها را از پای درمی آورند. پس در راه تقویت اراده باید با هوس ها مبارزه کرد و با تمرین، راه بندگی پیمود. انسان تنها با نیروی اراده می تواند بر دشمن درون و بیرون پیروز شود. افراد سست اراده در برابر دشمنان ناتوانند و به راحتی تسلیم می شوند و به همین دلیل، هیچ گاه به مقصد و هدف خویش نخواهند رسید. امام دلاوران و جوان مردان، علی علیه السلامی فرماید:

مَنْ ضَعْفَ جِدَّةَ قَوِيٍّ ضِدُّهُ. (۲)

هر کس اراده اش سست باشد، دشمنش نیرومند است.

و در سخنی دیگر، تقویت اراده در طاعت الهی را خواستار شده است و می فرماید:

ص: ۲۸

۱- . سجع الحمام، ص ۳۱۹.

۲- . غررالحکم، ج ۵، ص ۲۱۲.

إِذَا قَوَّيْتَ فَاقُو عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَإِذَا ضَعُفْتَ فَاضْعُفْ عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ. (۱)

اگر خواستی توانا باشی، در طاعت الهی توانا باش و اگر خواستی ناتوان باشی، در معصیت الهی ناتوان باش.

۱۳- عاقبت اندیشی

عاقبت اندیشی یکی از رازهای بزرگ کام یابی است. انسان باید درباره نتایج کارش تفکر کند و عاقبت اندیش باشد. اگر توانست نتیجه خوبی برای آن کار پیش بینی کند، در انجام دادن آن بکوشد و اگر نتیجه را مثبت ندید، به آن نزدیک نشود، اگرچه به ظاهر، کار مفیدی به نظر آید. شتاب زدگی و بدون تأمل و تدبیر در هر کاری وارد شدن، نتیجه ای جز حسرت و پشیمانی در پی نخواهد داشت و زیان های جبران ناپذیری بر انسان وارد می سازد. چه بسیار عصبانیت های آتشین که جان انسانی را گرفته و دیگری را به پیش میله های زندان و فرجام ناگوار قصاص کشانده و بنیان خانواده ها را از بین برده است. آن گاه آدمی هم دم آه افسوس و اشک ندامت بوده و با خود اندیشیده است که ای کاش قدری بیشتر می اندیشیدم و خود را کنترل می کردم. به راستی، اگر آدمی در زندگی، سنجیده و حساب شده عمل کند، باز هم به درد بی درمان «ای کاش، ای کاش!» گفتن دچار خواهد شد؟ مولای متقیان، علی علیه السلام بنا بر نقل شیعه و اهل سنت در این باره می فرماید:

ص: ۲۹

عاقبت اندیشی پیش از انجام دادن کار، انسان را از پشیمانی ایمن می‌دارد.

۱۴- میانه روی

رعایت اصل تعادل و میانه روی در زندگی در سیره پیشوایان دینی همواره مورد تأکید بوده و در آموزه های قرآنی از افراط و تفریط و خارج شدن از حدّ اعتدال نکوهش شده است. حساب گری و میانه روی در زندگی سبب می‌شود انسان از شرایط بحرانی و مشکلات زندگی به راحتی بگذرد. در مقابل، زیاده روی و تفریط، آدمی را مغلوب مشکلات می‌کند. انسان های حساب گر و آینده نگر، در زندگی میانه رو هستند و تلاش می‌کنند زندگی معصومین علیهم السلام را الگوی خود قرار دهند. این افراد همواره حدّ اعتدال و میانه روی را برمی‌گزینند و از ریخت و پاش های بی مورد و تحمل هزینه های غیرضروری دوری می‌کنند و تلاش می‌کنند همواره زندگی اقتصادی خود را بر اساس الگوی صحیح برگرفته از منش معصومین علیهم السلام تنظیم کنند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ أَقْتَصَدَ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ فَقَدِ اسْتَعَدَّ لِنَوَائِبِ الدَّهْرِ. (۲)

هر کس هنگام دارایی و ناداری میانه رو باشد، برای تحمل مشکلات زندگی آمادگی خواهد داشت.

در کلامی دیگر می‌فرماید:

ص: ۳۰

۱- غررالحکم، ج ۱، ص ۳۷۲؛ محمد بن سلامه قضایی، دستور معالم الحکم، بیروت، شرکت دار ارقم بن ابی ارقم، ص ۶۷.

۲- غررالحکم، ج ۵، ص ۴۳۱.

لَمْ يُهْلِكْ مَنْ اقْتَصَدَ وَلَمْ يَفْتَقِرْ مَنْ زَهَّدَ. (۱)

کسی که میانه روی کند، نابود نشود و کسی که زهد بورزد، فقیر نخواهد گشت.

۱۵- تَبذِير

شایسته نیست در حالی که در اطرافمان انسان هایی به نان شب محتاجند و در حسرت شکمی سیر، شب را به صبح می آورند، عده ای سرگرم شادخواری و ریخت و پاش باشند. شگفتا در جهانی که هر شب میلیون ها انسان بر اثر فقر و تنگ دستی جان می بازند، گروهی نیز به تبذیر و اسراف می پردازند. شبی نیست که اینان با ترتیب دادن ضیافت های آن چنانی به رقابت پردازند و بخشی از ثروت های بادآورده شان را فدای هوس های فخرفروشانه و چشم و هم چشمی نسازند. اینان نمی دانند که ممکن است بر اثر این ریخت و پاش های غیرمشروع، روزی به فقر و نداری گرفتار شوند. آن گاه در چنین روزی دست نیاز به سوی دیگران دراز کنند. انسان مؤمن به خدا و رسول باید به گونه ای زندگی کند و معیشت خود را چنان سامان دهد که دچار فقر ناشی از تبذیر نشود. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

مَنْ افْتَخَرَ بِالتَّبذِيرِ احْتَقَرَ بِالْاِفْلَاسِ. (۲)

هر کس به ریخت و پاش افتخار کند، دچار تنگ دستی می شود.

۱۶- پرهیز از ثروت طلبی

مال و ثروت می تواند وسیله گره گشایی از

ص: ۳۱

۱- . سجع الحمام، ص ۳۴۲.

۲- . غررالحکم، ص ۴۳۳.

مشکلات دیگران باشد. با وجود این، اگر به دست نااهلان بیفتد، ممکن است سبب هلاک هر چه بیشتر فرد و جامعه شود. در طول تاریخ، بیشتر بدبختی هایی که گریبان گیر جوامع انسانی شده، در پی بدمستی های ثروتمندان مغرور بوده است. آنانی که نمی دانند سرمایه خود را چگونه و در کجا مصرف کنند و آن را در راه های ناصحیح و نامشروع به کار می بندند، به جای اینکه از نعمت دارایی، وسیله نجات خویش را فراهم کنند، با خرج کردن آن در راه عیش و عشرت، هدف از آفرینش انسانی خویش را از یاد می برند. بنابراین، همواره باید متوجه بود که با ثروت اندوزی، شخصیت انسانی مان مسخ نشود و گرفتار عذاب الهی نشویم. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ مِنْ سَكْرِهِ الْغِنَى فَإِنَّ لَهُ سَكْرَهُ بَعِيدَهُ الْأَفْآقَهُ. (۱)

از مستی توانگری به خدا پناه ببرید؛ چون آن را مستی عجیبی است که به هوش آمدن از آن بسیار دور است.

آن حضرت در سخنی دیگر که اهل سنت روایت کرده اند، راه پیش گیری از مستی توانگری را دو چیز می داند:

مَا أَحْسَنَ تَوَاضُعِ الْغَنِيِّ لِلْفَقِيرِ رَعْبَهُ فِي ثَوَابِ اللَّهِ وَ أَحْسَنُ مِنْهُ تَيِّهِ الْفَقِيرِ عَلَى الْغَنِيِّ ثِقَهُ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. (۲)

چه نیکوست فروتنی توانگر برای نیازمند برای

ص: ۳۲

۱- همان، ج ۲، ص ۲۶۲.

۲- ابو حامد غزالی، احیاء علوم الدین، بیروت، دارالمعرفه، ج ۲، ص ۲۰۶.

رسیدن به پاداش الهی و نیکوتر از آن روی گردانی نیازمند از توانگر به جهت اعتماد بر خدا است.

۱۷- ساده زیستی

گروهی از انسان ها با اینکه می دانند دنیا، زودگذر است، خود را بنده دنیا می سازند. اینان چنان در گرداب تجمل گرایی غرق می شوند که گذرگاه بودن دنیا را از یاد می برند. در مقابل، برخی زندگی ساده، بی آرایش، پاک و باصفایی دارند و از آلودگی هایی که بر زندگی مردمان دنیا طلب سایه افکنده است، به دورند. این افراد راهی را انتخاب کرده اند که پیامبران خدا و بندگان صالح پیموده اند و هرگز حاضر نیستند یک روز از زندگی پاک و بی آرایش خود را با مادیات و منافع دنیوی عوض کنند. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا الرَّاحَةُ الْعُظْمَى. (۱)

ساده زیستی در دنیا، بزرگ ترین آسایش است.

امام علیه السلام در سخنی دیگر به فایده زهدورزی اشاره می کند و می فرماید:

وَأَزْهَدٌ فِي الدُّنْيَا يُبْصِرُكَ اللَّهُ مَعَوْرَاتِهَا. (۲)

در دنیا زهد بورز. خداوند زشتی های دنیا را به تو می نماید.

۱۸- پرخوری

خوردن و آشامیدن برای ادامه زندگی انسان لازم است، ولی اگر از اندازه خود تجاوز کرد، نه تنها مفید نیست، بلکه بسیار زیان بخش خواهد بود. پرخوری افزون بر

ص: ۳۳

۱- غررالحکم، ج ۱، ص ۳۴۷.

۲- سجع الحمام، ص ۷۱.

زیان های بدنی، فکر و روح انسان را نیز دچار ناراحتی می کند؛ زیرا بدن و روح انسان ارتباط بسیار نزدیکی با هم دارند و بر همدیگر اثر می گذارند. بسیار پیش می آید که افراد از انواع غذاها استفاده می کنند که این حجم غذا برای سلامت مزاج بسیار زیان آور است. در این حال تا آنجا که می توانند، معده خود را از غذاهای حجیم پر می سازند و با سنگینی که در بدن ایجاد می شود، جایی برای فعالیت های دیگر باقی نمی ماند. بنابراین، یکی از آسیب های مهم پرخوری به ویژه شب هنگام، بازماندن از توفیق سحرخیزی است. حضرت علی علیه السلام در نکوهش پرخوری می فرماید:

لَا تَجْلِسْ عَلَى الطَّعَامِ إِلَّا وَ أَنْتَ جَائِعٌ وَ لَا تَقُمْ عَنِ الطَّعَامِ إِلَّا وَ أَنْتَ تَشْتَهِيهِ. (۱)

بر سر سفره منشین مگر وقتی که گرسنه باشی و پیش از سیر شدن کامل، از خوردن دست بکش.

درسخنی دیگر، به روایت اهل سنت، درباره ضررهای پرخوری چنین می فرماید:

كَثْرَةُ الطَّعَامِ تُمِيتُ الْقَلْبَ كَمَا تُمِيتُ كَثْرَةُ الْمَاءِ الزَّرْعَ. (۲)

پرخوری دل را می میراند، همچنان که آب زیاد، زراعت را نابود می کند.

۱۹- دل بستگی به دنیا

اگر انسان، علاقه مندی های خود را در زندگی در راه صحیح به کار گیرد، مایه رشد و تکامل روحی و جسمی او خواهد شد. در مقابل، اگر در این زمینه زیاده روی کند و همه امور معنوی خود را فدای این علایق سازد، راه به جایی

ص: ۳۴

۱- طوائف الحکم، ج ۲، ص ۲۹۲.

۲- سجع الحمام، ص ۲۷۲.

نخواهد برد و عمر گران مایه را به خوشی های ناپایدار دنیا خواهد فروخت که سرانجامی جز اندوه و حسرت نخواهد داشت. پس بکوشیم دل از چنبره دنیا و علایق سست و ناپایدار آن برکنیم تا راه به سعادت و سلامت بریم. همه می دانیم که متاع دنیا، اندک، کم فایده و همچون کف روی آب است که به زودی از بین می رود، در حالی که متاع اخروی، ارزشمند و پایدار است. کدام انسان عاقلی، خوشی ناچیز و ناپایدار را با متاع گران سنگ و قیمتی که همان خوشی های پایدار است، معامله می کند؟ حضرت علی علیه السلام در هشدار به انسان ها چنین می فرماید:

أَخْسَرُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ الدُّنْيَا عَوَظًا عَنِ الْآخِرَةِ. (۱)

هر کس به جای آخرت، به دنیا دل ببندد، زیان کارترین مردم است.

دنیایی که به بیان دیگر آن حضرت به روایت اهل سنت چنین است:

الدُّنْيَا أَوْلُهَا عَنَاءٌ وَ آخِرُهَا فَنَاءٌ حَلَالُهَا حِسَابٌ وَ حَرَامُهَا عَذَابٌ. (۲)

اول دنیا، رنج و دشواری و سرانجامش، مرگ و فناست. در حلالش، حساب رسی است و در حرام آن [نیز] عذاب است.

اگر کسی چنین دنیایی را بر آخرت سراسر آسایش مقدم دارد، به یقین زیان کارترین خواهد بود.

۲۰- کار برای آخرت

هر روز می گذرد و قافله دنیا، مسافرانی را چند روز با خود سیر می دهد. سپس با

ص: ۳۵

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۴۱۴.

۲- سجع الحمام، ص ۱۸۷.

تنها گذاشتن آنان که می پنداشتند باید در این کوی برای همیشه رحل اقامت بیفکنند، به سراغ افراد جدید می رود. انسان در این دنیا، دوران کوتاه و بسیار محدودی دارد و بی شک، پایان عمر او به معنای فانی شدن نیست، بلکه نقطه آغازی است برای زندگانی جاودانه. نکته مهم این است که انسان در آن جهان باید پاسخ گوی کردارهای دنیایی خویش باشد. در آنجا هیچ چیز مطلوب تر از کردار نیک نیست و همه به عمل صالح نیاز دارند. در آخرت ممکن است شخص آنچه را پناه گاه خویش می پنداشت، پوچ و بی اعتبار بیابد و خود را سرزنش کند. چرا توش و توانش را صرف همت های ناپایدار دنیایی کرده است. آن گاه که خویشتن را در این حال می بیند، بیش از هر زمان دیگر، خود را ناتوان خواهد یافت. پس آیا بهتر نیست به جای تکیه بر زندگی زودگذر دنیا، خود را به عمل صالح مجهز کنیم؟ حضرت علی علیه السلامی فرماید:

مَنْ عَمِلَ لِلدُّنْيَا خَسِرَ. (۱)

هر کس برای دنیا کار کند، زیان کرده است.

حضرت در سخنی دیگر به نقل از اهل سنت می فرماید:

خُذْ مِنَ الدُّنْيَا مَا آتَاكَ وَ تَوَلَّ عَمَّا تَوَلَّى عَنْكَ. (۲)

آنچه از دنیا به تو روی آورد، بگیر و آنچه از تو برگرداند، رهایش کن.

۲۱- پرهیز از حرام خواری

ص: ۳۶

۱- غررالحکم، ج ۵، ص ۱۸۱.

۲- کنز العمال، ج ۶، ص ۱۷۵.

بهره مندی از تقوای الهی و رعایت حلال و حرام یکی از نشانه های اهل ایمان است. آنان اطاعت از دستورهای الهی را با تمام وجود پذیرفته اند و بندگی خدا را افتخاری سعادت بخش برای خود می شمارند. پس هیچ گاه لذت های زودگذر دنیا را با نعمت های پایدار جهان باقی عوض نمی کنند. انسان در این جهان خاکی مدت کوتاهی زندگی می کند و نمی داند چه وقت و در چه حالی از دنیا می رود. بنابراین، باید توجه داشته باشیم که مبدا غذایی را که مصرف می کنیم، حرام باشد و با استفاده از آن، باطن خود را به پلیدی آلوده سازیم. خوردن مال حرام از گناهان بزرگ است و انسان حرام خوار باید خود را برای بازخواست الهی آماده سازد. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

بُنِسَ الطَّعَامُ الْحَرَامُ. (۱)

بدترین خوراک ها، مال حرام است.

به همین جهت، در سخنی دیگر برای پرهیز از حرام خواری می فرماید:

أَجْمِلْ فِي الطَّلَبِ وَ اعْرِفْ سَبِيلَ الْمَكْتَسَبِ. (۲)

در طلب روزی زیبا و نیک وارد شو و راه کسب حلال را بشناس.

۲۲- دوری از حرام

پیروی از دستورهای الهی، نتیجه ای جز نیک فرجامی ندارد. شارع مقدس از آنجا که بعضی از امور را مانع کمال و سلامت انسان می داند، آنها را حرام دانسته و اموری

ص: ۳۷

۱- . غررالحکم، ج ۳، ص ۲۵۱.

۲- . کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۷۵.

را که راه دست یابی به کمال را برای آدمی آسان می سازد، واجب کرده است. از این رو، هر مسلمانی موظف است حرام و حلال خدا را رعایت کند. متأسفانه بسیاری از مردم دچار هوای نفس می شوند و برخلاف شریعت و دستورهای الهی، به کار خلاف دست می زنند. بی شک، این کار نوعی ستیزه جویی با قانون الهی و آموزه های پیامبران است. این افراد با اندکی تفکر درمی یابند که زیان کار خواهند بود و پی آمدهای این سرپیچی دامن گیرشان می شود که جز زیان ابدی چیزی نیست. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

لَا وَرَعَ أَنْفَعُ مِنْ تَجَنُّبِ الْمَحَارِمِ (۱)

هیچ پارسایی، سودمندتر از ترک کارهای حرام نیست.

در سخنی دیگر که از اهل سنت نقل شده است، می فرماید:

شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ (۲)

شکر هر نعمتی، پارسایی کردن از چیزهایی است که خداوند حرام کرده است.

۲۳- دعا

یکی از نیازهای اساسی انسان امروز نیازهای روحی و معنوی است که با دعا و درخواست از پروردگار می تواند نیازهای معنوی خود را برآورد. انسان در زندگی ماشینی، وقتی خسته و درمانده از کار روزانه به خانه برمی گردد، می خواهد خود

ص: ۳۸

۱- . غررالحکم، ج ۶، ص ۴۱۵.

۲- . دستور معالم الحکم، ص ۶۹.

را با قدرتی فناپذیر پیوند دهد و به آرامش روح و روان دست یابد. دعا، رابطه انسان را با خدا بیشتر می کند و او را به سوی معنویت می کشاند. انسان های بسیاری از راه ارتباط با خدا و زمزمه های وصل و دعاهای عارفانه، بهترین توفیق های مادی و معنوی را به دست می آورند و چه بسا که راه صدساله را یک شبه می پیمایند. خداوند نیز هرگاه می خواهد بنده اش را بپذیرد، حس نیاز به دعا و نیایش را در او تقویت می کند تا در پرتو آن، به نیازهای او پاسخی در خور دهد. خداوند بسیار کریم تر از آن است که بنده ای، عاشقانه و عارفانه او را بخواند و پاسخی نیکوتر از درخواست بنده اش به او ندهد. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

مَنْ دَعَا اللَّهَ أَجَابَهُ. (۱)

هر کس خدا را بخواند، خداوند، او را اجابت می کند.

در سخنی دیگر می فرماید:

قَدْ أَذِنَ لَكَ وَ ضَمِنَ الْجَابَةَ. (۲)

خداوند به تو اجازه دعا داده و اجابتش را نیز ضمانت کرده است.

حال این ماییم و این خدای مهربان

گر گدا کاهل بود، تقصیر صاحب خانه چیست؟

۲۴-آمزش

ص: ۳۹

۱- غررالحکم، ج ۵، ص ۴۴۵.

۲- کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۷۳.

بنده خوب خدا در زلال آمرزش خواهی، خود را تطهیر می سازد و ناخالصی ها را از تن و جان خویش پاک می کند. انسان در طول زندگی، گناہانی انجام می دهد که پس از آن، پشیمان می شود، به خدا روی می آورد و توبه و تعهد می کند که دیگر آن گناه را تکرار نکند. در صورت وجود چنین توفیقی، جای امیدواری هست. با این حال، برخی اهل توبه و بازگشت و در فکر ترک گناه نیستند، غافل از اینکه در یک لحظه نامعلوم، مرگ انسان فرا می رسد و توفیق توبه نمی یابند. راستی چه وقت باید به درگاه بی نیاز روی آورد؟ به یقین، زمانی که درهای آمرزش بسته نشده باشد. در آموزه های دینی آمده است که حتی کاتبان الهی، زمانی را به بندگان خطاکار فرصت می دهند تا با انابه و توبه، به درگاه احدیت روی آورند. از این رو، تا آن زمان، از نوشتن گناہان نیز بازمی ایستند تا شاید فرد گناه کار توبه را دریابد و با پرونده سیاه از گناه به پیشگاه خداوند حاضر نشود. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

الْإِسْتِغْفَارُ دَوَاءُ الذُّنُوبِ. (۱)

آمرزش خواهی، داروی گناہان است.

و در سخنی دیگر که اهل سنت از آن حضرت نقل کرده اند، می فرماید:

الْإِسْتِغْفَارُ يَحُتُّ الذُّنُوبَ. (۲)

آمرزش خواهی، گناہان را فرو می ریزد.

ص: ۴۰

۱- . غررالحکم، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲- . سجع الحمام، ص ۷۲.

۲۵- عبادت شایسته

عبادت نوعی شکرگزاری از نعمت های بی شمار الهی و نشانه بندگی انسان در برابر خداوند است. انجام عبادت باید با نشاط و در بهترین ساعت ممکن انجام شود. وقتی انسان برای عبادت در پیشگاه خداوند قرار می گیرد، باید بکوشد عبادتش بدون خستگی و دل سردی انجام شود. بسیاری از مردم تا وقتی که سرگرم داد و ستد یا تفریح یا کارهای دنیایی اند، هرگز احساس خستگی نمی کنند، ولی همین که می خواهند چند رکعت نماز بخوانند، مانند کسی که قرار است بار سنگینی بر دوش گیرد، احساس خستگی و بی حالی می کنند. این کار ناپسند، نوعی ناسپاسی در حق خالق است. پس باید پیوند خود را با خدا قوی تر کنیم و عبادت های بی روح را به نیایش همراه با شوق روحانی و اخلاص بدل سازیم. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

فَضِيلَةُ السَّادَةِ حُسْنُ الْعِبَادَةِ. (۱)

فضیلت بزرگان به نیکو نیایش کردن است.

و در مقابل سستی و تنبلی در عبادت است که حضرت بنا به نقل اهل سنت درباره اش می فرماید:

آفَةُ الْعِبَادَةِ الْفَتْرَةُ. (۲)

سستی و تنبلی آفت عبادت است.

۲۶- سحر خیزی

برخی افراد ساعت خواب خود را به گونه ای

ص: ۴۱

۱- . غررالحکم، ج ۴، ص ۴۱۲.

۲- . کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۱۶.

تنظیم می کنند که به سحرخیزی عادت کنند و ساعتی پیش از اذان صبح، به عبادت و بندگی خدا مشغول باشند و هم آواز با مرغان سحری، خدا خدا گویند. این افراد در اوایل شب می خوابند تا از نعمت بیداری سحر برخوردار شوند و با دعا و نماز صبحگاهی، دل و جان را در زمزم زلال مناجات شست و شو دهند. متأسفانه عده ای از افراد، تا پاسی از شب بیدار می مانند و بر اثر خستگی و کسالت از نعمت سحرخیزی محروم می مانند. اینان افزون بر اینکه فریضه نماز را ترک می کنند، از کسب روزی حلال نیز بهره ای نمی برند. همیشه به یاد داشته باشیم که سحرخیزی به هر دلیل که باشد، عادتی با ارزش و مایه برکت است. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

بَاكِرُوا فَالْبَرَكَةُ فِي الْمُبَاكِرَةِ. (۱)

سحرخیز باشید؛ که برکت در سحرخیزی است.

در سخن دیگر به نقل اهل سنت می فرماید:

عَلَّشَ بِالْفَجْرِ تَلَقَّى اللَّهُ تَعَالَى أَيْضَ الْوَجْهِ. (۲)

سحرخیز باش تا خدا را با روی سفید دیدار کنی.

۲۷- انس گرفتن با قرآن

توسل به تکیه گاهی مطمئن، آرامش بخش انسان در مشکلات زندگی است و چه پناهگاهی مطمئن تر از کلام وحی و کتاب زندگی که راهنمای سعادت انسان و نگه دار او از لغزش هاست. آنان که می خواهند در مشکلات

ص: ۴۲

۱- . غررالحکم، ج ۳، ص ۲۶۴.

۲- . دستور معالم الحکم، ص ۱۴۲.

زندگی، دچار وحشت و اضطراب نشوند و حوادث گوناگون، قلبشان را نلرزاند و چون کوه استوار و پابرجا باشند، باید خود را با آیات دل نشین قرآن مانوس سازند. این کار به همه زوایای زندگی فرد روشنایی و صفا می بخشد و چنان اطمینان و اعتمادی به انسان می دهد که هر وحشت و اضطرابی را به امنیت و رحمت تبدیل می کند. آنان که با قرآن هم دم هستند، مایه آرامش خاطر دیگرانند؛ زیرا با خزانه رحمت الهی پیوندی ناگسستنی دارند. آورنده قرآن مجید برای خواندن و انس گرفتن با آن، ارج و اهمیت ویژه ای قائل بود و شب ها تا سوره های حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن را نمی خواند، نمی خفت. در سیره پیشوایان ما نیز که به حق مفسران قرآنند، انس گرفتن با قرآن بسیار مشهود است. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

مَنْ آتَسَّ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ لَمْ تُوحِشْهُ مُفَارَقَةُ الْأَخْوَانِ. (۱)

هر که با قرآن مانوس است، از دوری یاران وحشتی ندارد.

در سخنی دیگر که اهل سنت نقل کرده اند، قرآن را چنین توصیف می کند:

عَلَيْكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَإِنَّهُ فِيهِ نَبَأٌ مِمَّا قَبْلَكُمْ وَ نَبَأٌ مِمَّا يَأْتِي بَعْدَكُمْ وَ الْحُكْمُ فِيهِ بَيِّنٌ... فَهُوَ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ وَ نُورُهُ الْمُبِينُ وَ شِفَاءُهُ النَّافِعُ عِضْمَهُ لِمَنْ تَمَسَّكَ بِهِ وَ نَجَاةٌ لِمَنْ تَبِعَهُ لَا يَمُوجُ فَيَقَامُ وَ لَا يَزِيغُ فَيَتَسَعَّبُ وَ لَا تَنْقُضِي عَجَائِبُهُ. (۲)

ص: ۴۳

۱- غررالحکم، ج ۵، ص ۳۶۹.

۲- کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۹۳.

بر شما باد روی آوردن به کتاب خدای عز و جل؛ زیرا در آن، خیر گذشتگان و آیندگان است. حکمش، روشن است. ریسمان محکم الهی و نور آشکار الهی است و درمانش سودمند است. مانع از گمراهی کسی است که به آن بیاویزد و نجات است برای کسی که از دستورهایش پیروی کند. کجج نمی شود تا نیازمند راست کردن باشد و گمراهی نمی کند تا چند راه داشته باشد و شکفتی هایش پایان نمی پذیرد.

۲۸- آخرین نماز

شیفتگی انسان مؤمن به نماز باید همچون شیفتگی انسان گرسنه به غذا و انسان تشنه به آب باشد. باید دانست که نماز واقعی، نمازی است که روح داشته باشد و روح نماز، حضور قلب است. انسان باید تلاش کند همواره نمازش با حضور قلب باشد و بهتر آن است هر وقت به نماز می ایستد، احساس کند این، آخرین نماز اوست و دیگر توفیق نماز خواندن نخواهد داشت. با چنین اندیشه ای، دیگر نماز خواندنش بدون توجه نخواهد بود و همه تلاش خود را به کار می برد تا این آخرین نماز را با توجه کامل و حضور قلب بخواند. گذشته از این، از کجا معلوم که به راستی نمازی که می خوانیم، آخرین نمازمان نباشد. پس آیا بهتر نیست که فرصت ها را غنیمت شماریم؟ حضرت علی علیه السلامی فرماید:

إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَلْيُصَلِّ صَلَاةَ مُوَدَّعٍ (۱)

وقتی یکی از شما به نماز می ایستد، بنا را بر این بگذارد که آخرین نماز اوست.

باید توجه داشت که چنین عبادت کردنی بسیار دشوار است و جز از آزادگان بر نمی آید؛ همانان که به روایت شیعه

ص: ۴۴

۱- غررالحکم، ج ۳، ص ۱۳۳.

و اهل سنت، علی علیه السلام درباره آنان می فرماید:

إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ - رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التَّجَارِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ - رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَأَنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ - شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَخْرَارِ. (۱)

برخی، خدا را به امید رسیدن به بهشت می پرستند که این عبادت تاجران است. برخی از ترس می پرستند که این عبادت بردگان است. برخی برای شکر، خدای را می پرستند این عبادت آزادگان است. (که از قید بهشت و دوزخ، آزادند)

۲۹- پول داران فقیر

کسانی که روح بزرگی دارند، ثروت و دارایی را وسیله ای برای تقرب الهی و کمک به بندگان خدا می شمارند و مال و دارایی خویش را در خدمت به خلق به کار می بندند. در مقابل، برخی افراد که ظرفیت لازم را برای بهره مندی درست از نعمت های الهی ندارند و تمام شخصیت خود را در گردآوری مال و ثروت جست وجو می کنند، خدا را از یاد می برند و مال اندوزی برایشان به هدف تبدیل می شود. این افراد، نه تنها توانایی استفاده صحیح از دارایی را ندارند، بلکه دارایی شان مایه بدبختی مادی و معنوی آنها می شود؛ چون خود را گم می کنند و از انجام دادن وظایف انسانی و مذهبی شان سر می پیچند. در این حال، معنویت آنها کم رنگ و بی رنگ خواهد شد. از نظر مادی نیز هر روز به مال دنیا حریص تر می شوند و از اینکه چرا بیشتر ندارند، همیشه ناراحتند و هر زیان کوچکی مایه رنجش خاطرشان می شود. سراب مال و ثروت،

ص: ۴۵

تشنگی آنان را برطرف نمی سازد و رفتار آزمندانه شان، دیگران را به شکفتی وامی دارد. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

رُبَّ غَنِيٍّ أَفْقَرُ مِنْ فَقِيرٍ. (۱)

چه بسیارند دولت مندانی که از فقیر هم فقیرترند.

نمونه پولداران فقیر، انسان های بخیل هستند که ثروت دارند، ولی حرص جمع آوری پول، آنان را به زندگی فقیرانه کشانده است و همچون انسان های نیازمند زندگی می کنند. حضرت علی علیه السلام در سخنی دیگر که اهل سنت از آن حضرت نقل کرده اند، می فرماید:

عَجِبْتُ لِلْبَخِيلِ يَسْتَعْجِلُ الْفَقْرَ الَّذِي مِنْهُ هَرَبَ وَ يَفُوتُهُ الْغِنَى الَّذِي آتَاهُ طَلَبَ فَيَعِيشُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ وَ يُحَاسِبُ فِي الْآخِرَةِ حِسَابَ الْأَعْيَاءِ. (۲)

در شکفتم از بخیل که از فقری که از آن فرار می کند، به سویش می شتابد و بی نیازی را که می خواهد از دستش می رود، در دنیا همانند نیازمند زندگی می کند، ولی در آخرت همچون توانگران از آنان حساب رسی می شود.

۳۰- عیب بینی

بی شک، هر یک از ما انسان ها عیب هایی داریم، ولی به علت خوش بینی یا آن عیب ها را نمی بینیم، یا اگر هم بینیم، توجهی نمی کنیم؛ در حالی که باید درباره عیب خود فکر کنیم و در پی اصلاح آن باشیم. بهتر است از دوستان خود نیز برای شناختن عیب هایمان کمک بگیریم و به هر شکل ممکن

ص: ۴۶

۱- غررالحکم، ج ۴، ص ۶۹.

۲- کفایه الطالب، ص ۲۱۳.

با تمام توان، عیب هایمان را از بین ببریم تا به انسانی پیراسته از عیب و نقص بدل شویم که در شأن مسلمان مؤمن است. خداوند، بندگان مؤمن خود را بدون نقص و عیب می پسندد. از این رو، تمام کوشش یک انسان هدفمند باید پیرایش درون از کاستی ها و عیب ها و دست یابی به کمال و تعالی و خداگونگی باشد. مسلمان دو روزش مثل هم نیست و هر روز گامی تازه به سوی اصلاح و سازندگی برمی دارد. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

أَبْصَرَ النَّاسَ مَنْ أَبْصَرَ عَيْبَهُ وَأَقْلَعَ عَنْ ذُنُوبِهِ. (۱)

بیناترین مردم کسی است که عیب های خود را ببیند و از گناهانش دوری گزیند.

و در سخنی دیگر که اهل سنت آن را نقل کرده اند می فرماید:

مَنْ أَبْصَرَ عَيْبَ نَفْسِهِ شُغِلَ عَنْ عَيْبِ غَيْرِهِ. (۲)

کسی که عیب خود را ببیند، به دنبال عیب غیر خود نخواهد بود.

۳۱- شناسایی عیب ها

یکی از مهم ترین وظایف انسان، شناخت عیب هاست. البته این کار به ظاهر ساده به نظر می آید، ولی بسیار دشوار است. زیرا بر اثر حب نفس، بسیاری از انسان ها، عیب های خود را نمی بینند یا عیب های بسیار بزرگ خود را کوچک می شمارند. باید کوشید تا به هر وسیله ممکن، به عیب های خویشتن پی برد و تا فرصت از دست نرفته است، در پی اصلاح آنها برآمد. یکی از راه های شناسایی عیوب خویشتن، هم نشینی با دوستان نیک و شایسته است؛ زیرا دوست شایسته و صالح، آینه ای است که می تواند عیب های انسان را نشان دهد. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

مَنْ أَشَدَّ عُيُوبِ الْمَرْءِ أَنْ تَخْفَى عَلَيْهِ عُيُوبُهُ. (۳)

از بدترین عیب های شخص، این است که عیب های خودش را

ص: ۴۷

۱- غررالحکم، ص ۴۱۰.

۲- سجع الحمام، ص ۳۸۱.

۳- غررالحکم، ج ۶، ص ۱۸.

بدتر از آن، دیدن عیب های دیگران و عیب جویی از آنان و ندیدن عیب های خود است، چنان که آن حضرت بنا بر نقل اهل سنت می فرماید:

مَنْ نَظَرَ فِي عُيُوبِ النَّاسِ فَانْكَرَهَا ثُمَّ رَضِيَ لِنَفْسِهِ فَذَلِكَ الْأَحْمَقُ بَعَيْنِهِ. (۱)

کسی که به عیب های دیگران نگاه کند و آنها را زشت بداند، ولی خود بدان عمل کند، چنین کسی احمق واقعی است.

۳۲- بردباری

بردباری نشانه قوت اراده است. انسان بردبار با کارش نشان می دهد که می تواند در مقابل حوادث سنگین روزگار ایستادگی کند. کسی که خود را به بردباری عادت دهد، افزون بر آنکه روزبه روز بر قوت اراده اش افزوده می شود، از مشکلات زندگی هم آن گونه که دیگران رنج می برند، رنج نخواهد برد. البته بردباری این نیست که انسان از تلاش دست بردارد و با هر سستی کنار بیاید؛ چون که از نظر دین و عقل و وجدان ناپسند است. بردبار، کسی است که با کمک عقل و منطق، برای سامان دهی کارش تلاش می کند و در رویارویی با ناکامی ها از پای نمی نشیند و روحیه خود را نمی بازد. نشانه های انسان بردبار سه چیز است. نخست آنکه تنبلی و سستی نمی کند. دوم آنکه دل تنگی نمی کند و سوم آنکه از پروردگارش شکوه نمی کند؛ زیرا اگر سستی و تنبلی کند، حق را ضایع می سازد. اگر دل تنگی کند، شکر او را ادا نمی کند و چنانچه شکوه کند، به یقین، در برابر پروردگارش عصیان کرده است. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

الْحِلْمُ تَمَامُ الْعَقْلِ. (۲)

بردباری نشانه کامل بودن عقل است.

در سخنی دیگر که اهل سنت نقل کرده اند، می فرماید:

الْحِلْمُ سَجِيَّةٌ فَاضِلَةٌ. (۳)

ص: ۴۸

۱- . سجع الحمام، ص ۴۲۰.

۲- . غررالحکم، ج ۱، ص ۲۶۴.

۳- . سجع الحمام، ص ۱۷۳.

حلم از صفات برتر اخلاقی است.

۳۳- طمأنینه در برابر مشکلات

با آرامش و وقار آسان تر می توان بر مشکلات چیره شد. دستپاچگی و شتاب زدگی، نه تنها مشکلات را حل نمی کند، بلکه چه بسا مشکلی نیز بر آن خواهد افزود. واکنش افراد در رویارویی با گرفتاری ها و معضلات، متفاوت است. بعضی ها در برابر حوادث و مسائل ناگهانی چنان دچار اضطراب می شوند که به اصطلاح دست و پای خود را گم می کنند و تحرک خود را از دست می دهند. در این هنگام، بهترین راه برای انسان این است که بکوشد آرامش خود را حفظ کند و با بررسی جنبه های گوناگون قضیه، راه حل مناسبی بیابد. بی قراری کردن و اظهار ناراحتی نه تنها نتیجه بخش نیست، بلکه بر مشکل خواهد افزود. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

كَمْ مِنْ صَعْبٍ تَسَهَّلَ بِالرَّفْقِ (۱)

چه بسیار دشواری هایی که با آرامش آسان می شود.

در سخنی دیگر که اهل سنت روایت کرده اند، می فرماید:

الرَّفْقُ تَنَالُ بِهِ الْحَاجَهُ وَبِحُسْنِ التَّنَائِي تَسَهَّلُ الْمَطَالِبُ (۲)

با رفق به نیازها می توان رسید و با درنگ و تأمل، مقصود حاصل می شود.

ص: ۴۹

۱- غررالحکم، ج ۴، ص ۵۵۱.

۲- سجع الحمام، ص ۲۰۳.

۳۴- آرزوهای دراز

آرزوی دراز جز آنکه فکر انسان را به خود مشغول کند و او را از فعالیت و کوشش باز دارد، نتیجه دیگری نخواهد داشت. انسان نباید خود را با آرزوها سرگرم کند و بیهوده به چیزهای دست نیافتنی دل ببندد؛ زیرا این کار جز پشیمانی ثمری نخواهد داشت. آرزوی دور و دراز، آن هم در امور دنیایی، نه تنها انسان را نیازمند مردم می‌سازد، بلکه مسیر زندگی معنوی انسان را عوض می‌کند و چه بسا او را به سراشیبی سقوط می‌کشاند، همان گونه که آرزوی حکومت ری، ابن سعد را به کربلا کشاند و شد آنچه انتظارش را نداشت. چگونه انسان می‌تواند آرزوی دراز را در دل و روحش پیروانند، در حالی که مرگ به او بسیار نزدیک است و خیلی زودتر از آرزوها به سراغ او می‌آید. حضرت علی علیه السلام بنا بر نقل شیعه و اهل سنت می‌فرماید:

إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ خِصْلَتَانِ إِتِّبَاعُ الْهَوَىٰ وَ طُولُ الْأَمَلِ. (۱)

وحشتناک‌ترین چیزی که برای شما از آن بیمناکم، دو چیز است: یکی، پیروی از خواسته‌های نفسانی و دیگری، آرزوهای دراز.

۳۵- عزت نفس

آدمی در روابط اجتماعی و رفع نیازها همواره باید از عزت نفس خود پاسداری کند و همچون پیشوایان حق باشد که در سخت‌ترین شرایط از خود ضعف نشان نمی‌دادند. آنان

ص: ۵۰

۱- . سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۰؛ فتح الباری، ج ۱۱، ص ۲۰۲؛ کنز العمال، ج ۳، ص ۸۱۸.

به پیروان خود آموختند که عزت مؤمن در بی نیازی از مردم است. برخی از مردم گرچه در ظاهر فقیرند، ولی وقتی به زندگی آنها توجه می کنید، درمی یابید طبعی بلند و روحیه ای قوی دارند. آنان چنان بزرگوارانه زندگی می کنند که گویی هیچ نیاز مادی ندارند. اینان می کوشند تا دیگران از فقرشان باخبر نشوند تا عزتشان خدشه دار نشود. وقتی انسان با چنین کسانی روبه رو می شود، ناخودآگاه به یاد این فرمایش حضرت علی علیه السلام می افتد که می فرماید:

مَنْ أَظْهَرَ فَقْرَهُ أَذَلَّ قَدْرَهُ. (۱)

هر کس ناداری خود را آشکار کند، خودش را سبک کرده است.

در سخنی دیگر که اهل سنت نقل کرده اند می فرماید:

رَضِيَ بِالذُّلِّ مَنْ كَشَفَ ضُرَّهُ. (۲)

تن به خواری داده است کسی که مشکلات خود را آشکار کرده است.

۳۶- بی نیازی

عزت مداری و بی نیازی در قاموس بندگان شاکر الهی جایگاهی بس ارزشمند دارد. این رادمردان ممکن است در تنگنای فقر و ناداری قرار بگیرند، ولی همیشه تلاش می کنند در برابر دیگران اظهار بی نیازی کنند، به گونه ای که حتی بسیاری از نزدیکان هم متوجه وضع نامطلوب

ص: ۵۱

۱- .غررالحکم، ج ۲، ص ۱۰۶.

۲- .سجع الحمام، ص ۲۰۲.

اقتصادی شان نمی شوند. اینان به اصطلاح، صورتشان را با سیلی سرخ نگه می دارند و به سبب همت والایشان همیشه خدا و خلق را شاکرند. در مقابل، گروهی هم با وجود امکانات بسیار، چنان از ناداری دم می زنند که گویا از سرزمین قحطی زدگان برگشته اند. آنان همانند تشنگانی هستند که هر چه از آب شور می خورند، سیراب نمی شوند. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

إِظْهَارُ الْغِنَى مِنَ الشُّكْرِ. (۱)

اظهار بی نیازی، نوعی شکر است.

در کلامی دیگر که اهل سنت نقل کرده اند، سبب رفتار گروه دوم را چنین بیان می دارد:

إِظْهَارُ الْفَقْرِ مِنَ حُمُولِ الْهَمِّ. (۲)

اظهار فقر و نیازمندی به جهت از یاد بردن همت است.

۳۷- (قناعت) کم خواهی

کم خواهی و زیاده خواهی به انتظار افراد از زندگی مادی بستگی دارد. آدمی اگر از ابتدا به قناعت و صرفه جویی عادت کند، از زندگی ساده و بی آرایش لذت می برد، هم چنان که زیاده خواهان نیز هم و غم خود را برای تجمل گرایی و زرق و برق دنیا به کار می بندند. انسان باید بداند ارج و قرب او در پرتو دارایی و مال و منال دنیا نیست. چه بسیار انسان هایی که از مال دنیا چیزی ندارند، ولی محبوب قلب ها

ص: ۵۲

۱- .غررالحکم، ج ۱، ص ۲۹۷.

۲- .سجع الحمام، ص ۸۰.

و دوست داشتنی ترین افراد هستند. مصرف گرایان هر چند به زندگی تجملی عادت کرده اند، ولی با تمرین می توانند از مصرف خود بکاهند و به تدریج، به وضع جدید عادت کنند. کم کردن تدریجی مصرف، برنامه خوبی برای کاهش مصرف است. اینان اگر اندکی از مصرف بی رویه خود بکاهند، می توانند به هم نوعان خود یاری رسانند تا آنان گرسنگی نکشند. به یقین، لذتی که از کمک رسانی به هم نوعان می برند، بسیار بیشتر از پرخوری است. افزون بر این، رضای الهی را نیز به دست می آورند. کم خوری، کم خوابی و حرکت در مسیر تعادل، به تمرین نیاز دارد و با نیروی اراده می توان زیاده خواهی ها را کنترل و به تدریج به وضع جدید عادت کرد. حضرت علی علیه السلام درباره صرفه جویی می فرماید:

مَنْ أَكْفَى بِالْيَسِيرِ اسْتَعْنَى عَنِ الْكَثِيرِ. (۱)

هر کس به اندک بسنده کند، از بسیار بی نیاز می شود.

و همه این امور در سایه تدبیر و برنامه ریزی درست امکان پذیر است، چنان که آن حضرت بنابر نقل اهل سنت می فرماید:

حُسْنُ التَّدْبِيرِ مَعَ الْكِفَافِ أَكْفَى لَكَ مِنَ الْكَثِيرِ فِي الْأَسْرَافِ. (۲)

تدبیر نیکو با بسنده کردن به اندک، کفایت کننده تر از مال زیادی است که با اسراف همراه باشد.

ص: ۵۳

۱- . غررالحکم، ج ۵، ص ۸۰.

۲- . کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۷۶.

۳۸- عالم بی عمل

بهترین علم آن است که با زیور عمل آراسته شود. وقتی مردم، عالم وارسته و عاملی را می بینند، خودبه خود به راه سعادت و هدایت رهنمون می شوند. یگانگی میان رفتار و گفتار بهترین وسیله تربیتی است، ولی متأسفانه برخی از عالمان، دانش آنان تنها لقلقه زبانشان است. سخن اینان چون به علمشان عمل نمی کنند، هیچ اثری در شنونده نمی گذارد. در مقابل، کسانی هستند که گفته هایشان از ژرفای قلبشان سرچشمه می گیرد. از این رو، کلامشان در شنونده اثری عمیق به جا می گذارد و آنان را الگویی شایسته و قابل پیروی می بینند. حضرت علی علیه السلام در نکوهش عالمان بی عمل می فرماید:

أَوْضَعُ الْعِلْمَ مَا وَقَعَ عَلَى اللِّسَانِ (۱)

پست ترین دانش آن است که تنها روی زبان باشد.

در روایتی دیگر، به نقل از شیعه و اهل سنت از آن حضرت به دنبال این کلام آمده است:

وَ أَرْفَعُهُ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ وَ الْأَرْكَانِ (۲)

و والاترین دانش آن است که بر اندام و ارکان بدن ظاهر شود.

۳۹- تداوم آموزش

فاصله انداختن در تحصیلات به روند آموزش زیان می رساند و آموزش را کند می سازد. یکی از موارد تداوم آموزش ها تکرار است. گاه انسان به تصور اینکه مسئله ای را خوب

ص: ۵۴

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۲.

۲- کفایه الطالب، ص ۲۰۹؛ نهج البلاغه، قصار ۹۲.

فرا گرفته است و به زودی فراموش نمی کند، به حافظه خود تکیه می کند و از تکرار درس غفلت می ورزد و آنچه را فرا گرفته است، از دست می دهد. باید دانست که تکرار، فواید بسیاری دارد؛ چون هر بار که انسان مطلبی را مرور می کند، از بطن و عمق آن مطلب بیشتر آگاه می شود. جست و جو درباره یافته ها و دقت و تأمل در آنها راهی به سوی فهم و دریافت بیشتر است.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

لَا فِقْهَ لِمَنْ لَا يُدِيْمُ الدَّرْسَ. (۱)

آن که در آموختن مداومت ندارد، از دریافت و فهم عمیق محروم است.

در سخن دیگر که اهل سنت روایت کرده اند، وظیفه یک فرد مسلمان را تکرار سخنان پیامبر و تداوم این کار دانسته است و می فرماید:

تَزَاوَرُوا وَ تَدَارَسُوا الْحَدِيثَ وَ لَا تَتْرَكُوا يَدْرُسَ. (۲)

به ملاقات یکدیگر بروید و کلام پیامبر را به یکدیگر بیاموزید. چنین کاری را ترک نکنید تا کلام آن حضرت به فراموشی سپرده نشود.

۴۰- پیروی از خداوند

برخی انسان ها با وجود استفاده از نعمت های الهی، از در مخالفت با فرمان های او درمی آیند و بدون هیچ بیم و هراسی به هر کار خلافی دست می زنند. اینان از این غافل هستند که گاهی خدا به آنها مهلت می دهد تا ماهیتشان برای دیگران آشکار

ص: ۵۵

۱- . غررالحکم، ج ۶، ص ۳۶۵.

۲- . کنز العمال، ج ۱۰، ص ۳۰۴.

شود. سپس آنها را به عذاب دردناکی دچار خواهد کرد. البته این سرنوشت همه کسانی است که از رحمت و نعمت های پروردگار سوءاستفاده می کنند. به راستی چگونه انسان می تواند ولّی نعمت خود را فراموش کند و به گردن کشی پردازد؛ خداوند بزرگی که اگر همین افراد به سوی او باز گردند، چه بسا مورد رحمت الهی قرار می گیرند. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

مَنْ عَانَدَ اللَّهَ قُصِمَ. (۱)

هر کس با خدا دشمنی کند، شکست خواهد خورد.

در سخنی دیگر که شیعه و اهل سنت آن را نقل کرده اند، می فرماید:

مَنْ أَبَدَى صَفْحَتَهُ لِلْحَقِّ هَلَكَ. (۲)

آن کس که در برابر حق بایستد، هلاک می شود.

۴۱- دوری از خدا

بعضی از مردم چنان به دنیا مشغولند که گویی جز عشق به دنیا و مسائل مادی و معاشرت با مردم، هیچ چیز دیگر نمی شناسند. این افراد سرانجام روزی از خواب غفلت بیدار خواهند شد، ولی در آن هنگام، فرصتی برای جبران گذشته نخواهند داشت. چنین افرادی باید پیش از اینکه آن روز فرا رسد، به خود آیند و رابطه شان را با خدا تقویت کنند و گرنه روز سختی در پیش خواهند داشت؛ روزی که در آن جز قلب سلیم، هیچ چیز حتی مال و فرزند، به کار نمی آید. پس تا دیر نشده است، شعله عشق و

ص: ۵۶

۱- . غررالحکم، ج ۵، ص ۱۸۲.

۲- . سجع الحمام، ص ۳۸۱؛ نهج البلاغه، قصار ۱۸۸.

یاد خدا را در دل هایشان فروزان نگه دارند که یاد خداوند در قلب ها، فرصت جولان دهی به اغیار را نمی دهد. خوش به حال آنانی که خانه دلشان به یاد خدا روشن است و چون با خدا هستند، رضایت او را می جویند. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

إِذَا رَأَيْتَ اللَّهَ يُؤْنِسُكَ بِخَلْقِهِ وَ يُوحِشُكَ عَنْ ذِكْرِهِ فَقَدْ أَبْغَضَكَ. (۱)

وقتی می بینی خدا، تو را به مردم مشغول کرده و یادش را از خاطرت برده است، [بدان که] به تو غضب کرده است.

از طرفی برای اینکه مؤمن از اجتماع نیز نبرد و در همان حال که در اجتماع حضور دارد، از خداوند نیز دور نشود، باید پای بند به حق باشد. حضرت در کلامی دیگر که اهل سنت آن را نقل کرده اند، می فرماید:

رَأْسُ الْعُقْلِ التَّحَبُّبُ إِلَى النَّاسِ فِي غَيْرِ تَرْكِ الْحَقِّ. (۲)

سر عقل، محبوبیت نزد مردم بدون ترک حق است.

۴۲- سوء استفاده از دین

دنیاگرایان و مال پرستان از هر وسیله ای برای رسیدن به هدف های خود سود می جویند. دین برای این افراد لقلقه زبان است و تنها به عنوان ابزاری برای دست یابی به اهداف مادی خود به آن می نگرند. جلوه های زندگی دنیا نیز سبب تعلق خاطرشان می شود و دست و پای انسان دل بسته را نیز می بندد و زیاده خواه می کند. این افراد به

ص: ۵۷

۱- .غررالحکم، ج ۳، ص ۱۳۱.

۲- .کشف الخفاء، ج ۱، ص ۴۲۱.

نام دین برای دنیای خود کار می کنند و در حقیقت، دین و مذهب را وسیله رسیدن به اهداف دنیایی خویش قرار می دهند.

به هر حال، پای مال کردن دین برای رسیدن به خواسته های دنیایی به جز اینکه از قداست و ارزش دنیا می کاهد، موجب گمراهی آنان می شود. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

حَصَّنُوا الدِّينَ بِالدُّنْيَا وَلَا تُحَصِّنُوا الدُّنْيَا بِالدِّينِ. (۱)

دین را با دنیا نگاه دارید، نه دنیا را با دین.

در سخنی دیگر که اهل سنت آن را نقل کرده اند، سرانجام کسانی را که برای دنیا، دین را پای مال می کنند، چنین توصیف می کند:

لَا يَتْرُكُ النَّاسُ مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ لِاصْلَاحِ دُنْيَاهُمْ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُوَ أَضْرُّ مِنْهُ. (۲)

مردم هیچ گاه دین را برای اصلاح دنیای خود ترک نکردند، مگر اینکه خداوند بر روی آنان چیزی را که ضررش بیشتر از ضرری است که می خواستند اصلاحش کنند، می گشاید.

۴۳- بهره وری از عمر

روزهای عمر ما در واقع کارنامه زندگی ماست و هر چه انجام دهیم، در این کارنامه ثبت می شود. پس تا آنجا که ممکن است، باید در انجام دادن عمل صالح بکوشیم و آن را برای روزی که هیچ چیز جز عمل صالح و قلب سلیم به کار نمی آید، ذخیره کنیم. اگر خدای ناکرده، فرصت ها را از دست بدهیم و با پرونده ای تهی از

ص: ۵۸

۱- غررالحکم، ج ۳، ص ۴۰۶.

۲- سجع الحمام، ص ۳۲۵.

کارهای نیک از این جهان رخت بر بندیم، زیان کار خواهیم بود؛ زیرا هیچ فرصتی برای تدارک و جبران و راهی برای بازگشت وجود ندارد. اگر آدمی بداند که با هر عمل نیک خود، درجه ای بر درجات او در جهان آخرت افزوده می شود، هیچ گاه به سستی و کاهلی تن نمی دهد، بلکه هر آن به سوی یک عمل خیر و صالح گام برمی دارد؛ اعمال صالحی که قرین و یار او در جهان برزخ و آخرت خواهند بود. از این رو، حضرت علی علیه السلام می فرماید:

الْأَيَّامُ صَحَائِفُ آجَالِكُمْ فَخَلِّدُوهَا بِأَحْسَنِ أَعْمَالِكُمْ. (۱)

ایام، نامه های عمر شمایند. پس آنها را با بهترین کارهایتان جاودانه کنید.

در سخنی دیگر که اهل سنت آن را نقل کرده اند، چنین هشدار می دهد:

السَّاعَاتُ تَهْضُمُ عُمْرَكَ. (۲)

ساعت ها از عمر تو می کاهند.

پس باید از عمر خود در راه خیر بهره جست تا دچار زیان کاری نشوید.

۴۴- استفاده از فرصت

فرصت و ابر همانندند و به سرعت می گذرند و بازگشتی ندارند. هنر آدمی در بهره برداری درست از وقت است. اگر انسان تلاش کند از هر فرصتی که برایش پیش می آید، استفاده کند، موفقیت های شایان توجهی به دست خواهد آورد. شاید تنها تفاوت دانشمندان و انسان های موفق با

ص: ۵۹

۱- غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۳۰.

۲- سجع الحمام.

مردم دیگر این باشد که آنها فرصت‌ها را غنیمت می‌شمرند، ولی مردم عادی فرصت‌های طلایی را از دست می‌دهند. در حقیقت، فرصت‌های زندگی انسان لطف‌هایی است که پروردگار جهان به آدمی عطا کرده است و او باید از این الطاف الهی استفاده بهینه کند تا بتواند راه کمال و سعادت را بییابد. پس اگر به موقع از آنها استفاده نکند، ممکن است درهای خیر و نیکویی به روی او بسته شود. اگر انسان وقت‌های ارزشمندش را پاس ندارد و آن را در راه خدمت به هم‌نوعان و رضایت خداوند به کار نگیرد، جز پشیمانی چیزی برای او به همراه ندارد. امام پارسایان می‌فرماید:

إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ. (۱)

از دست دادن فرصت موجب اندوه خواهد شد.

حال که چنین است، باید به کلام دیگر آن حضرت عمل کرد که اهل سنت نقل کرده‌اند:

بَادِرُ الْفُرْصَةِ قَبْلَ أَنْ تُكُونَ غُصَّةً. (۲)

فرصت‌ها را دریاب پیش از آنکه موجب اندوه شود.

۴۵- روی گردانی از دنیا

زیان‌کارترین افراد کسانی هستند که تمام هم و غم خود را صرف دنیا می‌کنند و به دنبال جمع‌آوری متاع بی‌ارزش و زوال‌پذیر آن سر از پا نمی‌شناسند، اگر کسی به دنیا دل بسته شود و خود را اسیر آن کند، نه تنها از آن بهره‌مند نمی‌شود، بلکه همواره

ص: ۶۰

۱- نهج البلاغه، کلمات قصار.

۲- کتزالعمال، ج ۱۶، ص ۱۷۷.

از آن بی نصیب خواهد ماند. اسیران دنیا هر لحظه حرص و طمع بیشتری می یابند و چنان غرق دنیاطلبی می شوند که سلامت و آسایش خود را از دست می دهند و چه بسا پیش از رسیدن به آرزوهای دراز خود، چشم از جهان فرومی بندند.

چنان که اهل سنت از علی علیه السلام روایت کرده اند که فرمود:

رُبَّ آمِلٍ حَائِبٍ. (۱)

چه بسیار آرزومندانی که نومید شدند.

حال آنکه تجربه نشان داده است اگر دنیا را رها کنند، دنیا به سویشان رو خواهد کرد. به تعبیر دیگر، دنیا مانند سایه است که هر قدر به دنبال آن باشیم، هرگز به آن نمی رسیم، ولی اگر پشت به آن کنیم، خود به دنبال ما خواهد آمد. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

مَنْ أَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا أَتَتْهُ. (۲)

هر کس از دنیا روی برگرداند، دنیا به سراغش می آید.

۴۶- خداترسی

انسان تنها با ترس از خدا و دوری گزیدن از بدی ها می تواند محیط امن و آرامی برای خود به وجود آورد. کسی که خداترس است و خداوند را همواره حاضر و ناظر کردار خود می بیند، به آسانی فریب شیطان را نخواهد خورد و همواره جاده سلامت را می پیماید. ترس از خدا سبب پرهیز از گناه می شود و

ص: ۶۱

۱- . مطلوب کل طالب، کلمه ۶۹، ص ۳۴.

۲- . غررالحکم، ج ۵، ص ۱۶۲.

پرهیز از گناه سبب می شود و انسان در آخرت ترسی از عذاب الهی نداشته باشد. در این حال، خداوند نیز به او آرامش خاطر عنایت می فرماید، به گونه ای که از زندگی، لذت روحانی می برد و همواره سرزنده و با نشاط خواهد بود. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

الْخَوْفُ مِنَ اللَّهِ فِي الدُّنْيَا يُؤْمِنُ الْخَوْفَ فِي الْآخِرَةِ مِنْهُ. (۱)

خدا ترسی در دنیا سبب ایمن شدن از ترس در آخرت می شود.

نه تنها خدا ترسی در آخرت سبب ایمنی است، بلکه بنا بر فرموده آن حضرت که اهل سنت نقل کرده اند، در دنیا نیز خدا ترسی چنان شجاعتی به مؤمن می دهد که:

مَنْ خَافَ اللَّهَ خَافَهُ كُلُّ شَيْءٍ. (۲)

کسی که خدا ترس باشد، همه چیز از او در هراسند.

۴۷- خوف و رجا

مؤمنان واقعی همواره خود را در حالت ترس و امید می بینند. این روحیه در سازندگی آنها آثار تربیتی فراوانی دارد. بی شک، هر کسی در زندگی خطاهایی کرده است و هرگز نمی تواند به پرونده اعمال خود، صددرصد مطمئن باشد، بلکه همواره باید به لطف و رحمت بی پایان پروردگار چشم دوخت و هرگز از رحمت و الطاف بی پایان الهی ناامید نشد. از آن سو هم نباید با تکیه بر فضل و کرم الهی، در ارتکاب گناه جسور بود. از کجا معلوم که انسان برای برخی

ص: ۶۲

۱- همان، ج ۲، ص ۱۵۳.

۲- سجع الحمام، ص ۳۹۹.

از گناهان دچار عقوبت سخت نشود و جزو بدکاران روز قیامت نباشد. به هر حال، امید به لطف پروردگار، اگر با خوف خداوند همراه باشد، می تواند مایه آرامش باشد. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

خَيْرُ الْأَعْمَالِ إِعْتِدَالُ الرَّجَاءِ وَالْخَوْفِ. (۱)

بهترین کارها، میانه روی میان امید و ترس است.

اندیشمند ژرف اندیش آن است که مردم را در حد میانه روی نگه دارد، چنان که شیعه و اهل سنت از آن حضرت نقل کرده اند که فرمود:

أَلَا أُبَيِّنُكُمْ بِالْفَقِيهِ كُلِّ الْفَقِيهِ؟ مَنْ لَمْ يُعْنِطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ لَمْ يُرَخِّصْ لَهُمْ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ. (۲)

آیا به شما شخص ژرف اندیش واقعی را شناسانم؟ آنکه مردم را از رحمت خدا ناامید نسازد و از طرفی دیگر چنان امیدوار نسازد که برای انجام معاصی الهی رها باشند.

۴۸- ترس از عذاب الهی

رسم بندگی، توجه کامل و پیوسته به معبود است. در این مسیر، خداترسی، راهی برای دست یابی به تقوای الهی است. پیشوایان دینی و عارفان خداجو از همه خداترس تر بودند. آنان همیشه نگران و در اندیشه جهان آخرت بودند. انسان، مسافری است که پس از چند صباحی به جهان آخرت منتقل می شود. در آنجا تنها پاک دلی و اخلاص و بندگی خدا سود دارد و تنها کسانی در آنجا سعادت مند ترند که خداترس ترند و زاد و توشه ای برای آن جهان آماده کرده

ص: ۶۳

۱- . غرر الحکم، ج ۳، ص ۴۴۵.

۲- . کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۶۱.

باشند. چه خوب است که ما نیز در همین دنیا، زاد و توشه آخرت را فراهم آوریم و خود را برای روز حساب آماده کنیم.

حضرت علی علیه السلام بنا به نقل شیعه و اهل سنت می فرماید:

طُوبَى لِمَنْ خَافَ الْعِقَابَ وَ عَمِلَ لِلْحِسَابِ. (۱)

خوشا به حال کسی که از عذاب الهی بترسد و خود را برای روز حساب آماده سازد.

۴۹- بیدارباش خدا

بلاهای مختلف مانند کاهش روزی، از دست رفتن مال و مقام، بیماری و مانند آنها، وسیله ای برای امتحان و هدایت انسان هاست. چه بسیار انسان هایی که با سرگرم شدن در عیش و نوش دنیا، هدف و مقصد را از یاد می برند. در این حال، خداوند به برخی بیدارباش می دهد که اگر آن را جدی بگیرند، امید است از غفلت و بی خبری در آیند و راه سعادت را پیمایند. این بیدارباش ها می تواند به صورت بیماری، گرفتاری و مانند آن باشد. این پیش آمدها در حقیقت، هشدار است برای آنکه متوجه کردارمان باشیم. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

إِذَا رَأَيْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يُتَابِعُ عَلَيْكَ الْبَلَاءَ فَقَدْ أَيْقَظَكَ. (۲)

وقتی می بینی خدا برایت پشت سر هم گرفتاری پیش می آورد، می خواهد بیدارت کند.

ص: ۶۴

۱- . غرر الحکم، ج ۴، ص ۲۷۴؛ سجع الحمام، ص ۲۳۱.

۲- . غرر الحکم، ج ۳، ص ۱۳۲.

از طرفی، هیچ یک از سختی ها و گرفتاری ها نزد خدا بی پاداش نمی ماند، چنان که اهل سنت از آن حضرت نقل کرده اند که فرمود:

مَرَارَةُ الدُّنْيَا حَلَاوَةٌ وَالْآخِرَةُ وَ حَلَاوَةُ الدُّنْيَا مَرَارَةُ الْآخِرَةِ. (۱)

تلخ کامی های دنیا، شیرین کامی های آخرت و شیرین کامی های (حرام) دنیا، تلخ کامی های آخرت را به دنبال دارد.

۵۰- دوری از پستی ها

انسانیت آدمی بسته به همت والا و بزرگ منشی اوست. آنانی که از روحی بزرگ برخوردارند، در چنبره مادیات گرفتار نمی شوند و وجهه همت خود را دست یابی آرمان ها و ارزش های متعالی قرار می دهند. آنان نیک می دانند که توجه به مسائل پست زندگی آنها را از هدف اصلی که نزدیکی به خداوند است، بازمی دارد. اگر انسان عاقل همت خویش را در زندگی صرف مسائل باارزش کند، روح او به مقام عالی انسانیت می رسد و این همان چیزی است که هر انسان آزاده ای آرزوی رسیدن به آن را دارد. انسان های بلندهمت را پیرامون مسائل پست و بی ارزش نمی توان جست؛ چون آنها در وادی نور و روشنایی سیر می کنند و به موفقیت های بزرگی هم می رسند. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

أَعْقَلَ النَّاسِ أْبْعَدُهُمْ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ. (۲)

عاقل ترین مردم کسی است که از هر پستی پرهیزد.

در کلامی دیگر که شیعه و اهل سنت آن را نقل کرده اند، آن حضرت می فرماید:

أَكْرَمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ. (۳)

ص: ۶۵

۱- . سجع الحمام، ص ۲۷۶.

۲- . غرر الحکم، ج ۲، ص ۴۱۳.

۳- . کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۷۵.

خودت را از هر پستی گرامی دار.

۵۱- طمع ورزی

طمع ورزی، انسان را گرفتار آرزوهای دراز و دست نیافتنی می سازد. متأسفانه برخی از مردم که اراده استواری ندارند، آنچه را می بینند یا می شنوند، می خواهند و خواسته هایشان را بدون اندیشه دنبال می کنند و کاری ندارند که آن چیز به سود آنهاست یا زیانشان. این گونه انسان ها ظاهر بین هستند و به آنچه دارند، قانع نیستند و با دیدن و شنیدن هر چیزی برای به دست آوردن آن تلاش می کنند. این در حالی است که هر کسی باید خواسته هایش را با میزان دارایی و توانایی خود، تطبیق دهد. انسان عاقل هیچ گاه خود را با دیگران که از هر نظر بر او ترجیح دارند، برابر قرار نمی دهد و آرزوهای دست نیافتنی را دنبال نمی کند. امام علی علیه السلام به روایت شیعه و اهل سنت می فرماید:

لَا تَطْمَعُ فِي كُلِّ مَا تَشْمَعُ فَكَفَى بِذَلِكَ حُمْقًا. (۱)

به هر چه می شنوید، طمع نکنید؛ که نشان حماقت و کم خردی است.

۵۲- بی کاری

تنبلی و تن پروری همواره مورد نکوهش اسلام و پیشوایان دین بوده است. در شرافت و عزت کارگران همین بس که رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر دستشان بوسه زد. زندگی برای کار و فعالیت است و این همه نیروهای مادی و معنوی که خداوند به بشر عنایت فرموده است، نباید هدر برود، بلکه هر کس به اقتضای ذوق و علاقه ای که دارد، باید به کار بپردازد تا هم چرخ زندگی اش به آسانی بگردد و هم از مفاسدی که بر اثر بی کاری به

ص: ۶۶

۱- غررالحکم، ج ۶، ص ۳۴۵؛ سجع الحمام، ص ۳۰۶.

وجود می آید، در امان بماند. حکومت ها نیز وظیفه دارند تا زمینه کار را برای همه مردم فراهم آورند. انسان تا وقتی که کاری دارد، فکرش نیز مشغول آن است، ولی همین که از کار دست کشید و در جرگه بی کاران در آمد، در معرض بسیاری از آسیب های مادی و معنوی قرار می گیرد. حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود:

مَعَ الْفَرَاغِ تَكُونُ الصَّبْوَةُ. (۱)

بی کاری با هوا و هوس همراه است.

در سخنی دیگر به روایت اهل سنت می فرماید:

الْقَلْبُ الْفَارِغُ يَبْحَثُ فِي السُّوءِ وَ الْيَدُ الْفَارِغَةُ تَنَازِعُ إِلَى الْإِثْمِ. (۲)

دل فارغ از یاد حق به سوی بدی ها روی می آورد و دست بی کار به گناه مشغول می شود.

۵۳- تنبلی

تلاش و کوشش مایه پیشرفت و تعالی و عامل دست یابی به اهداف است و درهای موفقیت را به روی آدمی می گشاید. در این راستا هر کسی باید کار خویش را خود انجام دهد و حق ندارد خود را وبال گردن دیگران سازد و به آنان متکی باشد. بعضی افراد عادت دارند زحمت کار خود را بر دوش دیگران بیاندازند. آنان مردمی خودخواه و تنبل هستند. امامان معصوم علیهم السلام با آن همه مسئولیت های دینی و اجتماعی، کارهای شخصی خود را به دیگران وا نمی نهادند. حتی در این مسیر بر دیگران پیشی هم می گرفتند. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

صَاحِبُ الشَّيْءِ أَحَقُّ بِالشَّيْءِ أَنْ يَحْمِلَهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ ضَعِيفًا يَعْجِزُ عَنْهُ. (۳)

صاحب هر شیء به حمل آن شایسته تر است تا دیگران، مگر آنکه ناتوان باشد.

ص: ۶۷

۱- غرر الحکم، ج ۶، ص ۱۲۲.

۲- سجع الحمام، ص ۲۶۵.

۳- غرر الحکم، ص ۱۸۳.

گاهی شیطان از راه خیر و نمودن کار زشت در چهره زیبا، انسان را به تنبلی می کشاند. آن حضرت در سخنی دیگر به روایت اهل سنت می فرماید:

إِخْذِرْ كُلَّ الْحَذَرِ أَنْ يَخْدَعَكَ الشَّيْطَانُ فَيَمَثُلُ لَكَ التَّوَانِي فِي صُورَةِ التَّوَكُّلِ. (۱)

به شدت بر حذر باش از اینکه شیطان تو را بفریبد و کاهلی و سستی را به صورت توکل به تو بنمایاند.

۵۴- بهره مندی از اندیشه پاک

اندیشه پاک، انسان را به کار خیر و اندیشه ناپاک، او را به کار زشت فرامی خواند. آدمی وقتی که به خوب بودن عملی پی برد، انگیزه لازم را برای انجام دادن آن به دست می آورد و از انجام دادن آن کار نیز لذت می برد. انسان های نیک کردار و خیراندیش، اندیشه پاک دارند و این نشانه علاقه آنها به مسائل معنوی و خدمت به دیگران است. همچنان که حضرت علی علیه السلام به روایت اهل سنت در این باره می فرماید:

إِذَا سَأَلْتَ كَرِيماً حَاجَةً فَدَعَّهُ يُفَكِّرُ فَإِنَّهُ لَا يُفَكِّرُ إِلَّا فِي خَيْرٍ. (۲)

هرگاه از شخص بخشنده چیزی تقاضا کردید مهلتش دهید تا فکر کند زیرا او جز به خیر نمی اندیشد.

اینان نه تنها خود اهل خیر و نیکی هستند، بلکه تلاش می کنند در کار خوب دیگران نیز با آنان شریک باشند. از این رو، به سبب نیت پاکشان همواره با موفقیت های بزرگ روبه رو می شوند. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

الْفِكْرُ فِي الْخَيْرِ يَدْعُوا إِلَى الْعَمَلِ بِهِ. (۳)

اندیشه نیک، انسان را به کردار نیک فرا می خواند.

ص: ۶۸

۱- . سجع الحمام، ص ۴۱.

۲- . غررالحکم، ص ۵۸.

۳- . همان، ج ۱، ص ۳۶۶.

۵۵- اخلاص

اخلاص، اکسیری است که به اعمال انسان ارزش می بخشد. اخلاص از ایمان برمی خیزد و ملائک قبولی اعمال است. معنای اخلاص این است که انسان هدف الهی را با اهداف دیگر در نیامیزد. برای مثال، وقتی می گوییم این کار را برای خدا انجام می دهیم، باید در واقع نیز چنین باشد. باید پذیرفت که در طول تاریخ، مخلصان گروه ناچیزی بوده اند و بیش از مخلصان واقعی، با مدعیان اخلاص سر و کار داشته ایم. مولای مخلصان، حضرت علی علیه السلام، همگان را به اخلاص سفارش می کند و می فرماید:

أَخْلَصُوا إِذَا عَمِلْتُمْ. (۱)

چون کاری می کنید، اخلاص داشته باشید.

در سخن زیبای دیگری که اهل سنت روایت کرده اند، اخلاص را بهترین هدیه بنده برای خدا می داند:

أَجَلُّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ التَّوْفِيقُ وَ أَجَلُّ مَا يَصْعَدُ مِنَ الْأَرْضِ الْأَخْلَاصُ. (۲)

برترین چیزی که از آسمان نازل می شود، توفیق الهی است و برترین چیزی که به سوی آسمان بالا می رود، اخلاص بنده است.

۵۶- کنجکاوی

انسان های خردمند می کوشند نسبت به مسائل زندگی و امور طبیعت کنجکاو باشند. آنها سطحی نگر نیستند، بلکه تلاش می کنند تا از

ص: ۶۹

۱- همان، ج ۲، ص ۲۳۹.

۲- سجع الحمام، ص ۳۷.

اسرار طبیعت و رموز زندگی آگاهی بیابند. در مقابل، عده ای سطحی نگرند و آگاهی چندانی نیز ندارند. به همین دلیل، تنها به ظاهر مسائل می نگرند و علم و عمل خود را بر اساس آن تنظیم می کنند. آنان زاویه های ناپیدا را نمی کاوند، در حالی که اگر اندکی تحلیل و تعمق کنند، مسیر حرکت آنان نیز عوض می شود. خوب است با دیدی بازتر به اطراف خود بنگریم و روحیه کنجکاوی را در خویش تقویت کنیم. منظور از کنجکاوی، داشتن روحیه پرسش گرانه و کوشش برای دانستن است. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

مَنْ تَفَهَّمَ فَهَمَّ. (۱)

هر آن که کوشش کند بفهمد، خواهد فهمید.

در سخنی دیگر که اهل سنت نقل کرده اند، حقیقت ژرف اندیشی را رسیدن به ساحل فهمیدن دانسته است و می فرماید:

لَا خَيْرَ فِي فِقْهِ لَيْسَ فِيهِ تَفَهُُّمٌ. (۲)

در ژرف اندیشی که فهم در آن نباشد، خیری نیست.

۵۷- بی باکی

برخی از مردم گاهی به کارهای حساب نشده و خطرناک دست می زنند و این کار خود را شجاعت می دانند؛ در صورتی که آنها معنای بی باکی را با شجاعت اشتباه گرفته اند. انسان شجاع برای انجام دادن کارهای منطقی، ترس و وحشتی به خود راه نمی دهد. به همین جهت باید گفت شجاعت، صفت نیکی

ص: ۷۰

۱- .غررالحکم، ج ۵، ص ۱۳۷.

۲- .کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۶۱.

است. انسان های شجاع، ثمره شجاعت خویش را در پیروزی بر دشمن یا رسیدن به مقصود می یابند، ولی انسان های بی باک که بی حساب و کتاب دست به هر کاری می زنند، چه بسا به مقصد نمی رسند و دچار زیان های جبران ناپذیری نیز می شوند. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

مَنْ تَهَوَّرَ نَدِمَ. (۱)

هر کس بی باکی کند، پشیمان خواهد شد.

۵۸- حیا

مسلمان باید به زیور حیا و عفت آراسته باشد و حتی از کارهای مباحی که شایبه کم عفتی در آن می رود، دوری کند. پیوند حیا با ایمان چنان نزدیک است که با رفتن یکی، دیگری نیز از میان خواهد رفت. آن گاه که حیا نباشد، هر کاری مجاز می شود و هر عملی از انسان سر می زند. باید دانست که حیا نسبت به خدا، زمینه بسیاری از گناهان را از بین می برد و انسان را از زشت کاری باز می دارد. از سوی دیگر، انسان آزاد از خدا و اباحی گوی مذهب، هیچ قیدوبندی برای خود نمی بیند، مگر آنچه حافظ منافع و تعلق های نفسانی اوست. به راستی، آن کس که حیا ندارد، دارویی برای دردش نیست چون بی حیایی، درد بی درمان و زایل کننده ایمان است. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

حَيَاءُ الرَّجُلِ مِنْ نَفْسِهِ ثَمَرَةُ الْإِيمَانِ. (۲)

ص: ۷۱

۱- . غررالحکم، ج ۵، ص ۱۳۹.

۲- . همان، ج ۶۳، ص ۴۱۸.

اینکه انسان از خودش حیا کند، نتیجه ایمان است.

در سخن زیبای دیگری که اهل سنت روایت کرده اند، می فرماید:

غَايَةُ الْمُرُوَّةِ أَنْ يَسْتَحْيِيَ الْإِنْسَانَ مِنْ نَفْسِهِ. (۱)

اینکه انسان از خودش حیا کند، نهایت جوان مردی است.

۵۹- حیا نکردن از ندانستن

لازم نیست آدمی از همه چیز آگاه باشد. ما از بسیاری چیزها بی خبریم. پس ندانستن عیب به شمار نمی آید. بعضی ها گمان می کنند هر کس از آنها چیزی پرسد، باید پاسخ بدهند. بنابراین، وقتی می بینند پاسخی ندارند، بی جهت، سخنان راست و دروغ را به هم پیوند می زنند تا به هر وسیله ممکن پاسخ دهند. آنان با این کار خود، دیگران را به دردسر می اندازند. بهترین راه این است که با صراحت بگویند «نمی دانیم». بی تردید، این پاسخ، صداقت پاسخ دهنده را نشان می دهد. از آن گذشته، با سخنان بی پایه خود، پرسشگر را هم سرگردان نمی سازند. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

أَلَا لَا يَسْتَقْبِحَنَّ مَنْ سُئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ لَا أَعْلَمُ. (۲)

هر کس که چیزی از او می پرسند و نمی داند، نباید از گفتن «نمی دانم» شرمگین شود.

ص: ۷۲

۱- .سجع الحمام، ص ۲۵۰.

۲- .غررالحکم، ج ۲، ص ۳۴۲.

در سخنی دیگر که شیعه و اهل سنت آن را نقل کرده اند، به همین معنا اشاره داشته است و می فرماید:

أَلَا لَا يَسْتَحْيِي الرَّجُلَ أَنْ يَتَعَلَّمَ وَ مَنْ يُسْأَلُ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ: لَا أَعْلَمُ. (۱)

آن کسی که نمی داند، از فرا گرفتن حیا نکند و آن کسی که از او درباره چیزی که نمی داند، پرسند، از گفتن نمی دانم حیا نکند.

۶۰- پرهیز از شتاب زدگی

تصمیم شتاب زده و غیرمنطقی نه تنها مشکلی را حل نمی کند، بلکه چه بسا روزنه های گشایش را هم به روی آدمی می بندد. انسان عاقل همیشه با احتیاط و تأمل عمل می کند، ولی برخی از انسان ها از روی عصبانیت، تصمیم های شتاب زده می گیرند و تمام راه ها را بر خود می بندند و سپس دچار پشیمانی می شوند. در حقیقت، آنها چوب بی احتیاطی و شتاب زدگی خود را می خورند. اگر اندکی فکر می کردند یا پس از مشورت کافی گام برمی داشتند، شاید نه تنها درها به رویشان بسته نمی شد، بلکه درهای تازه ای هم به رویشان گشوده می شد. موفقیت از آن کسانی است که با چشم باز و دوراندیشی گام برمی دارند. تمام جنبه های موضوع را بررسی می کنند و با مشورت و حساب و کتاب به کاری دست می زنند. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

لَا تُغْلِقْ بَابًا يُعْجِزُكَ إِفْتِتَاحُهُ. (۲)

ص: ۷۳

۱- . کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۹۷.

۲- . غرر الحکم، ج ۶، ص ۲۶۷.

دری را که نمی توانی باز کنی، به روی خود میند.

۶۱- پرسش گری

انسان، کنجکاو و پرسش گر است و دوست دارد از محیط اطراف خود اطلاعات تازه ای به دست آورد. انسان عاقل و خردمند وقتی چیزی را نمی داند، از دیگران می پرسد و معمولاً هم پس از پرسیدن از چند نفر به پاسخ مطلوبی می رسد. در مقابل، عده ای هم هیچ گاه نمی پرسند و از پرسش کردن شرم دارند. بعضی نیز برای اینکه غرورشان نشکند و مردم آنها را کم سواد نشمارند، نمی پرسند. به همین جهت بنا به نقل شیعه و اهل سنت علی علیه السلام خطاب به فرزندش می فرماید:

إِعْلَمْ يَا بَنِيَّ إِنَّ الْأَعْجَابَ ضِدُّ الصَّوَابِ وَ آفَةُ الْأَلْبَابِ. (۱)

آگاه باش ای فرزندم که غرور برخلاف راه درست و آفت خرد است.

این در حالی است که در آموزه های اسلامی سفارش شده است هیچ وقت از پرسیدن شرم نداشته باشیم و با پرسش کردن، راه علم و معرفت را به سوی خود هموار کنیم. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

مَنْ سَأَلَ عِلْمًا (۲)

هر کس پرسش کند، آگاه می شود.

۶۲- تفکر مطلوب

تفکر و تدبیر در آفرینش زمین و زمان، راهی به سوی هدایت و دست یابی به علت آفرینش است. در آموزه های اسلامی، ارزش

ص: ۷۴

۱- . کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۷۲؛ نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲- . غررالحکم، ج ۵، ص ۱۳۹.

اندیشه در جهان آفرینش از عبادت بدون تأمل و تدبیر بیشتر است. انسان همان گونه که می تواند از قدرت های خدادادی خود در جهت نیک و بد استفاده کند، می تواند از اندیشه خود نیز در این دو مسیر بهره بگیرد. انسان همان گونه که می تواند درباره مسائل عالی و ارزنده بیندیشد، می تواند به مسائل پوچ و بی ارزش فکر کند. اگر به مسائل عالی بیندیشد، شخصیتی متناسب با همان افکار می یابد و اگر درباره مسائل پوچ و بی ارزش فکر کند، از مقام انسانی خود کاسته است. زیرا بنا بر روایت شیعه و اهل سنت از علی علیه السلام می فرماید:

الْفِكْرُ مِرْآةٌ صَافِيَةٌ. (۱)

فکر همچون آئینه شفاف است. و حقیقت انسان را می نمایاند.

بنابراین، حقیقت انسان در نوع تفکر او خلاصه می شود. مولوی بلخی می فرماید:

ای برادر! تو همه اندیشه ای

مابقی خود استخوان و ریشه ای

حال که چنین است، چرا از فرصت استفاده نکنیم و نیرویی را که می خواهیم برای فکر کردن صرف کنیم، به مسائل عالی و ارزنده ای که به تکامل مادی و معنوی ما یاری می رساند، اختصاص ندهیم.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

الَّتَفَكُّرُ فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عِبَادَةٌ

ص: ۷۵

تفکر در ملکوت آسمان ها و زمین، عبادت مخلصان است.

۶۳- نیک سیرتی

صفا و پاکی باطن در پرتو خداپرستی به دست می آید. آن گاه که خداوند در خانه دل کسی جا کند، نور و روشنایی، آن را پر می سازد. به یقین، تا زمانی که آدمی خانه را جاروب نکند، از مهمان ارزشمند دعوت نمی کند. انسان هم تا زمانی که قلب خود را از ناپاکی ها پالایش نکند، نباید انتظار وارد شدن خداوند را داشته باشد. تزکیه درون بسیار دشوار است و شکی نیست که این صفای باطنی یک روزه به دست نمی آید، بلکه محصول سال ها کوشش است. در پرتو این تلاش ها، این صفت نفسانی، ملکه وجود آدمی می شود و در جانش ریشه می دواند و به آسانی از بین نمی رود. وقتی آدمی به این مقام رسید و بیگانگان را از باطن خود بیرون راند و تنها تکیه گاه خود را خداوند دانست، از هیچ قدرتی نمی هراسد و تنها از خدا می ترسد و بس. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

مَنْ حَسُنَتْ سِرِّيْرَتُهُ لَمْ يَخَفْ أَحَدًا. (۲)

آن کس که باطنش پاک باشد، از هیچ کس نمی ترسد.

لازمه پاکی باطن، رعایت حسن و پاکی ظاهر نیز هست، نه اینکه به بهانه اینکه دلت پاک باشد، ظاهری ناپاک و دیده ای آلوده

ص: ۷۶

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۴۹.

۲- همان، ج ۵، ص ۲۵۳.

به گناه داشته باشیم. همچنان که در سخنی دیگر که اهل سنت روایت کرده اند، حضرت می فرماید:

مَنْ حَسَنَتْ عَلاَئِقَهُ فَحُنَّ لِسِرِّرَتِهِ أَرْجَى. (۱)

کسی که ظاهرش پاک و نیکو باشد (ما به باطن چنین شخصی امیدوارتریم).

۶۴- ادای حقوق

ادای حقوق الله و حقوق الناس از مال و زندگی خود بسیار لازم و ضروری است. شاید معامله با خداوند و جلب رضایت او در روز حساب آسان باشد، ولی به دست آوردن رضایت مردم بسیار مشکل است. از این رو، باید تمام همت و تلاش خود را برای ادای حقوق آنها انجام داد. اگر دیون مالی داشته باشید، باید بی درنگ آنها را بپردازید و کار امروز را هرگز برای فردا نگذارید. ممکن است در زندگی، برخی از حقوق مردم یا خدا بر گردن شما باشد که هنوز نسبت به پرداخت آنها تصمیمی نگرفته باشید. باید هر چه زودتر آنچه بدهکارید، بپردازید، یا دست کم از طلب کاران رضایت بطلبید، و گرنه در جهان دیگر باید پاسخ گوی کردارتان باشید. اینک آنچه مایه خوش وقتی است، این است که هنوز فرصت باقی است و می توان در پرداخت حقوق دیگران کوشید. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

أَخْرِجْ مِنْ مَالِكَ الْخُقُوقَ. (۲)

حقوق خدا و مردم را از مال خود خارج کن.

ص: ۷۷

۱- . سجع الحمام، ص ۳۹۸.

۲- . غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۲۷.

در سخن زیبایی دیگری که شیعه و اهل سنت از آن حضرت نقل کرده اند، راه برون رفت از این حقوق را بیان می کند و می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ -إِفْتَرَضَ عَلَيْكُمُ الْفَرَائِضَ فَلَا تَضَيُّعُوهَا وَحَدَّ لَكُمْ حُدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا وَنَهَاكُمْ عَنْ أَسْيَاءَ فَلَا تَهْتَكُوهَا. (۱)

خداوند واجباتی بر گردن شما نهاده است. آنها را پای مال نسازید و حدودی برایتان تعیین کرده است. از آن حدود خارج نشوید و از چیزهایی بر حذر داشته است، مرتکب آن نشوید.

۶۵- ناتوانی

انسان باایمان باید مانند کوه در برابر مشکلات و ناملازمات، استوار و پابرجا باشد و هیچ گاه نباید ضعف و سستی به خود راه دهد. با پایداری انسان باایمان، هرگونه سختی، آسان می شود؛ چون بردباری در برابر سختی ها همواره صبح روشن آسانی را به همراه دارد. ناگفته پیداست که همه انسان ها از روح پایداری و توان مقاومت برخوردار نیستند. بعضی در برخورد با مشکلات، روحیه خود را می بازند و احساس ناتوانی می کنند و با دیگران نیز برخوردی آمیخته با ضعف و زبونی دارند. این خودباختگی سبب می شود که فریب کاران بر مال و جانشان طمع کنند. تنها راه نجات این افراد، دست یابی به خودباوری است. آنان باید بدانند که انسان بسیار نیرومند است و هیچ گاه در برخورد با مشکلات نباید احساس ضعف و زبونی کند؛ زیرا چشم طمع ورزان به مال و منال آنان

ص: ۷۸

دوخته خواهد شد. حضرت علی علیه السلام در رهنمودی زیبا می فرماید:

الْعَجْزُ يُطْمَعُ الْأَعْدَاءَ. (۱)

ناتوانی انسان، دشمنانش را به طمع می اندازد.

سرانجام عجز در برابر دشمن ها، خواری است، چنان که آن حضرت بنا به نقل اهل سنت می فرماید:

الْعَجْزُ مَهَانَةٌ. (۲)

ناتوانی سبب خواری است.

۶۶- تکمیل کارها

تلاش و کوشش پراکنده، نتیجه بخش نیست و هیچ یک از کارها به سرانجام نمی رسد. آموزه های قرآنی نیز مردم را از تلاش نامنظم و پراکنده برحذر داشته است. با این حال، دیده می شود کسانی به نیت کمک به افراد یا بنا نهادن مؤسسه ای سرگرم کار می شوند، ولی پس از چند روز، آن کار را رها می کنند و به دنبال کار دیگری می روند. این عمل آنها از نظر خلق و خالق، پسندیده نیست. چون پس از امیدواری، افراد را ناامید می کنند و ضربه های روحی به آنان می زنند. نیز از نظر خداوند این کار پسندیده نیست؛ زیرا خداوند دوست دارد بندگانش جاده خیر و فلاح را تا پایان پیمایند. بنابراین، اگر انگیزه کار نیک، انسانی و اسلامی است، کاری را که آغاز شده، باید به پایان برد و اگر می خواهید آن را

ص: ۷۹

۱- . غررالحکم، ج ۱، ص ۲۷۰.

۲- . سجع الحمام، ص ۲۳۹.

نیمه کاره رها کنید، هرگز نکنید؛ زیرا این کار سبب از بین رفتن سرمایه ها و شکست روحی و روانی افراد می شود. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

إِكْمَالُ الْمَعْرُوفِ أَحْسَنُ مِنْ ابْتِدَائِهِ. (۱)

تمام کردن کار خوب، از آغاز کردن آن بهتر است.

در سخن زیبای دیگری بنا بر نقل اهل سنت، کسی را که دارای روحیه پراکنده کاری است، چنین توصیف می کند:

إِذَا فَعَلْتَ كُلَّ شَيْءٍ فَكَرْتُمْ كَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ شَيْئًا. (۲)

هرگاه هر روز به کاری مشغول شدی، همانند کسی هستی که در حقیقت، هیچ کاری نکرده ای.

در ضرب المثل نیز گفته اند همه کاره هیچ کاره است.

۶۷- بزرگ نمایی

بزرگ نمایی کاری ناپسند است؛ چون سبب می شود آدمی، خود را در موقعیت غیرواقعی قرار دهد و تمام کوشش وی این باشد که مردم، او را به همان وضع ببینند. چنین فردی هیچ وقت خود را آن گونه که هست، نمی بیند و حتی چهره واقعی اش برای خود وی مشتبه می شود. بنابراین، انسان اگر خواستار سعادت است، نباید خود را بیش از آنچه هست، به مردم نشان دهد. بنابراین، انسان عاقل و خردمند تلاش می کند بیش از ظرفیت و توانایی خود، مسئولیتی نپذیرد یا به کاری دست نزند تا به عواقب آن گرفتار آید. امام علی علیه السلام می فرماید:

لَا عَقْلَ لِمَنْ يَتَجَاوَزُ حُدَّهُ وَ قَدْرَهُ. (۳)

ص: ۸۰

۱- غرر الحکم، ج ۲، ص ۷۵.

۲- سجع الحمام، ص ۶۰.

۳- غرر الحکم، ج ۶، ص ۳۸۶.

آن کس که از حد خود تجاوز کند، بی خرد است.

در سخن زیبای دیگری به روایت اهل سنت می فرماید:

من اقتصر علی قدره کان ابقی له. (۱)

کسی که به اندازه توانش بسنده کند برای او بهتر و ماندگارتر است.

۶۸- نعمت شنوایی

یکی از نعمت های خدادادی به انسان، نیروی شنوایی است. کسی که از آن بی بهره باشد، بخش مهمی از زندگی اش دچار اختلال می شود. شکرانه این نعمت، استفاده درست از آن است. شایسته نیست انسان به غیبت و دروغ، گوش فرا دهد؛ چون نه تنها سودی ندارد، بلکه بازار غیبت کنندگان و دروغ گویان را گرم نگه می دارد و روح و روانش را آلوده می سازد. دستورهایی دینی نیز افراد را از گوش دادن به سخنان دیگران برحذر داشته و سرک کشیدن به گفته های این و آن را مانع سعادت شمرده اند. از سوی دیگر، به هر آنچه با شنیدن آن، کمال انسانی تأمین می شود، ترغیب فرموده و از انسان خواسته است به پندهای اخلاقی و کلام آسمانی گوش فرا دهد. چه خوب است که انسان نیروی شنوایی خود را در راه درست به کار گیرد و با خواسته های الهی مخالفت نکند. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

عَوِّذُكَ حُسْنَ الْإِسْتِمَاعِ وَلَا تُضْعِ مَا لَا يَزِيدُ فِي صَلَاحِكَ. (۲)

ص: ۸۱

۱- . سجع الحمام، ص ۳۹۱.

۲- . غرر الحکم، ج ۴، ص ۳۲۹.

گوش خود را به شنیدن مطالب خوب عادت بده و آنچه به مصلحت تو نیست، گوش مکن.

در سخن دیگری که اهل سنت از آن حضرت نقل کرده اند، می فرماید:

يَجِبُ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ بِمَا أَحْيَا عَقْلَهُ مِنَ الْحِكْمَةِ أَكْلَفُ مِنْهُ بِمَا أَحْيَا جِسْمَهُ مِنَ الْغَدَاءِ. (۱)

بر شخص عاقل لازم است نسبت به آنچه از حکمت که عقلش را زنده می کند، تلاش بیشتر بورزد تا نسبت به غذا که جسمش را زنده می گرداند.

۶۹- سخن اندیشمندانه

سخن مانند تیری است که از کمان رها می شود و همان گونه که تیرانداز، پاسخ گوی تیری است که رها کرده، گوینده سخن نیز باید پاسخ گوی بازتاب کلام خود باشد. از این رو، پیش از گفتن هر سخنی باید درباره آن اندیشید. بسیاری از اوقات، انسان سخنی نسنجیده می گوید که پی آمدهای منفی دارد. به همین دلیل، گفته اند: «زبان سرخ، سر سبز می دهد بر باد.» اگر انسان آنچه را می خواهد بگوید، در ذهن خود بررسی کند و همه جنبه های مثبت و منفی آن را با دقت بسنجد، کمتر خطا خواهد کرد. خداوند در کنار بخشیدن نیروی بیان به انسان، قوه اندیشه نیز به او عنایت فرموده است و از آدمی می خواهد قدرت نطق و بیان خود را به وسیله نیروی اندیشه تقویت کند تا دچار آسیب های احتمالی نشود. با وجود برخورداری از قدرت تفکر، اگر آدمی از آن کمک نگیرد و

ص: ۸۲

هر سخنی را بر زبان براند و به پی آمدهای بد آن دچار شود، جز خود کسی را نباید سرزنش کند. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید:

التَّروَى فِي الْقَوْلِ يُؤْمِنُ الزَّلَّلَ. (۱)

اندیشیدن پیش از سخن گفتن، انسان را از لغزش باز می دارد.

در همین معنا شیعه و اهل سنت از آن حضرت نقل کرده اند که فرمود:

لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَ قَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ. (۲)

زبان خردمند در پس قلب او و قلب احمق در پس زبان اوست.

یعنی شخص خردمند ابتدا می اندیشد، آن گاه سخن می گوید. نادان ابتدا سخن خود را می گوید و آن گاه می اندیشد که چه گفته است.

ص: ۸۳

۱- . غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۴۶.

۲- . مطلوب کل طالب، صص ۴۷ و ۴۸.

۱- مشورت نکردن با ناآگاهان

یکی از بهترین راه های کام یابی در زندگی، مشورت با افراد صالح است. اگر انسان با افراد شایسته مشورت نکند، نه تنها سودی نخواهد داشت، بلکه ممکن است بسیار زیان بخش باشد. همان گونه که علی علیه السلام بنا بر نقل اهل سنت می فرماید:

لا صَوَابَ مَعَ تَزَكِ الْمَشُورَةِ. (۱)

بدون مشورت کار صحیح و درست پدیدار نمی شود.

طرف مورد مشورت باید چند ویژگی داشته باشد و آنچه بیش از همه اهمیت دارد، آگاهی، حسن نیت و امانت داری است. بسیاری هستند که اهل عبادت و تقوایند، ولی بصیرت و آگاهی های لازم را ندارند. بعضی هم آگاهی دارند، ولی امانت دار نیستند. بنابراین، با هر کسی نمی توان مشورت کرد. چه بسا با مشورت نادرست، انسان به راه ناصوابی برود. بنابراین، دقت در گزینش مشاوران ناصح و کار آشنا، گریزناپذیر است. حضرت علی علیه السلام درباره نکته سنجی در گزینش مشاور می فرماید:

مَنْ ضَلَّ مُشِيرُهُ بَطَلَ تَدْبِيرُهُ. (۲)

ص: ۸۴

۱- همان، ص ۱۲، کلمه ۲۳.

۲- غررالحکم، ج ۵، ص ۱۸۷.

هر کس مشاورش گمراه باشد، تدبیر و چاره اش پوچ و تباه می شود.

۲- مشورت در کارها

یکی از آموزه های قرآنی و سیره عملی معصومین علیهم السلام، مشاوره با اهل عقل و تدبیر است. با این کار، آدمی از عقل و تجربه دیگران بهره می گیرد و امکان خطا در تصمیم گیری وی کاهش می یابد. انسان به هر درجه ای از کمال و معرفت برسد، از مشورت کردن با دیگران بی نیاز نیست؛ زیرا انسان همواره در معرض اشتباه است و تنها با مشورت کردن با افراد شایسته از خطا ایمن خواهد ماند. مشورت با دیگران، آفاق فکر را افزایش می دهد و از درصد اشتباه ها می کاهد. مشورت در اسلام به قدری اهمیت دارد که خداوند حتی به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز دستور مشورت می دهد. (۱)

همچنین از مؤمنان می خواهد که در کارهای خود با یکدیگر مشورت کنند. (۲)

بنابراین، مشورت کردن از مهم ترین کارهایی است که انسان برای پیش گیری از اشتباه، ناگزیر به انجام دادن آن است. امام علی علیه السلام می فرماید:

مَنْ قَبِعَ بِرَأْيِهِ فَقَدْ هَلَكَ. (۳)

کسی که به رأی خود خرسند شود، هلاک خواهد شد.

ص: ۸۵

۱- آل عمران: ۱۵۹.

۲- شورا: ۳۸.

۳- غررالحکم، ج ۵، ص ۱۵۸.

همین سخن با اندکی تفاوت از طریق اهل سنت چنین آمده است:

مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ فَقَدْ هَلَكَ. (۱)

کسی که بر رأی خود، پافشاری کند، هلاک خواهد شد.

۳- پرهیز از فخر فروشی

دنیا با همه فراز و فرودها، داشته ها و نداشته ها، توانایی ها و ناتوانی ها، برخوردار و ناداری، زیاست و پلی برای سازندگی است. انسان ها با هم یکسان نیستند و شکی نیست که از نظر هوش و زیبایی با هم متفاوت هستند. این تفاوت ها غالباً طبیعی و خارج از اراده آنهاست. پس هرگز روا نیست که انسان به کمال یا جمال خود بیالد و در برابر دیگران فخر بفروشد؛ زیرا معلوم نیست که این امتیازها دایمی باشد و چه بسا ممکن است بر اثر حادثه ای ناگهانی، همه داشته هایش را از دست بدهد. بنابراین، آیا بهتر نیست که به شکرانه برخوردار و کمال و جمال، فروتنی انسان بیشتر شود؟ اصولاً زیبایی باطنی و بهره مندی از تقوای الهی بسیار باارزش تر و پایدارتر از امتیازهای مادی است. چه بسیار افرادی که به ظاهر، متعالی جلوه نمی کنند، ولی دنیایی از علم و تقوا را در وجود خویش پنهان کرده اند. پس تنها از روی ظاهر افراد نمی توان درباره آنها داوری کرد. چه بسا که مقام معنوی والایی نزد خداوند داشته باشند. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

ص: ۸۶

شَرُّ النَّاسِ مَنْ يَرَى أَنَّهُ خَيْرُهُمْ. (۱)

بدترین مردم کسی است که خود را بهتر از دیگران ببیند.

آن حضرت در سخنی دیگر که اهل سنت نقل کرده اند، می فرماید:

مَنْ رَأَى أَنَّهُ مُسِيءٌ فَهُوَ مُحْسِنٌ وَمَنْ رَأَى أَنَّهُ مُحْسِنٌ فَهُوَ مُسِيءٌ. (۲)

کسی که خود را گناه کار ببیند، چنین کسی در واقع نیکوکار است، ولی آن کسی که خود را نیکوکار می پندارد، به واقع بدکار است.

۴- خودستایی

فخرفروشی و خودستایی، دلیل ضعف روحی انسان است. کسی که روح نیرومند و خودساخته ای دارد، نیازی نمی بیند که خود را نزد دیگران بستاید. آن کس که از خود تعریف می کند، معمولاً نتیجه معکوس می گیرد؛ زیرا مردم می دانند که او بیهوده لاف می زند. اگر انسان خوب باشد، به تعریف و تمجید از خود نیازی ندارد. از قدیم گفته اند: «عطر آن است که خود بیوید، نه آنکه عطار بگوید.» بنابراین، اگر انسان خوبی باشیم، باید دیگران از گفتار و کردارمان، به خوب بودن مان پی ببرند، نه از تعریفی که از خود می کنیم. امام علی علیه السلام می فرماید:

كَفَى بِالْمَرْءِ مَنَقَصَهُ أَنْ يُعَظَّمَ نَفْسَهُ. (۳)

در نابخردی و کوتاه فکری شخص همین بس که خود را

ص: ۸۷

۱- . غررالحکم، ج ۴، ص ۱۶۸.

۲- . سجع الحمام، ص ۳۹۹.

۳- . غررالحکم، ج ۴، ص ۵۷۸.

مردم در اصطلاح به چنین کسانی، افراد از خود راضی می گویند که یکی از آثار چنین تفکری آن است که به جای آنکه در نظر مردم با عظمت جلوه کنند، مردم با دید حقارت به آنان می نگرند و از چشم مردم می افتند، همچنان که علی علیه السلام به نقل اهل سنت می فرماید:

مَنْ رَضِيَ عَنْ نَفْسِهِ كَثُرَ السَّخِطُ عَلَيْهِ. (۱)

کسی که از خود راضی باشد، خشم گیرندگان بر او زیاد خواهند بود.

۵- خودبزرگ بینی

انسان یکتاپرست که خدای سبحان را سرچشمه کمال می داند و باور دارد هر نعمتی از جانب اوست، در برابر خداوند و انسان های دیگر فروتن است و هیچ گاه خود را از دیگران برتر نمی بیند. او نیک می داند که خودبزرگ بینی یکی از صفات زشت است. دارنده این صفت همیشه خود را برتر و بهتر از دیگران می پندارد. این صفت از کمبودی که شخص در خود احساس می کند، برمی خیزد که ممکن است روحی، جسمی، اقتصادی یا اجتماعی باشد. باید دانست بر خلاف تصور متکبران، آنها که باد غرور و نخوت در سر دارند، در اذهان مردم، پست و حقیرند. به راستی، آدمی در برابر چه داشته ماندگاری بر خود می بالد؛ جسم چند روزه و استخوان هایی که کهنه و پوسیده می شوند. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

ص: ۸۸

أَوْلَهُ نُطْفَهُ وَ اجْرُهُ جِيْفَهُ وَ هُوَ قَائِمٌ بَيْنَهَا وَعَاءٌ لِلْغَائِطِ ثُمَّ يَتَكَبَّرُ. (۱)

[جای شگفتی است که] آدمی زاد آغازش، نطفه و پایانش، مردار و خود، ظرف تفاله است، ولی با این حال، خودبزرگ بین است.

این سخن با اندکی تفاوت از طریق اهل سنت چنین آمده است:

عَجِبْتُ لِلْمُتَكَبِّرِ الَّذِي كَانَ بِالْأَمْسِ نُطْفَهُ وَ يَكُونُ غَدًا أَلْجِيْفَهُ. (۲)

در شگفتم از متکبر که در گذشته، نطفه بود و فردایش (پس از مرگ) مردار بدبود می شود (چگونه تکبر می کند).

۶- حفظ دوستان

دوستان خوب، یاور انسان در سختی ها و مشکلات و آرامش دهنده آنان در غم ها و دشواری ها هستند. در حقیقت، دوستان صالح، نعمت های ارزشمندی هستند که نباید آنها را به آسانی از دست داد؛ زیرا جایشان را به آسانی نمی توان پر کرد. ارزش یک دوست خوب بیش از آن است که برای مسائل جزئی از او جدا شویم و رشته مودت را پاره کنیم. بکوشیم یاران صدیق و وفادار را حفظ کنیم و آنها را برای روزهای تلخ و شیرین در کنارمان نگه داریم. دوستان وفادار، آدمی را به هنگام غم و شادی تنها نمی گذارند و با شادی آنان، خوش حال و با ناراحتی شان، غمگین می شوند؛ چون آنها را جزئی از وجود خود می شمارند.

ص: ۸۹

۱- . سفینه البحار، ماده کبر.

۲- . سجع الحمام، ص ۲۳۸.

از این رو، حضرت علی علیه السلامی فرماید:

مِنَ النَّعْمِ الصَّدِيقُ الصَّدُوقُ. (۱)

از جمله نعمت ها، دوست باوفا است.

کدام دوست را می توان دوست حقیقی دانست. حضرت در سخنی دیگر که اهل سنت نقل کرده اند آنان را چنین معرفی می کند:

لَا يُكُونُ الصَّدِيقُ صَدِيقًا حَتَّى يَحْفَظَ أَخَاهُ فِي ثَلَاثٍ فِي نِكَيْتِهِ وَ غَيْبَتِهِ وَ وَفَاتِهِ. (۲)

دوست واقعی نیست مگر آنکه برادری خود را در سه حال حفظ کند: در سختی ها، در غیبت دوست و پس از درگذشت دوست.

۷- افراط در دوستی

اسلام برای دوستی و هم نشینی، ارزش فوق العاده ای قائل است. از این رو، شاخص هایی برای انتخاب دوست، معرفی و به دقت در گزینش دوست، سفارش فراوانی کرده است. از آنجا که بشر ذاتا اجتماعی آفریده شده، ناگزیر است در زندگی، دوستانی برای خود انتخاب کند. هم نشینی با دوستان، اگر دوستان خوبی باشند، برای انسان بسیار سودمند است. در این میان، چون دوست صمیمی و دل سوز کم است، انسان باید تا آنجا که می تواند، از معاشرت های بی رویه بکاهد؛ چون اگر این نشست و برخاست ها بی حساب و کتاب باشد، زیان های جبران ناپذیر روحی و جسمی برای او به بار می آورد. از سوی دیگر، کسانی که در زندگی دوستان بسیاری دارند، کمتر به امور و تکالیف خود می رسند؛

ص: ۹۰

۱- غررالحکم، ج ۶، ص ۹.

۲- سجع الحمام، ص ۳۳۲.

چون وقتشان صرف معاشرت و گفت و گوهای بسیار و بی مورد می شود و فرصت نمی کنند به کارهای اساسی خویش برسند. این افراد برنامه ریزی درستی برای زندگی خود ندارند. در نتیجه، ناگهان متوجه می شوند که بخش مهمی از عمرشان، بدون آنکه بهره ای گرفته باشند، گذشته است. البته منظور از این سخن آن نیست که معاشرت به کلی ترک شود، بلکه هدف، محدود کردن دوستی ها و رعایت حد و مرزهاست. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

قَلَّةُ الْخَلَطَةِ تَصُونُ الدِّينَ وَ تُرِيحُ مِنْ مُقَارَنَةِ الْأَشْرَارِ (۱)

کمی هم نشینی با دیگران، دین را حفظ می کند و شخص را از نزدیکی به بدان آسوده می سازد.

در سخنی دیگر، ضابطه ای کلی برای انتخاب هم نشینی بیان کرده است تا از آسیب های هم نشینی کاسته شود. بنا بر نقل اهل سنت از آن حضرت:

مَنْ خَالَطَ الْعُلَمَاءَ وَقُرَّ وَ مَنْ خَالَطَ الْأَنْزَالَ حُقِرَ (۲)

کسی که با عالمان هم نشین گردد، بزرگ داشته شود و کسی که با افراد پست هم نشین گردد، حقیر می شود.

۸- پرهیز از مجالس لهو و لعب

خدا باورانی که در پی سعادت و کمال هستند، هیچ گاه سرگرم لهو و لعب نمی شوند. آنان نیک می دانند که شرکت در مجالس لهو و لعب و نشست و برخاست با از خدا بی خبران و غفلت زدگان و گناه کاران، نادرست است. انسان در این جهان فانی، فرصت محدودی برای فراهم کردن توشه آخرت

ص: ۹۱

۱- . غررالحکم، ج ۴، ص ۵۰۶.

۲- . سجع الحمام، ص ۳۹۹.

دارد و شایسته نیست این فرصت را بیهوده هدر دهد. شرکت در چنین مجالسی، غفلت و بی خبری به همراه دارد و سرمایه عمر آدمی را تباه می سازد. زمانی می رسد که انسان چشم باز کند و ببیند فرصت چندانی ندارد و بار گناهان بر دوشش سنگینی می کند و نشاط و شور جوانی را هم برای جبران گذشته ندارد. بنابراین، برای حفظ ایمان، باید از شرکت در مجالس غفلت خودداری کرد. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

مَجَالِسُ اللَّهِ تُلْهُوُ تَفْسِدُ الْإِيمَانَ. (۱)

مجالس لهو و لعب، ایمان را تباه می کند.

آن حضرت در کلامی دیگر به نقل اهل سنت، یکی از مصداق های مجالس لهو را چنین بیان می فرماید:

إِذَا كُنْتَ فِي مَجْلِسٍ وَلَمْ تَكُنْ الْمُحَدَّثُ وَلَا الْمُحَدِّثُ فَقُمْ. (۲)

هرگاه در مجلسی بودی که در آنجا نه گوینده هستی و نه شنونده، پس از آن مجلس برخیز (و بیهوده منشین).

۹- دوستان باوفا

پیوند برادران دینی ناگسستنی است. آنان که در مکتب قرآن و عترت تربیت شده اند، هیچ گاه یاران خود را تنها نمی گذارند. دوستان خوب در خوشی ها و ناخوشی در کنار یکدیگرند و به آسانی از یکدیگر جدا نمی شوند. دوستان وفادار را در تنگناها و مشکلات بهتر می توان شناخت. متأسفانه بعضی

ص: ۹۲

۱- غرر الحکم، ج ۶، ص ۱۳۴.

۲- سجع الحمام، ص ۶۵.

از مردم، تنها در مواقع معمولی و عادی به یکدیگر علاقه مندند. اگر بخواهیم بفهمیم که این علاقه از روی صفا و پاکی است یا چیز دیگر، باید آزمایش کرد. حقیقت این است که هنگامی می توان روی دوستی انسان ها تکیه کرد که در مقام عمل و در سختی ها، از خود پایداری نشان دهند. بسیاری در دوستان ایام خوشی که صادقانه نسبت به هم اظهار محبت می کنند. سخن اینجاست که آیا به هنگام مشکلات هم آنها را در کنار خود می توان یافت؟ حضرت علی علیه السلام می فرماید:

مَوَدَّةُ أَوْلَادِ الدُّنْيَا تَزُولُ لِأَذْنَى عَارِضٍ يَعْزُضُ. (۱)

دوستی دنیاطلبان به کمترین چیزی از بین می رود.

در سخنی دیگر که اهل سنت نقل کرده اند، پرده از این حقیقت برمی دارد و این سخن را چنین توضیح می دهد که:

قُلُوبُ الْجُهَالِ تَسْتَفِرُّهَا الْأَطْمَاعُ وَ تُزْنَهُنَّ بِالْأَمَانِيِّ وَ تَتَعَلَّقُ بِالْحَدَائِعِ. (۲)

قلوب نادانان با طمع همراه است و در گرو آرزوهاست و با فریب کاری پیوند خورده است.

از این رو، دوستی آنان با این موارد درآمخته. به همین جهت با کمترین بهانه ای دوستی ها تبدیل به دشمن می شود.

۱۰- هم نشینی با بدان

همان طور که انسان بر اثر نزدیکی با گل و گلاب بوی خوش می گیرد، خلق و خوی او نیز بر اثر هم نشینی با دوستان اثر خوب یا بد می پذیرد. از این رو، در اسلام به انتخاب دوست و هم نشین خوب بسیار سفارش شده است. برخی از مردم با بدان معاشرت می کنند و چون چهره واقعی آنان را خوب نمی شناسند، ادعا می کنند که این معاشرت ها از آن روست که آنها را نسبت به وظایف دینی و اخلاقی شان آشنا سازند. آنان معمولاً در این کار نه تنها موفقیتی به دست نمی آورند، بلکه خود نیز به همان فساد اخلاقی دچار می شوند. از این رو، کسانی که به پایداری ایمان خود اعتماد ندارند، نباید به بهانه هدایت افراد فاسد الاخلاق با آنها طرح دوستی بریزند؛ زیرا ممکن است دزدان دین و ایمان، گوهر شرف از کفشان برابند. امام علی علیه السلام نسبت به هم نشینی با این افراد چنین

ص: ۹۳

۱- غررالحکم، ج ۶، ص ۱۳۶.

۲- سجع الحمام، ص ۲۶۶.

هشدار می دهد:

جَلِيسُ الشَّرِّ نَقْمَةٌ. (۱)

هم نشین بد، مایه عذاب است.

در سخن زیبای دیگری که اهل سنت از آن حضرت نقل کرده اند، می فرماید:

لَا تَصْحَبِ الشَّرِيْرَ فَإِنَّ طَبْعَكَ يَشْرِقُ مِنْ طَبْعِهِ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ. (۲)

با افراد بد هم نشین مشو؛ زیرا طبیعت تو از طبیعت او می دزدد بدون آنکه خود آگاه شوی.

۱۱- دوستی های دروغین

آدمی در زندگی به دوست نیاز دارد و دل بی دوست، دلی غمگین و تنهاست. در این میان، نکته مهم، دوست یابی است. در این زمینه باید پس از آزمودن دوست، به او اعتماد و تکیه کرد. بنابراین، شایسته نیست به محض برخورد با کسی با او طرح رفاقت درافکنیم و رازهای درونی خود را پیش او بازگوییم. باید توجه داشته باشیم که بسیاری از اشخاص وقتی به انسان می رسند، چنان اظهار دوستی می کنند که انسان می پندارد این ادعا از اعماق وجودشان سرچشمه می گیرد، در صورتی که بسیاری از این دوستی ها و اظهار ارادت ها، عمر بسیار کوتاهی دارد. اظهار دوستی ها به موقعیت علمی، اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی افراد بستگی دارد و باید با هر یک از این افراد، متناسب با شخصیت و جایگاهشان عمل کنیم. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

مَوَدَّةُ الْعَوَامِ تَقْطَعُ كَأَنْقِطَاعِ السَّحَابِ. (۳)

دوستی عوامانه، زودگذر است، همچنان که ابرها به سرعت می گذرند.

ص: ۹۴

۱- غررالحکم، ج ۳، ص ۳۵۶.

۲- سجع الحمام، ص ۳۰۳.

۳- غررالحکم، ج ۶، ص ۱۴۹.

دوستان واقعی را تنها با آزمودن در شرایط سخت و مشکل می توان شناخت. دوستان صدیقی که در غم و شادی کنار انسان می مانند و از مال و آبروی خود برای دوستان مایه می گذارند. بنابراین، باید به خاطر اهمیت دوست یابی و هم نشینی با آنان که بر دین و دنیای یکدیگر اثر می گذارند، در گزینش آنان دقت کافی به خرج داد. با این حال، بسیاری از مردم، برای انتخاب دوست تلاش چندانی نمی کنند و چه بسا دوستان خود را به صورت تصادفی، در کوچه و بازار و مدرسه پیدا می کنند. اینان پس از چندبار گفت و گو و رفت و آمد، چنان با هم گرم و صمیمی می شوند که گویی سال هاست یکدیگر را می شناسند. آیا به این دوستی ها می توان اعتماد کرد؟ باید دانست ضربه هایی که دوستان امتحان نشده بر انسان وارد می آورند، گاهی بدترین زیان های مادی و معنوی را در پی می آورد. شایسته است دوستان خود را پس از آزمایش برگزینیم. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

مَنْ اَطْمَنَّ قَبْلَ الْاِخْتِبَارِ نَدِمَ. (۱)

هر کس پیش از آزمایش اطمینان کند، پشیمان می شود.

آن حضرت، یکی از راه های آزمایش دوست را در سخنی دیگر که اهل سنت نقل کرده اند، چنین بیان می کند:

اِذَا وَلِيَ صَدِيقُكَ وِلَايَةً فَاصْبَتْهُ عَلَي الْعُشْرِ مِنْ صَدَقَتِهِ

ص: ۹۵

هرگاه دیدی که دوستت به مقامی رسید و یک دهم دوستی خود را باز حفظ کرده است، بدان که دوست بدی نیست.

۱۳- نیکوکاری

نیکوکاران افزون بر اینکه نزد مردم احترام خاصی دارند، در پیشگاه خدا نیز از جایگاه خوبی برخوردارند. البته به شرط آنکه به دنبال خودنمایی و ریاکاری نباشند و گرنه ارزش معنوی خود را از دست خواهند داد. گرچه باید کوشش شود که کار نیک به صورت ناشناخته و پنهان انجام گیرد تا از ارزش بیشتری بهره مند باشد، ولی گاهی برای تشویق دیگران، بهتر است برخی از کارهای خوب را آشکارا انجام دهیم؛ که این، خود، کار نیکوی دیگری است. کسانی که بی منت به دیگران خدمت می کنند و کار نیک خود را به رخ نمی کشند و آن را ذخیره جهان دیگر می سازند، شایسته قدردانی هستند. این خوبان برای حفظ حرمت مؤمنان، آبروی آنان را محفوظ می دارند و کار خوب خود را پیش دیگران آشکار نمی سازند؛ چون نیک می دانند که با چنین کاری، مؤمنان عزتمند دعای خیر خود را بدرقه راهشان می سازند. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

إِذَا صَنَعْتَ مَعْرُوفًا فَاسْتُرْهُ. (۲)

چون کار نیکی انجام دادی، آن را پنهان کن.

در سخن دیگری بنا بر نقل اهل سنت فرمود:

ص: ۹۶

۱- . سجع الحمام، ص ۲۹۵.

۲- . غررالحکم، ج ۳، ص ۱۱۵.

خیر بودن کار نیک در پنهان بودن آن است.

۱۴- خدمت بلاعوض

انگیزه نیکوکاران متفاوت است؛ گروهی خدمت می کنند تا طرف مقابل نیز در همان حد یا بیشتر، به آنها خدمتی بکند. گروهی نیز چون روح بزرگی دارند، برای رضایت الهی کارهای خیرخواهانه می کنند. راه درست این است که سپاس گزاری کردن یا نکردن دیگران بر انگیزه نیکوکار در نیکوکاری اثر نگذارد؛ چون نیکوکار در گام برداشتن برای رضای خدا از هیچ رفتاری دل سرد نمی شود. کدام بنده مؤمنی تشکر و قدردانی خداوند را با سپاس گزاری مخلوق معاوضه می کند. مگر نه اینکه او با انگیزه ای الهی برای انجام این کار گام برداشته و از ابتدا به دنبال کسب رضایت مانای الهی بوده است. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید:

لَا يُزْهِدَنَّكَ فِي اضْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ قَلْبُهُ مَنْ يَشْكُرُ (۲)

مبادا کم بودن سپاس گزاران، تو را نسبت به انجام دادن کار نیک بی رغبت کند.

نزدیک به همین کلام را از آن حضرت اهل سنت چنین نقل کرده اند:

لَا يُزْهِدَنَّكَ فِي الْمَعْرُوفِ كُفْرُ مَنْ كَفَرَهُ فَقَدْ يَشْكُرُكَ عَلَيْهِ مَنْ لَا يَسْتَمْتَعُ مِنْهُ (۳)

ص: ۹۷

۱- . سجع الحمام، ص ۲۸۸.

۲- . غرر الحکم، ج ۶، ص ۳۲۴.

۳- . سجع الحمام، ص ۳۲۷.

مبادا ناسپاسی ناسپاسان، تو را نسبت به کار نیک بی رغبت کند؛ زیرا بر آن کار نیک کسی از تو سپاس گزاری می کند که هیچ بهره ای از کار نیک تو، به او نرسیده است.

۱۵- پیش قدمی در کمک به نیازمندان

برخی از مردم با اینکه می دانند شخص نیازمندی در محیط زندگی شان وجود دارد، ولی هیچ گاه برای برآوردن نیازهای وی قدمی بر نمی دارند، بلکه صبر می کنند تا او درخواست کند. تقاضا کردن و حاجت خواستن با خجالت و شرمندگی همراه است و به همین دلیل، برخی ترجیح می دهند از تقاضای خود بگذرند تا خجالت زده نشوند. در مقابل، کسانی نیز همین که احساس کنند کسی نیازی دارد، بدون آنکه دیگران متوجه شوند، با انگیزه های انسانی، نیازش را برطرف می سازند. لذتی که اینان از این کار می برند، بسیار بیشتر از زمانی است که در حضور دیگران به مستمندی کمک می کنند. این کمک رسانان، خدمت پنهانی را بدون منت گذاری انجام می دهند و با برخورد برادرانه خود، عزت و سربلندی نیازمند را حفظ می کنند و حاضر نمی شوند که او سختی سؤال و درخواست را بر خود هموار کند. حضرت علی علیه السلام بنا بر نقل شیعه و اهل سنت می فرماید:

أَفْضَلُ النَّوَالِ مَا وَصَلَ قَبْلَ السُّؤَالِ. (۱)

بهترین بخشش آن است که پیش از درخواست انجام شود.

ص: ۹۸

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۴۱۱؛ سجع الحمام، ص ۱۸۳.

۱۶- فراموش کردن نیکی های خود

نیک مردان جهان هیچ گاه خدمات خود را به رخ دیگران نمی کشند و پاداش آن را تنها از خداوند می خواهند. بنابراین، اگر به کسی نیکی می کنید، جوان مردی ایجاب می کند که کار نیک خود را فراموش کنید، نه اینکه همواره این کار را به خاطر بیاورید، یا خدای ناکرده به این و آن بگویید. این کار افزون بر اینکه از پاداش معنوی نیکوکار می کاهد، چه بسا ممکن است موجب آزار آن شخص نیز شود؛ زیرا برخی نمی خواهند دیگران از کمکی که به آنها شده است، آگاه شوند. بنابراین، بکوشید کار نیک خود را فراموش کنید تا پاداش معنوی تان حفظ شود و آبروی کسی نیز که به او نیکی کرده اید، محفوظ بماند. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

إِذَا صَنَعْتَ مَعْرُوفًا فَانْسِهْ. (۱)

چون کار نیکی کردی، آن را فراموش کن.

در سخنی دیگر به روایت اهل سنت می فرماید:

أَحْيِ الْمَعْرُوفَ بِإِمَاتَتِهِ. (۲)

کار خوب را با فراموش کردن آن زنده کن.

۱۷- نیکی با دست خویش

همه می دانیم که مرگ، حق است و هیچ انسانی در این جهان مادی برای همیشه ماندگار نیست. مرگ ناگهان به سراغ انسان می آید و کاخ آمال و آرزوهایش را فرو

ص: ۹۹

۱- . غررالحکم، ج ۳، ص ۱۱۵.

۲- . سجع الحمام، ص ۴۷.

می ریزد. تلاش کنیم بسیاری از کارهایی که می خواهیم به عهده دیگران بگذاریم، تا زنده ایم و فرصت داریم، خودمان به انجام برسانیم. در آموزه های اسلامی، ارزش آنچه انسان با دست خود می بخشد، بسیار بیشتر از چیزی است که دیگران به جای او انجام می دهند. از آن گذشته چه بسا ممکن است وصی موفق به انجام سفارش ها نشود یا در انجام آنها کوتاهی کند. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

كُنْ وَصِيَّ نَفْسِكَ وَافْعَلْ فِي مَالِكَ مَا تُحِبُّ أَنْ يَفْعَلَهُ فِيهِ غَيْرُكَ. (۱)

وصی خودت باش و آنچه را دوست داری دیگری در مالت انجام دهد، خودت انجام بده.

نزدیک به همین کلام از اهل سنت نیز نقل شده است. (۲)

۱۸- اطعام کامل

برپا کردن سفره مهمان نوازی، از سیره کریمان است؛ آنانی که از بهره گیری نعمت ها در کنار هم نوعان خود لذت می برند و نیک می دانند که اطعام کردن به دیگران از سنت های خوب انسانی و اسلامی است. باید دانست که این عمل سبب ایجاد محبت میان اطعام کننده و میهمانان می شود. البته در انجام این عمل خیر میان فقیر و پول دار نباید تفاوت گذاشت. همچنین محل غذاخوری را باید به گونه ای ترتیب داد که مجلس

ص: ۱۰۰

۱- غررالحکم، ج ۴، ص ۶۰۸.

۲- سجع الحمام، ص ۴۵۵.

بالا- و پایین نداشته باشد و به همگان به طور مساوی احترام گذاشته شود. از هرگونه اسراف و به هدر دادن غذا نیز باید خودداری کرد. غذا نیز چنان کم نباشد تا همه بتوانند از آن استفاده کنند.

حضرت علی علیه السلامی فرماید:

إِذَا أَطْعَمْتَ فَاشْبِعْ.

اگر اطعام می کنی، (میهمانان) را سیر کن.

سیره عملی خود آن حضرت نیز چنین بود و بنا بر نقل اهل سنت، آن حضرت در اعیاد می فرمود: «حیوانی برای قربانی بخريد که از دو سال به بالا داشته و سالم و چاق باشد تا خود و دیگران از حیوان فربه خورده باشید».(۱)

۱۹- دست گیری از نیازمندان واقعی

دست گیری از مستمندان واقعی، افزون بر رضایت الهی، در حل مشکلات این افراد آبرومند بسیار کارساز است. در جامعه ما کسانی هستند که در اوضاع سخت اقتصادی به سر می برند، ولی نیازشان را اظهار نمی کنند. از این رو، به حکم عقل و وجدان و شرع باید به کمک آنها شتافت. بعضی ها به این مسئله توجهی ندارند و چه بسا کمک های خود را به کسانی می رسانند که یا اصلاً نیازمند نیستند یا اگر هم نیازی داشته باشند، نیازشان چندان شدید و فوری نیست. بکوشیم کمک هایمان را با بررسی و پی گیری لازم به کسانی برسانیم که استحقاق بیشتری دارند. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

ص: ۱۰۱

خَيْرُ الْبِرِّ مَا وَصَلَ إِلَى الْمُحْتَاجِ (۱).

بهترین نیکوکاری آن است که در حق نیازمندان انجام شود.

در سخنی دیگر از تأخیر در کمک به نیازمندان برحذر داشته است و می فرماید:

لَا تُؤَخِّرْ إِنَّا لَهُ الْمُحْتَاجِ إِلَى غَدٍ فَإِنَّكَ لَا تَعْرِفُ مَا يَعْرِضُ فِي غَدٍ (۲).

کمک رسانی به نیازمند را برای فردا به تأخیر نینداز؛ زیرا نمی دانی تا فردا چه پیش خواهد آمد.

۲۰- گره گشایی

یکی از نشانه های محبوب خلق و خالق بودن، گره گشا بودن در کار بندگان خداست. یکی از نعمت های بزرگ الهی، مراجعه اشخاص برای رفع گرفتاری ها به انسان است. مهم این است که انسان نباید این مسئله را نوعی گرفتاری و دردسر حساب کند، بلکه باید شکرگزار باشد که خدا چنین توفیقی را نصیب او کرده و خواسته است گرفتاری بنده ای به دست او حل شود. بی شک، این توفیق نصیب هر کسی نمی شود. پس مبادا که از مراجعه مردم ناراحت شویم و با آنها برخورد نامناسب کنیم. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَأَعْتِنُمُوهَا وَلا تَمَلُّوهَا فَتَتَحَوَّلَ نِقْمَةٌ (۳).

روی آوردن مردم به شما برای رفع نیاز، نعمتی

ص: ۱۰۲

۱- غررالحکم، ص ۴۲۵.

۲- سجع الحمام، ج ۲، ص ۵۷۳.

۳- غررالحکم، ج ۲، ص ۵۷۳.

است از خدا. پس آن را غنیمت بشمارید و از آن ملول نشوید تا این نعمت به عذاب بدل نشود.

در سخنی دیگر که شیعه و اهل سنت از آن حضرت نقل کرده اند، خطاب به فرزندش می فرماید:

إِذَا وَجَدْتَ مِنْ أَهْلِ الْحَاجَةِ مَنْ يَحْمِلُ زَادَكَ وَيُؤَافِقُكَ بِهِ حَيْثُ تَحْتَاجُ إِلَيْهِ فَأَعْتَمِهِ. (۱)

هرگاه از نیازمندان کسی را یافتی که توشه آخرت را برایت حمل کرده است و روزی (قیامت) که محتاج به آن می شوی، به تو بازگرداند، آن را غنیمت بشمار (و به نیازمند کمک کن).

۲۱- نیکی به بدکاران

احسان و گذشت در حق دیگران، بهترین وسیله تربیت و هدایت است. در پرتو نیکی، دریچه هایی از مهر و عطف به سوی دیگران گشوده می شود و انسان می تواند بر قلب ها حکومت کند. فطرت انسان ها، بر پایه محبت و مهرورزی است، ولی برخی از مردم تصور می کنند که تنها باید به انسان های خوب احسان کنند. نباید فراموش کنیم که بدکاران نیز انسانند و در بسیاری از اوقات، بیش از دیگران به احسان نیاز دارند. اگر کمک به آنها حساب شده و منطقی باشد، در اصلاح و هدایتشان بسیار مؤثر است. چه بسیار بدکارانی که در پی احسانی که در حقشان شده است، از بی راهه بازگشته و در صف پرهیزکاران قرار گرفته اند. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيءِ أَحْسَنُ الْفَضْلِ. (۲)

ص: ۱۰۳

۱- . کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۷۲.

۲- . غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۵۴.

نیکی به بدکاران بهترین فضیلت است.

و در سخنی دیگر بنا بر نقل اهل سنت می فرماید:

الْإِحْسَانُ يَقْطَعُ اللِّسَانَ. (۱)

نیکی زبان بدی ها را می برد.

۲۲- شتاب در نیکوکاری

شتاب در انجام دادن کار نیکو، بسیار پسندیده است؛ چه اینکه ممکن است انسان از چند جهت توفیق آن را از دست بدهد. اول اینکه عمر و زمان به کمک او نیاید. دیگر اینکه مانعی در راه انجام آن پیش آید و سوم آنکه شیطان در کمین اوست و با انواع وسوسه ها، این توفیق را از او بگیرد و وی را دچار غفلت و بی خبری کند. بنابراین، در نیکوکاری، لحظه ای درنگ هم جایز نیست. بعضی انسان ها دوست دارند کارهای نیک انجام دهند، ولی در اجرای تصمیم خود، امروز و فردا می کنند. این تأخیر، فرصت کار خیر را از انسان می گیرد. در اسلام، شتاب کردن در کار نیک سفارش شده است. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

تَعْجِيلُ الْبِرِّ زِيَادَةٌ فِي الْبِرِّ. (۲)

شتاب در نیکوکاری، نیکوکاری بیشتر است.

در سخنی دیگر بنا بر نقل اهل سنت می فرماید:

لِكُلِّ شَيْءٍ ثَمَرَةٌ وَ ثَمَرَةُ الْمَعْرُوفِ تَعْجِيلُ السَّرَاحِ. (۳)

ص: ۱۰۴

۱- . مطلوب کل طالب، ص ۳۸، کلمه ۷۸.

۲- . غرر الحکم، ص ۲۸۳.

۳- . سجع الحمام، ص ۳۴۰.

هر چیزی، میوه ای دارد و میوه کار خوب، تعجیل در برآوردن آن است.

۲۳- مردمی بودن

جاه و مقام و منصب دنیایی ممکن است بسیاری از افراد را به گردن کشی در برابر خداوند و زورگویی به بندگانش بکشاند. البته این امور بر آنانی که روحی بلند و آزاده دارند، اثر نمی گذارد؛ چه اینکه آنان در اوج قدرت و دارندگی، بسیار فروتن هستند و اخلاق و رفتار آنان با مردم، عادی و معمولی است. چنین افرادی هرگز خود را تافته جدا بافته از جامعه نمی شمارند. این افراد به اصطلاح خاکی اند و بدون هیچ تشریفات و تعارفی با مردم نشست و برخاست می کنند و با همگان چنان گرم و صمیمی اند که گویی رفیق چندین ساله هستند. در مقابل، افرادی نیز چنان مغرورند که انسان نمی خواهد حتی برای یک لحظه هم آنها را ببیند. شکی نیست که مردم آنها را دوست ندارند و از جمع خود طرد خواهند کرد. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

مَنْ تَأَلَّفَ النَّاسَ أَحْبَبَهُ. (۱)

هر کس با مردم بجوشد، مردم او را دوست خواهند داشت.

در سخنی دیگر بنا به نقل اهل سنت می فرماید:

قُلُوبُ الرِّجَالِ وَحُشِيَّةٌ فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ.

قلب های مردم گریزان است. کسی که با آنان بجوشد، به او روی می آورند (و رام او می گردند).

۲۴- یک رنگی

یک رنگی و صداقت نشانه ایمان و دورویی و نیرنگ نیز نشانه نفاق است. ناگفته پیداست که در روابط انسانی هیچ چیز بدتر از نفاق و دورویی نیست. به کسی دورو می گویند که ظاهر و باطنش یکسان نیست. زیان این افراد از کسانی که آشکارا راه مخالفت برگزیده اند، بیشتر

ص: ۱۰۵

است. اینان در حضور دین داران، از مذهب سخن می گویند و نزد آنانی که از مذهب فاصله گرفته اند، خود را نسبت به آموزه های مذهبی بی علاقه نشان می دهند. انسان دورو اگرچه همیشه تلاش می کند تا خود را یک رنگ جلوه دهد، ولی خواه ناخواه چهره واقعی اش آشکار خواهد شد. البته این رسوایی هنگامی رخ می دهد که فتنه های زیادی برپا شده است و عده زیادی فریب او را خورده و زیان های جبران ناپذیری دیده اند. کسانی که با جلوه گری منافقان، عمر و ایمان خود را از کف داده اند، فرصت جبران هم ندارند. نمونه این فریب خوردگان را در صف مقابل بهترین و کامل ترین مخلوق الهی؛ یعنی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می توان جست که با توطئه منافقان و دورویان، رسول الله صلی الله علیه و آله را تنها گذاشتند و حتی گاهی علیه ایشان دست به توطئه زدند. چه کسی می تواند چهره واقعی منافقان را که با هزاران رنگ و حیل پنهان کرده اند، شناسایی کند و از آسیب آنان در امان بماند؟ این افراد حتی از کافران بدترند؛ چون چهره آنان، برای دیگران آشکار است. امام علی علیه السلام در نکوهش این افراد می فرماید:

مَا أَقْبَحَ بِالْإِنْسَانِ أَنْ يَكُونَ ذَاوَجْهَيْنِ. (۱)

چه قدر زشت است که انسان دورو باشد.

ثمره نفاق نیز خواه ناخواه ظاهر خواهد شد و منافق که در پی عزت در بین مردم است، پس از افشا شدن نفاقش، خوار خواهد شد، چنان که آن حضرت در سخن دیگر به نقل اهل سنت می فرماید:

نَفَاقُ الْمَرْءِ ذِلَّةٌ. (۲)

ص: ۱۰۶

۱- . غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۳۵.

۲- . مطلوب کل طالب، ص ۲۱، کلمه ۴۰.

نفاق هر کس سبب خواری اوست.

۲۵- جلب اعتماد مردم

شماری از مردم، به هنگام غم و شادی انسان‌ها، تکیه گاه آنان هستند و در حقیقت، حلال مشکلات هم نوعان خویشند. یکی از بزرگ‌ترین موفقیت‌هایی که نصیب انسان می‌شود، این است که مردم در امور دین و دنیای خود به او اطمینان کنند و به آنچه می‌گوید، اعتماد داشته باشند و سخنانش را از صمیم قلب بپذیرند. این توفیق بزرگی است که به آسانی نصیب هر کس نخواهد شد. انسان می‌تواند با اعمال صالح و در آزمون‌های اجتماعی، شایستگی‌های خود را در عمل اثبات کند تا نزد مردم اعتبار و ارزش یابد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

كَفَى بِالْمَرْءِ سَعَادَةً أَنْ يُوثِقَ بِهِ فِي أُمُورِ الدِّينِ وَالدُّنْيَا. (۱)

در سعادت انسان همین بس که مردم در امور دین و دنیا به او اعتماد کنند.

در سخنی دیگر بنابر نقل اهل سنت، چنین اعتماد و محبوبیتی را گنج سودمند می‌داند:

انْفَعُ الْكُنُوزِ مُحِبَّةُ الْقُلُوبِ. (۲)

محبوبیت در دل‌ها سودمندترین گنج‌هاست.

۲۶- انصاف با دیگران

انسان‌های با انصاف هیچ‌گاه از جاده حقانیت خارج نمی‌شوند و حتی اگر زیان‌های مادی نیز متوجه آنان باشد، باز هم از

ص: ۱۰۷

۱- غررالحکم، ج ۴، ص ۵۸۱.

۲- سجع الحمام، ص ۱۲۳.

دادن حق به حق دار پرهیز نمی کنند. گاهی انسان در وضعی قرار می گیرد که رعایت انصاف برایش از مبارزه در میدان جنگ نیز مشکل تر است. در این حال، برخی افراد از مرز انصاف پا را فراتر نمی نهند. بنابراین، اگر با شخصی کوچک تر از خودتان بحث می کنید و در میانه کار متوجه می شوید حق با اوست، چنانچه این شهادت را داشتید که حق را به جانب او بدهید، خشنود باشید که از انصاف بهره ای دارید و راه عدالت را می پیمایید. امام علی علیه السلام در توصیه به این صفت نیکو در ذیل آیه شریف: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ؛ خداوند به عدل و انصاف سفارش فرموده است.»^(۱) بنا بر نقل شیعه و اهل سنت می فرماید: «الْعَدْلُ الْإِنْصَافُ وَالْإِحْسَانُ التَّفَضُّلُ؛ عدل، انصاف است و احسان، بخشش.»^(۲)

۲۷- امید به مردم

ذات مقدس الهی، تنها تکیه گاه پایدار، مقتدر و پشتیبان انسان است. شایسته نیست آدمی در زندگی به انسان های مانند خود تکیه کند؛ چه اینکه آنها نیز مانند او تکیه گاهشان خداوند است. بنابراین، انسان های عاقل و باایمان، توکل شان به خداوند است و هرگز در زندگی به مردم تکیه و اعتماد نمی کنند. آنان امیدشان در مرتبه اول به خداست و در قدم بعدی، نیروی خود را به کار می گیرند. آنان به جای

ص: ۱۰۸

۱- .نحل: ۵۰.

۲- .نهج البلاغه، کلمات قصار ۲۲۸؛ کنز العمال، ج ۲، ص ۴۵۱.

اینکه همواره در انتظار کمک دیگران باشند، به پشتیبانی خداوند دل گرم هستند. آیا بهتر نیست به جای امید بیهوده به دیگران داشتن، با توکل به خداوند، به همت و تلاش خود تکیه کنیم؟ توکل به خداوند و امید نبستن به مردم و تکیه نکردن بر آنان پایه اخلاص است. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

مَنْ عَرَفَ النَّاسَ لَمْ يَعْتَمِدْ عَلَيْهِمْ. (۱)

هر کس مردم را بشناسد، به آنها تکیه نمی کند.

حضرت در جایی دیگر می فرماید:

أَوَّلُ الْإِخْلَاصِ الْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ.

آغاز اخلاص، ناامید بودن از چیزی است که در دست مردم است.

در سخنی دیگر بنا به نقل شیعه و اهل سنت می فرماید:

حُسْنُ الْيَأْسِ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الطَّلَبِ إِلَى النَّاسِ. (۲)

ناامیدی نیکو برایت از تقاضا از مردم نیکوتر است. (۳)

۲۸- غش در معامله

داد و ستد از ضرورت های زندگی دنیایی است. در این راستا، با خدمت رسانی و تأمین نیازهای زندگی مردم به قصد قربت می توان وسیله تعالی و تکامل خویش را فراهم ساخت، به شرطی که هدف و مقصد گم نشود. متأسفانه برخی انسان های سست ایمان، به نام کسب و کار و داد و ستد، به شکل های مختلف، مردم را فریب می دهند و از راه نامشروع، کیسه های خود را پر می کنند

ص: ۱۰۹

۱- غررالحکم، ص ۲۵۶.

۲- کتذ العمال، ج ۱۶، ص ۱۷۶.

۳- (ناامیدی نیکو همان چیزی است که در دست مردم است).

و خوش حالند که مالی انباشته اند، غافل از اینکه با چنین کارهایی هر چه بیشتر از شرف و انسانیت دور می شوند. اینان دزدانی نقاب دارند که در پوشش

کسب و کار، چهره اصلی خود را پنهان کرده اند. آنان فراموش کرده اند که در جامعه اسلامی، همه با هم برادرند و متاع دنیا ناپایدار است و این نوع مال اندوزی، پایان خوشی ندارد و هیچ مالی را نمی توانند به جهان باقی ببرند. مگر نه اینکه ثروت و دارایی تنها تا سرمنزله تاریک اول در این سفر طولانی و جاوید با ما همراه هستند. پس چرا با هدف خدمت به مردم، به کسب خود رنگ الهی نزنیم و با این صبغه خدایی، نام نیک از خود بر جا نگذاریم. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

شَرُّ النَّاسِ مَنْ يَعْشُ النَّاسَ. (۱)

بدترین مردم کسی است که مردم را فریب دهد.

در سخن دیگری می فرماید:

الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ فَلَا يَعْشُهُ وَلَا يَعْيْبُهُ. (۲)

مؤمن برادر مؤمن است. بدین جهت برادرش را فریب نمی دهد و بر او عیب نمی نهد.

۲۹- چاپلوسی

چاپلوسی برای به دست آوردن موقعیتی نزد افراد صاحب منزلت یا به دست آوردن مالی از افراد ثروتمند صورت می پذیرد. چاپلوسی معمولاً از حرص و طمع سرچشمه می گیرد و انسان به طمع مال به این کار دست می زند تا خود را به صاحبان مال نزدیک سازد. چاپلوسی از قدر و منزلت انسان می کاهد و او را در نگاه دیگران سبک می کند. در

ص: ۱۱۰

۱- غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۶۴.

۲- دستور معالم الحکم، ص ۶۴.

حقیقت، چاپلوس روحی کوچک و همتی پست دارد و برای حیثیت انسانی خود هیچ ارزشی قائل نیست. ممکن است چاپلوس به ظاهر مورد احترام دیگران باشد، ولی همه می دانند که حیثیت انسانی خود را به بهای اندکی فروخته است و به او با دیده حقارت می نگرند. انسان با ایمان که خداوند را مالک حقیقی جهان می داند و معتقد است آدمی تنها با اراده الهی می تواند اوج بگیرد، هیچ گاه خود را به افرادی که توانایی های مالی و موقعیتی آنان زودگذر است، نزدیک نمی سازد. چنین انسانی هرگز رویه چاپلوسان دنیاگرا را در پیش نمی گیرد؛ همان هایی که حضرت علی علیه السلام به شدت آنان را نکوهش می کند و می فرماید:

إِيَّاكَ وَالْمَلَقَ فَإِنَّ الْمَلَقَ لَيْسَ مِنْ خَلَائِقِ الْإِيْمَانِ. (۱)

از چاپلوسی بپرهیز؛ که چاپلوسی، روش مردم باایمان نیست.

حضرت علی علیه السلام بنا بر نقل اهل سنت می فرماید:

مَنْ جَلَسَ فِي ظِلِّ الْمَلَقِ لَمْ يَسْتَقِرَّ بِهِ مَوْضِعُهُ لِكَثْرَةِ تَنَقُّلِهِ وَ تَصَرُّفِهِ مَعَ الطَّبَاعِ وَ عَرَفَهُ النَّاسُ بِالْخَدِيْعَةِ. (۲)

کسی که در سایه چاپلوسی، بنشیند جایگاه خود را استقرار نخواهد بخشید به جهت آنکه برای خوشایند دیگران به طور مکرر از این رو به آن رو می شود و مردم وی را فریب کار خواهند شناخت (و به او اعتماد نخواهند کرد).

۳۰- شهادت دروغ

ص: ۱۱۱

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۳۰۴.

۲- سجع الحمام، ص ۳۹۷.

هیچ چیز در دنیا مانند دروغ و شهادت ناروا، زشت و ناپسند نیست. سفارش جدی پیشوایان دین برای تزکیه و تهذیب، در پیش گرفتن راستی و صداقت است. آنان راست گویی را مایه نجات آدمی می دانند و معتقدند انسان مؤمن نباید هیچ گاه خود را به زشتی دروغ بیالاید. با این حال می بینیم کسانی که جز به منافع مادی نمی اندیشند، بسیاری از اوقات با شهادت های دروغین به پای مال کردن حق دیگران می پردازند. آنها در این راه، آشنا و بیگانه نمی شناسند و هر جا که منافع مادی شان ایجاب کند، به سادگی، شهادت ناحق می دهند، بدون آنکه دچار عذاب وجدان شوند. یک روز به نفع شما شهادت می دهند و فردا به زیان شما؛ تا سنگینی کفه ترازو به کدام سو باشد. باید از این افراد دور و دسیسه هایشان همواره بر حذر بود که حضرت علی علیه السلام می فرماید:

مَنْ شَهِدَ لَكَ بِالْبَاطِلِ شَهِدَ عَلَيْكَ بِمِثْلِهِ. (۱)

هر کس به سود تو شهادت باطل دهد، به زیان تو نیز چنین خواهد کرد.

زیرا این گونه انسان ها نه به دین پای بندند تا از چنین کاری دوری کنند و نه به اصول انسانی آن حضرت به نقل اهل سنت می فرماید:

لَا مُرُوءَةَ لِلْكَذُوبِ. (۲)

دروغ گو جوان مردی ندارد.

ص: ۱۱۲

۱- . غررالحکم، ج ۵، ص ۴۵۲.

۲- . مطلوب کل طالب، ص ۱۳، کلمه ۲۴.

عده ای در زندگی دنیا پرتوشه و بهره مندند که بایسته است به شکرانه این توان مندی، از ناتوانان دست گیری کنند. مسلمان هیچ گاه نمی تواند در برابر مشکلات ناداران و بیچارگان، بی اعتنا باشد. او نمی تواند به شادخواری پردازد و غم و گرفتاری برادران مؤمنش را درد خویش نشمارد و به فریادرسی همت نگمارد.

هیچ شب و روزی بر جهان نمی گذرد مگر آنکه ناله و فریاد هزاران دردمند دل شکسته زیر این آسمان کبود می پیچد و با زبان بی زبانی، فریاد یاری رسانی سر می دهند، ولی آیا تاکنون به هیچ یک از کمک خواهان دردمند پاسخ داده ایم؟ اگر توان لازم را داشته و خدای نا کرده پاسخ نداده ایم، از هم اکنون تصمیم بگیریم به جبران اشتباه های گذشته، در راه انجام دادن این وظیفه بزرگ انسانی کوشا باشیم تا در پیشگاه ناظر همیشه بیدار، شرمنده و سرافکننده نباشیم. خداوند بزرگ نیز به پاس رسیدگی به بندگانش، وسیله آمرزش و مغفرت فریادسازان را فراهم می سازد. او با این کار خود، خداگونگی را می آزماید؛ زیرا خداوند، ناله بی پناهان و فریادسازان را بی پاسخ نمی گذارد. حضرت علی علیه السلام بنا به نقل شیعه و اهل سنت می فرماید:

مِنْ كَفَّارَاتِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ إِغَاثَةُ الْمَلْهُوفِ. (۱)

فریادرسی بیچارگان، کفاره گناهان بزرگ است.

ص: ۱۱۳

۳۲- دست گیری از ستم دیده

سیره پیشوایان دینی، دفاع از ستم دیدگان و بی پناهان است. آنان از پیروان خود می خواستند که یاور ستم دیدگان و دشمن ستم کاران باشند. یکی از مهم ترین وظایف انسان ها، جلوگیری از ستم است. بسیاری از ستم دیدگان، توانایی به دست آوردن حق مشروع خود را ندارند و تنها با کمک و هم یاری دیگران می توانند به این مهم دست یابند. کسانی که قدرت دارند، نباید در این کار کوتاهی کنند. اگر کسی بتواند در راه احقاق حق ستم دیده گامی بردارد، ولی از انجام دادن آن کوتاهی کند، در پیشگاه خدا و وجدانش پاسخی نخواهد داشت. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

كُونَا لِلظَّالِمِ حَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا. (۱)

همواره دشمن ستمگر و یاور ستم دیده باشید.

طبری از عالمان برجسته اهل سنت در تاریخ خود همین روایت را نقل کرده، ولی به جای کلمه «عون» کلمه «ناصر» را آورده است. (۲)

۳۳- شایستگی در کار

برخی از مردم وقتی می خواهند کار و پیشه ای برای خود فراهم کنند، پیش از هر چیز به دنبال کاری می روند که ظاهری پر سر و صدا داشته باشد و سبب معروف شدن آنان شود. از آنجا که برخی کارها، به تخصص و آگاهی ویژه ای نیاز دارد که آنها

ص: ۱۱۴

۱- . نهج البلاغه، نامه شماره ۴۷.

۲- . تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۱۳.

از آن بی بهره اند، خواه ناخواه سرگردان و از همه چیز ناامید می شوند. بنابراین، بهتر است پیش از اینکه دنبال کاری بروید، فکر کنید شایستگی انجام دادن آن را دارید یا خیر. باید میان کار و استعداد افراد رابطه وجود داشته باشد و هر کس مسئولیت و کاری را بپذیرد که توان انجام دادن آن را دارد. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

لَا تَطْمَعُ فِيمَا لَا تَسْتَحِقُّ. (۱)

در آنچه استحقاقش را نداری، طمع مکن.

اگر کسی چنین پند حکیمانه ای را به گوش نگیرد، سرانجامی جز آنچه آن حضرت فرموده است، ندارد که: سرانجام خواری خواهد شد:

الذُّلُّ مَعَ الطَّمَعِ. (۲)

به همراه طمع خواری است.

۳۴- حق مداری

حق گرایی از اصول ارزشمندی است که روی گردانی از آن شایسته هیچ انسانی نیست. با وجود این، برخی انسان ها از انجام دادن کاری که آن را درست می دانند، خجالت می کشند و به همین دلیل، دچار زیان های بزرگ مادی و معنوی می شوند. این عمل نشان دهنده ضعف اراده و درماندگی روحی آنان است و بدون تردید، اگر با تصمیم جدی، این سد روانی را نشکنند، به تدریج، این روحیه به همه جنبه های زندگی شان سرایت می کند. بدین ترتیب، دچار

ص: ۱۱۵

۱- .غررالحکم، ج ۶، ص ۲۶۱.

۲- .مطلوب کل طالب، ص ۴۷، کلمه ۲۴.

تساهل و تسامح می شوند و از دایره حق و حقیقت بیرون می روند. پس چه بهتر که خجالت و تردید را کنار بگذارند و از گفتن و به کار بستن آنچه حق می دانند، خودداری نورزند. امام علی علیه السلام فرموده است:

مَنْ اسْتَحْيَى مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ فَهُوَ أَحْمَقُ. (۱)

هر کس از گفتن حق شرم کند، احمق است.

آن حضرت در سخنی دیگر که اهل سنت روایت کرده اند، می فرماید:

اعْرِفِ الْحَقَّ لِمَنْ عَرَفَهُ لَكَ زَفِيْعًا كَانَ أَوْ وَضِيْعًا. (۲)

حق را بشناس، از هر کس که آن را به تو شناساند؛ چه آن شخص از افراد بلندمرتبه باشد یا در رتبه پایین اجتماع.

۳۵- پایداری در احقاق حق

مطالبه حق امری بایسته و شایسته است و بر اساس آموزه های روایی، آدمی نسبت به حقوق خود نباید بی اعتنا باشد. از بدیهی ترین حقوق انسانی این است که هر کسی می تواند حق خود را از کسانی بگیرد که به او تجاوز کرده اند. البته شخصی که ادعای حق دارد، باید دلیل قابل قبولی داشته باشد و آن را در دادگاه یا تشکیلات صالحی ارائه کند و هرگز نباید با اقدامات خودسرانه، ادعای خود را عملی کند. در هر صورت، مطالبه حق و دادخواهی از حقوق اولیه شهروندی و کاری پسندیده است. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

ص: ۱۱۶

۱- .غررالحکم، ج ۵، ص ۳۳۹.

۲- .کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۸۰.

لَا يُعَابُ الرَّجُلُ بِأَخْذِ حَقِّهِ وَإِنَّمَا يُعَابُ بِأَخْذِ مَا لَيْسَ لَهُ. (۱)

مرد برای مطالبه حقش نباید نکوهش شود، بلکه نکوهش می شود به گرفتن چیزی که مال او نیست.

و در سخنی دیگر که اهل سنت روایت کرده اند، گذشت از حق خود و ایثار، را مورد توجه قرار داده است و می فرماید:

لَا يُعَابُ الْمَرْءُ بِتَأْخِيرِ حَقِّهِ إِنَّمَا يُعَابُ مَنْ أَخَذَ مَا لَيْسَ لَهُ. (۲)

مرد برای تأخیر در گرفتن حقش نباید نکوهش شود، بلکه آن کسی نکوهش می شود که چیزی را که حقش نیست، می گیرد.

۳۶- پیروی از سخن حق

سخن پسندیده موجب خشنودی شنونده می شود. سخن حق و نیکو را باید از هر کسی پذیرفت. میزان در پذیرش، سنگینی کلام است، نه وجاهت و مقام گوینده آن. با این حال، بعضی افراد وقتی سخنی می شنوند، پیش از هر چیز می خواهند ببینند گوینده آن کیست؛ چنانچه گوینده، شخص مشهور و دارای مقام و منصبی باشد، آن سخن را بدون تحقیق می پذیرند و گرنه به آن اعتنا نمی کنند. این کار درست نیست؛ چون ممکن است کلامی سودمند و زیبا از زبان شخصی عادی و گم نام نقل شود، چنان که احتمال دارد فرد صاحب مقامی نیز سخنان کم ارزشی بگوید. پس آنچه به کلام ارزش می دهد، محتوای کلام است، نه گوینده آن. بکوشیم بر اساس تبلیغات و غوغاسالاری، حرفی را نپذیریم، بلکه به حقیقت سخن توجه داشته باشیم. حضرت علی علیه السلام بنا بر نقل شیعه و اهل سنت می فرماید:

ص: ۱۱۷

۱- غررالحکم، ج ۶، ص ۴۱۰.

۲- سجع الحمام، ص ۳۲۸.

لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ وَانْظُرْ إِلَى مَا قَالَ. (۱)

نگاه نکن چه کسی می گوید، بلکه بین چه می گوید.

۳۷- ادب ورزی

ادب اجتماعی، پیوند محبت میان افراد جامعه را محکم می کند. آدمیان همواره برای افراد باادب احترام ویژه ای قائل هستند. انسان در روابط اجتماعی خود با افرادی روبه رو می شود که پس از ساعت ها گفت و گو و هم نشینی، حتی یک کلام یا رفتار ناشایست از آنان نمی بیند و مایل است مدت ها با آنها هم نشین باشد. برعکس، افرادی نیز هستند که سخن و رفتارشان، نشان دهنده بی بهره بودن آنها از ادب و انسانیت است، به گونه ای که انسان حاضر نیست حتی یک لحظه هم به چهره آنها بنگرد. این مسئله نشان دهنده این حقیقت است که انسان باادب، محبوب است و بی ادب چه بخواهد

و چه نخواهد، مورد نفرت دیگران است. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

الْأَدَبُ كَمَالُ الرَّجُلِ. (۲)

کمال انسان به ادب است.

در سخنی دیگر بنا به نقل اهل سنت می فرماید:

الْأَدَبُ صُورَةُ الْعَقْلِ. (۳)

ص: ۱۱۸

۱- غرر الحکم، ج ۶، ص ۲۶۶؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۹۷.

۲- غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۴۶.

۳- مطلوب کل طالب، ص ۳۰، کلمه ۶۱.

۳۸- خوش قولی

اسلام برای عهد و پیمان ارزش والایی قائل است و پای بندی به میثاق را از شرایط ایمان می شمارد. در سیره پیشوایان دینی نیز وفای به عهد حتی نسبت به دشمنان به روشنی دیده می شود. آنان تا زمانی که طرف مقابل، نقض عهد نمی کرد، بر تعهد خویش استوار بودند. با وجود این، یکی از آسیب های روابط اجتماعی در جامعه دینی، بها ندادن به وعده ها است. این آفت اجتماعی در میان اقشار گوناگون جامعه به ویژه در برخی پیشه ها به طور چشم گیر دیده می شود. این در حالی است که اسلام می خواهد انسان اگر قول داد، به قولش وفادار بماند و در ادای آن بکوشد. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

مَا أَحْسَنَ الْوَفَاءَ وَأَقْبَحَ الْجَفَاءِ. (۱)

چه قدر وفای به عهد، خوب و بدقولی، زشت است.

در سخنی دیگر که اهل سنت روایت کرده اند، می فرماید:

إِنَّ مِنَ الْكِرَمِ الْوَفَاءَ بِالذَّمِّ. (۲)

وفای به پیمان ها از کرامت است.

۳۹- امانت داری

پای بندی به ادای امانت نشانه ایمان و جوان مردی است. امانت داری دایره گسترده ای دارد و حتی گاهی دیگران سخنی را نزد شما به امانت می گذارند و می خواهند آن را نزد

ص: ۱۱۹

۱- غررالحکم، ج ۶، ص ۱۶۰.

۲- سجع الحمام، ص ۱۱۸.

خود محفوظ نگه دارید یا ممکن است کسانی به شما اعتماد کنند و مال یا پولی را به امانت به شما بسپارند. شکی نیست که در این صورت، وظیفه سنگینی بر دوشتان خواهد بود و اگر به خوبی آن را به انجام نرسانید، در پیش گاه خدا و وجدانتان آسوده نخواهید بود. چنانچه این وظیفه را به درستی به پایان برسانید، نزد وجدان خود آسوده خواهید بود و پاداش امانت داری تان را نیز از خداوند دریافت خواهید کرد و اعتماد دیگران نسبت به شما جلب خواهد شد. در نگه داری اموال و امانت دیگران باید دقت و حساسیتی همچون پاسداری از داشته های خویش و حتی افزون از آن داشت. کوتاهی در این مورد نابخشودنی است و مسامحه در نگه داری اموال دیگران و شنیدن وسوسه ها و نغمه های شیطنی ممکن است امانت دار را به خیانت در امانت بکشاند. از این رو، حضرت علی علیه السلام در هشدار می فرماید:

مَنْ اسْتَهَانَ بِالْأَمَانَةِ وَقَعَ فِي الْخِيَانَةِ. (۱)

هر کس در نگه داری از امانت سستی کند، در خیانت می افتد.

در سخن دیگر که شیعه و اهل سنت نقل کرده اند سرانجام امانت در خیانت را چنین ترسیم می کنند:

مَنْ اسْتَهَانَ بِالْأَمَانَةِ وَ رَتَّعَ فِي الْخِيَانَةِ... فَقَدْ أَحْمَلَ بِنَفْسِهِ الذُّلَّ وَالْخِزْيَ فِي الدُّنْيَا وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ أَذْلُ وَ أَخْزَى.

کسی که در امانت داری سستی بورزد و در حدود

ص: ۱۲۰

خیانت بگردد [خیانت ورزی را پیشه خود سازد] خواری و ذلت در دنیا را بر خود روا ساخته و در آخرت نیز خوار و ذلیل تر خواهد بود.

۴۰- راست گویی

راست گویی از بهترین صفات انسانی است، همچنان که دروغ گویی بدترین صفت است. بعضی از مردم چنان به دروغ گویی عادت کرده اند که اگر در شبانه روز چند بار دروغ نگویند، احساس آرامش و شادی نمی کنند. کسانی که دروغ می گویند، دچار عقده حقارت هستند و چون می بینند مردم به آنها بی اعتماد شده اند، با گفتن دروغ، توجه دیگران را به خود جلب می کنند. در این میان، انسان هایی هستند که هرگز زبان خود را به دروغ نمی آلاینند. اینان اگر احساس کنند که با دروغ گفتن، منافع دنیایی نیز به دست می آورند، باز زبان خود را به آلودگی های دروغ نمی آلاینند. این افراد در هر حالی صداقت را می پسندند، حتی اگر با گفتن سخن درست، مقام و موقعیت خود را از دست بدهند. آنان هیچ گاه کار خود را بی جهت توجیه نمی کنند و دروغ خود را با آرایه مصلحت تزئین نمی کنند و در حقیقت، خود را فریب نمی دهند. تنها کسانی از این ویژگی ارزشمند برخوردارند که ایمان در عمق جانیشان نقش بسته باشد. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

الصُّدُقُ أَقْوَى دَعَائِمِ الْإِيمَانِ. (۱)

راست گویی، نیرومندترین ستون ایمان است.

ص: ۱۲۱

چنین کسانی نه تنها ضرر نمی کنند، بلکه با راست گویی خود نجات نیز می یابند، چنان که آن حضرت بنا بر نقل اهل سنت می فرماید:

فِي الصَّدَقِ النَّجَاةُ. (۱)

نجات و رهایی در راست گویی است.

۴۱- همسایه داری

کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، همسایه اش را آزار نمی دهد. نیکی به همسایگان، سفارش همیشگی قرآن کریم و بزرگان دین است. همسایگان نسبت به هم حقوقی دارند که در همه فرهنگ ها محترم است. بسیاری از همسایگان به این حق احترام می گذارند و رابطه ای محبت آمیز میانشان حکم فرماست. آنان از دیدار هم دیگر بهره می برند و بر اثر همکاری و مشارکت، به یکدیگر بهره می رسانند. در مقابل، برخی نیز نه تنها نسبت به یکدیگر محبت ندارند، بلکه برعکس، هر روز به بهانه های بیهوده با هم در جنگ و ستیزند و حقوق یکدیگر را نادیده می گیرند. این در حالی است که حقوق همسایگی، وظیفه ای دوجانبه است که در روایات اسلامی بر آن تأکید شده است. مولای متقیان در آخرین لحظه های حیات، فرزندان را به رعایت حقوق همسایگان سفارش فرمود. حق همسایه بر آدمی این است که اگر از او وام خواست، به او وام دهد. اگر به همسایه اش نیکی رسید، به او تبریک بگوید. اگر به

ص: ۱۲۲

همسایه اش گزندی رسد، او را دلداری دهد و ده ها حقوق دیگر. بنابراین، همسایه خوب در غم و شادی همراه انسان است، ولی همسایه بد پی در پی مشکلات فراوانی برای آدمی ایجاد می کند. حضرت علی علیه السلام در نکوهش همسایه بد می فرماید:

جَارُ السُّوءِ أَعْظَمُ الضَّرَاءِ وَ أَشَدُّ الْبَلَاءِ. (۱)

همسایه بد، بزرگ ترین گرفتاری و سخت ترین بلاست.

در سخنی دیگر، بنا بر نقل شیعه و اهل سنت در توصیه به فرزندش چنین می فرماید:

سَلْ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ وَ عَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ. (۲)

قبل از عزم سفر از رفیق راه جو یا شو و قبل از ساکن شدن در خانه ای از (خوبی یا بدی) همسایگان تحقیق کن.

۴۲- بخل ورزی

کریمان و بخشندگان افزون بر اینکه نزد دیگران بزرگوارند، در درون خود نیز احساس آرامش و آسایش دارند، ولی انسان های خسیس همواره در رنج و عذاب هستند و از نظر معنوی هم جزو عقب افتادگان کاروان انسانیتند. به همین دلیل، دل بستن بیش از اندازه به مال دنیا نشانه پست همتی است؛ چون کسی که همت عالی داشته باشد، مقام خود را بالاتر از آن می داند که قدرت دل کندن از مال و دارایی را نداشته باشد. البته ولخرجی هم کار ناپسندی است؛ چون مال در حقیقت

ص: ۱۲۳

۱- .غررالحکم، ج ۳، ص ۳۶۰..

۲- .کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۸۲.

امانتی است که خداوند به انسان سپرده است تا آن را برای برآوردن نیازهای زندگی خود یا دیگران مصرف کند. کسی که این امانت را بیهوده صرف می کند، به امانت الهی خیانت کرده است. به راستی، چگونه انسانی می تواند به خود بقبولاند پس از آنکه سختی ها و مشکلات را بر خود هموار ساخته و مالی اندوخته است، از هزینه کردن دارایی برای خود، فرزندانش و برادران دینی اش کوتاهی کند. کسی که ثروت خود را وسیله ای برای گشودن درهای بهشت قرار می دهد و با عقل و تدبیر برنامه ریزی درست و آن را در اختیار دیگران قرار می دهد، بی شک، مورد توجه خداوند و محبوب خلق خواهد بود.

امام علی علیه السلام در نکوهش این خصلت می فرماید:

أَبْخَلَ النَّاسِ مَنْ بَخَلَ عَلَى نَفْسِهِ بِمَالِهِ وَ خَلَفَهُ لُورَاثِهِ. (۱)

خسیس ترین مردم کسی است که از مصرف مال برای خودش دریغ کند و مالش برای وارثان بماند.

در سخن زیبای دیگر بنا به نقل اهل سنت می فرماید:

بَشْرٌ مَالِ الْبَخِيلِ بِحَادِثٍ أَوْ وَارِثٍ. (۲)

به بخیل بشارت ده که مالش را یا حوادث ببرد یا نصیب وارث شود.

۴۳- پرهیز از شتاب زدگی در قضاوت

قضاوت کار بسیار مشکلی است و باید حساب شده و دقیق باشد؛ زیرا ممکن است بر اثر اشتباه کوچکی، کانون زندگی خانواده ای از هم پاشد، خونی پای مال شود و حقی، ناحق شود. انسان نباید نسنجیده،

ص: ۱۲۴

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۴۴۹.

۲- مطلوب کل طالب، ص ۷، کلمه ۱۰.

بی دقت و شتاب زده درباره قضیه ای قضاوت کند؛ زیرا در قضاوت تنها دانش شرط نیست، بلکه دقت و بررسی کامل قضیه نیز ضروری است. چه می دانید، شاید در نهاد قضیه ای که می خواهید بدون تفکر درباره آن رأی دهید، حقایق نهفته باشد که اگر بر شما روشن شود، به کلی نظرتان را تغییر دهد. بنابراین، نباید به صرف ظن و گمان و با دیدن چیزی بدون بررسی کامل و تأمل در جنبه های گوناگون قضیه، بلافاصله حکم قطعی صادر کنیم و حیثیت دیگران را به خطر اندازیم. باید با احتیاط و وسواس خاصی در مورد واقعه ای که به آبرو و شخصیت دیگران مربوط است، داوری کنیم و تا زمانی که نیازی نیست، قضاوت نکنیم. چگونه می توان آبروی ریخته شده دیگران را به آنها بازگرداند و چگونه می توان تاوان مرگ حیثیتی افراد را جبران کرد؟ حضرت علی علیه السلام بنا بر نقل شیعه و اهل سنت می فرماید:

لَيْسَ مِنَ الْعَدْلِ الْقَضَاءُ عَلَى الثَّقَةِ بِالظَّنِّ. (۱)

داوری بر اساس گمان، خلاف عدل است.

۴۴- هدایت بدکاران

آدمی نمی تواند در برابر انحراف برادران ایمانی خود سکوت کند و بی اعتنا بماند. رسم برادری ایجاب می کند که راه هدایت را به آنان نشان دهد و دست گیرشان باشد. متأسفانه برخی از مردم، به آزار دیگران و گناه کاری سرگرمند و از این بی راهه هم

ص: ۱۲۵

۱- غررالحکم، ج ۵، ص ۸۴؛ سجع الحمام، ص ۳۵۲.

باز نمی گردند. نصیحت گران نباید ناامید شوند، بلکه تا آنجا که ممکن است، باید از راه مستقیم یا غیرمستقیم، به هدایت آنان پردازند. یکی از این روش ها، برخوردهای حساب شده انسانی و نیکوکاری است که می تواند در روحیه آنها اثر مثبت نهد و آنها را دچار خجلت و شرمندگی کند، به گونه ای که در برابر انسان های نیکوکار و خوش برخورد، خود را حقیر و کوچک بدانند و تلاش کنند تا در راه مردان خدا گام بردارند. حضرت علی علیه السلام بنا بر نقل شیعه و اهل سنت می فرماید:

وَ اَزْجُرِ الْمُسْتَى بِفِعْلِ الْمُحْسِنِ (۱).

با کار نیک، بدکار را از بدی باز دار.

۴۵- خویشتن داری از گناه

سفارش اول رهبران دینی به پیروانشان، بهره مندی از تقوا و خویشتن داری است. زیباترین جامه آدمی، پوشیدن لباس تقواست. اصولاً ارزش هر انسانی به میزان برخورداری او از تقواست. انسان باید تلاش کند تا همواره این لباس مقدس را پاکیزه نگه دارد و اگر آلودگی کوچکی در لباس خود دید، با جدیت و فوریت تمام، با آب شفاابخش توبه، آن را بشوید؛ زیرا چنانچه آلودگی به تمام لباس سرایت کند، جز شرمساری چیز دیگری نصیب انسان نخواهد شد. در پرتو تقوا و پروا پیشگی، می توان از آفت ها و آسیب های اخلاقی برحذر بود. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

ص: ۱۲۶

۱- همان، ج ۲، ص ۱۸۳؛ کفایه الطالب، ص ۲۲۰.

مَنْ تَعَزَّى عَنْ لِبَاسِ التَّقْوَى لَمْ يُسْتَتِرْ بِشَيْءٍ مِنْ أَسْبَابِ الدُّنْيَا. (۱)

هر کس به جامه تقوا پوشیده نشود، هیچ چیز از اسباب دنیا، او را نمی پوشاند.

۴۶- جایگاه دانش اندوزی

دانشمندان، چراغ های فروزان زندگی بشری هستند. دانش به آدمی، عزت و ارزش می بخشد و دانشمند، درهای پیشرفت و تعالی را به روی آدمیان می گشاید. پیشرفت ها، موفقیت ها، خلاقیت ها و کشف ها تنها در سایه دانش دانشوران امکان پذیر خواهد شد. دانشمندان پارسا با خدمات صادقانه خود، نام نیکشان را بر کتیبه تاریخ می نگارند. اصولاً دانشمند به واسطه دانشش، همیشه زنده و وجودش، روشنی بخش همگان است. در نبودش نیز می توانند از آثار و برکات دانش او بهره مند شوند و این به معنای برخوردار بودن از حیات ابدی است. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

اَلْعَالِمُ حَيٌّ وَ اِنْ كَانَ مَيِّتًا. (۲)

دانشمند، زنده است حتی اگر بمیرد.

در سخنی دیگر بنا بر نقل شیعه و اهل سنت چه زیبا می فرماید:

اَلْعُلَمَاءُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ اَلدَّهْرُ اَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَ اَمْتَالُهُمْ فِي اَلْقُلُوبِ مُوْجُودَةٌ. (۳)

تا روزگاران باقی است، دانشمندان باقی هستند، خود آنان با آنکه از میان مردم رفته اند، ولی

ص: ۱۲۷

۱- . غررالحکم، ج ۵، ص ۴۰۴.

۲- . غررالحکم، ج ۱، ص ۲۹۱.

۳- . کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۶۳.

یاد چهره هایشان در دل ها نقش بسته است.

۴۷- تکیه بر ایمان

آدمی با ایمان به ذاتی فناپذیر که همواره او را در کنار خود و یاری گر خویش می داند، از هیچ قدرتی نمی هراسد و نیروی خود را مضاعف می بیند. اساسا نمی توان تنها به مدد نیروی جسمانی، از پس همه مشکلات برآمد؛ زیرا انسان هر قدر قوی باشد، باز هم به پناه گاهی نیاز دارد که در سایه آن بتواند ادامه حیات دهد و به سوی خوش بختی حرکت کند. این تکیه گاه چیزی جز ایمان نیست؛ چون هیچ چیز مانند ایمان نمی تواند حافظ و نگهبان درون و بیرون انسان باشد. ایمان در سختی ها و مشکلات، پناه گاهی محکم است و همه اضطراب ها و نگرانی ها را به آرامش بدل می کند. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

الإيمانُ شَفِيعٌ مُنْجِحٌ. (۱)

ایمان، شفیع نجات بخش است.

حضرت در کلامی دیگر بنا بر نقل شیعه و اهل سنت، می فرماید:

الإيمانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ اِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ. (۲)

ایمان، شناخت قلبی و اقرار با زبان و عمل با اعضا و جوارح است.

۴۸- پرهیز از شهرت طلبی

گم نامی و ناآشنایی، وسیله ای برای راحت زیستن و آسوده بودن است. در این حال،

ص: ۱۲۸

۱- غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۴۸.

۲- سجع الحمام، ص ۱۳۸.

فرد از تعریف و تمجید دیگران به دور است و با خاطری آسوده به زندگی عادی خود می پردازد. پس لازم نیست از بیم مراجعه دیگران، پنهان کاری کند و با دغدغه و اضطراب، ایام را به سر آورد. یکی از عوامل بدبختی انسان ها که آنها را از مسائل اساسی زندگی باز می دارد، مشهور شدن در میان مردم است. تا وقتی انسان شهرتی ندارد، به راحتی می تواند هرگونه که بخواهد، زندگی کند. در این حال، تصمیم گیری هایش نیز از قدرت و استحکام بیشتری برخوردار است. برعکس، شخصی که شهرتی دارد، تمرکز فکر ندارد و در نتیجه، دچار تزلزل رأی در تصمیم گیری خواهد شد و این وضع سبب می شود آسایش خود را تا حدودی از دست بدهد. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

إِنَّ فِي الْخُمُولِ لِرَاحَةً. (۱)

در گمنامی، گونه ای از آسایش هست.

۴۹- سخاوتمندی

گذشتن از مال و بخشیدن آن به دیگران در راه خدا، کار آسانی نیست. تنها کسانی از عهده این مهم برمی آیند که تعلق به مال را در خود از بین برده و لذت بخشش را چشیده باشند. رسیدن به درجات والا و محبوب خالق شدن، شرایطی دارد. یکی از مهم ترین اسبابی که می تواند انسان را به درجات بالا برساند و او را در ردیف انسان های شریف قرار دهد، سخاوتمندی است. انسان سخاوتمند دارای روحی بزرگ و

ص: ۱۲۹

والاست. نشانه بزرگی روح او همان

گذشت اوست. بی شک، چنین کسی اگر روحیه گذشت نداشت، هرگز نمی توانست از مال دنیا بگذرد. به یقین، سخاوتمندان در دنیا و آخرت از سعادت‌مندانند. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

لَا يَكْمُلُ الشَّرْفُ إِلَّا بِالسَّخَاءِ وَالتَّوَّاضِعِ. (۱)

بزرگواری جز با سخاوت و فروتنی تکمیل نمی شود.

در سخنی دیگر بنا به نقل اهل سنت چنین سفارش می کند:

أَلْقِ النَّاسَ عِنْدَ حَاجَتِهِمْ إِلَيْكَ بِالْبُشْرِ وَالتَّوَّاضِعِ. (۲)

هرگاه مردم به تو نیازمند شدند، با رویی گشاده و فروتنی با آنان روبه رو شو.

۵۰- خلق نیکو

خلق و خوی خوب سبب جذب دوستان بسیار خواهد شد و این دوستان صمیمی می توانند در همه حال یاور آدمی باشند. این خاصیت اخلاق خوب است که انسان را بی اختیار جذب می کند. اخلاق خوب می تواند مایه نشاط و شادابی دیگران شود، به گونه ای که شیرینی این برخورد تا مدت ها در ذایقه شان باقی بماند و همیشه آرزو کنند که با چنین افرادی برخوردهای طولانی تری داشته باشند. امامان معصوم ما که نمونه های عملی اخلاق نیکویند، دیگران را نیز به این مهم فراخوانده اند. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

أَرْضَى النَّاسَ مَنْ كَانَتْ أَخْلَاقُهُ رَضِيَّةً. (۳)

ص: ۱۳۰

۱- غرر الحکم، ج ۶، ص ۴۰۹.

۲- سجع الحمام، ص ۳۰۰.

۳- غرر الحکم، ج ۲، ص ۴۱۳.

مطلوب ترین مردم کسی است که اخلاقش نیکو باشد.

در سخنی دیگر بنا به نقل اهل سنت می فرماید:

أَكْرَمُ الْأَدَبِ حُسْنُ الْخُلُقِ. (۱)

اخلاق نیکو، گرامی ترین ادب است.

۵۱- زیاده روی در توبیخ

یکی از روش های تربیتی، ارشاد و راهنمایی با زبانی نرم و ملایم است. هیچ انسانی دوست ندارد پیوسته مورد نکوهش دیگران قرار گیرد، ولی اگر این راهنمایی ها غیرمستقیم ارایه شود، خواهد پذیرفت. متأسفانه گاهی افرادی به بهانه اینکه می خواهند شخصی را نصیحت و اصلاح کنند، به سرزنش او می پردازند و در این کار افراط می کنند. بی شک، چنین توبیخ هایی، نه تنها جنبه تربیتی و سازنده ندارد، بلکه در طرف مقابل عقده و ناراحتی ایجاد می کند و سبب می شود نسبت به گوینده احساس لجاجت و دشمنی هم پیدا کند. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

الْإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَشُبُّ نَارَ اللَّجَاجَةِ. (۲)

زیاده روی کردن در سرزنش موجب برافروخته شدن آتش لجاجت می شود.

در سخنی دیگر که اهل سنت روایت کرده اند، در این باره می فرماید:

إِذَا عَاتَبْتَ أَحَدًا فَاتْرُكْ لَهُ مَوْضِعًا مِنْ ذَنْبِهِ لِئَلَّا يَحْمِلَهُ الْإِحْرَاجُ عَلَى الْمَكَابِرِ.

هنگامی که نوجوان را ملامت می کنی، گریز گاهی برای توجیه کار خطایش باز گذار تا در تنگنا نیفتد و به

ص: ۱۳۱

۱- . مطلوب کل طالب، ص ۳۹، کلمه ۸۰.

۲- . غررالحکم، ج ۲، ص ۴۳.

۵۲- عفت کلام

مردم در سخن گفتن با دیگران متفاوت هستند؛ برخی به قدری مؤدبانه سخن می گویند که دیگران تحت تأثیر قرار می گیرند و دوست دارند با آنها هم سخن شوند. علی علیه السلام بنا بر نقل اهل سنت می فرماید:

مَنْ عَدَّبَ لِسَانَهُ كَثُرَ إِخْوَانُهُ. (۱)

هر کسی که خوش زبان باشد برادرانش زیاد گردند.

در مقابل، عده ای نیز چنان بددهن هستند که حتی چنددقیقه هم نمی توان آنها را تحمل کرد. بی شک، چنین رفتاری از تربیت خانوادگی سرچشمه می گیرد و نشان دهنده میزان ادب یا بی ادبی افراد است. چه خوب است انسان گفتاری مؤدبانه داشته باشد و زبانش را به سخنان زشت آلوده نسازد. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

إِيَّاكَ وَالْمُسْتَهْجَنَ مِنَ الْكَلَامِ. (۲)

از گفتار زشت و زننده پرهیزید.

۵۳- انفاق

انفاق و بخشش به دیگران، ذخیره ای برای آدمی است؛ چه اینکه هرگونه احسانی پیش از اینکه به دست مستحقش داده شود، ابتدا به خداوند تقدیم می شود و باقی می ماند. از سوی دیگر، صدقه، مرگ انسان را به تأخیر می اندازد و از مرگ ناگهانی پیش گیری می کند. صدقه، لطفی است از جانب خداوند تا بلاها از انسان دور شود. این حقیقت را بسیاری از اوقات درک کرده و دیده ایم که بر اثر ادای صدقه، حوادث بد و ناگهانی از ما دور شده است. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

الصَّدَقَةُ تَقِي مَصَارِعَ الشُّوءِ. (۳)

صدقه، انسان را از حوادث بد نگاه می دارد.

صدقه نه تنها در دفع بلا مؤثر است، بلکه در جلب منفعت نیز نقش بسیار مؤثری دارد، چنان که آن حضرت در سخنی دیگر بنا به نقل اهل سنت می فرماید:

تَسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ. (۴)

- ١- . مطلوب كل طالب، ص ٦، كلمه ٨ .
- ٢- . غرر الحكم، ص ٢٧٢ .
- ٣- . همان، ج ١، ص ٣٩١ .
- ٤- . سجع الحمام، ص ٧٣ .

با دادن صدقه، روزی را بر خود بیارند.

۵۴- پرهیز از سخنان بی اساس

هر که پرگویی می کند، خطایش نیز بسیار است. این گونه افراد بدون تأمل هر سخنی را بر زبان جاری می کنند و متوجه پی آمدهای آن نیستند و چه بسا که ارج و قربشان نیز نزد دیگران از بین می رود؛ چه اینکه شخصیت آدمی زیر زبان وی پنهان است. افراد پرگو بسیار و با آب و تاب زیاد سخن می گویند، ولی حقیقت و صداقت در سخنانشان کمتر دیده می شود، آنها اگر سخن قابل عرضه و خوبی هم داشته باشند، معمولاً پذیرفته نمی شود. در مقابل، برخی از مردم پیش از آنکه سخنی بگویند، فکر می کنند یا با دیگران مشورت می کنند و در سخنانشان مطالب غیرمنطقی و غیرواقعی کمتر دیده می شود، به گونه ای که انسان می تواند سخنان آنها را با اطمینان خاطر بپذیرد و برای دیگران نقل کند. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

مَنْ كَثُرَ بَاطِلُهُ لَمْ يُسَبِّحْ حَقُّهُ. (۱)

هر کس سخن باطلش بسیار باشد، حرف حقش نیز پذیرفته نخواهد شد.

آن حضرت در سخن دیگر که شیعه و اهل سنت نقل کرده اند، می فرماید:

لَا تَتَكَلَّمْ بِمَا يُزِدِيكَ وَلَا مَا كَثِيرُهُ يُزِرِيكَ. (۲)

ص: ۱۳۳

۱- غررالحکم، ج ۱، ص ۳۹۱.

۲- کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۸۲.

سخنی مگو که کوچکت می کند و از سخن زیادی نیز که سبب خرده گیری بر تو می شود، مگو.

۵۵- اعتماد نکردن به دشمنان

دشمنان انسان از ترفندهای گوناگونی بهره می گیرند. گاهی با نقاب دوستی و دل سوزی، مکارانه، احساس هم دردی می کنند و انسان گرفتار دشمن فریب کار می شود. در این حال، دشمن از راه دوستی پیش می آید و چنین وانمود می کند که از دوستان خیرخواه اوست. انسان خوش باور ممکن است تحت تأثیر این برخورد به ظاهر دوستانه قرار گیرد و به او اعتماد کند و بسیاری از مسائل محرمانه خود را با او در میان بگذارد. در این صورت با مشکلاتی روبه رو خواهد شد و این کار زیان های جبران ناپذیری خواهد داشت. حضرت علی علیه السلام در هشدار حکیمانه می فرماید:

لا تَأْمَنُ عَدُوًّا وَإِنْ شَكَرَ. (۱)

به دشمن خود هرگز اعتماد نکن، اگر چه تشکر کند.

چنین دشمنانی از دیگر دشمنان خطرناک ترند، زیرا با مکر و حيله و دوست نمایی وارد شده اند. بنا بر نقل اهل سنت از آن حضرت:

أَكْبَرُ الْأَعْدَاءِ أَخْفَاهُمْ مَكِيدَةً. (۲)

ص: ۱۳۴

۱- غررالحکم، ج ۶، ص ۲۶۸.

۲- مطلوب کل طالب، ص ۲۳، کلمه ۴۴.

بزرگ ترین دشمن آن است که مکر و حيله اش مخفی تر است.

۵۶- عفو، بی بازگشت

عفو و گذشت از سیره معصومان علیهم السلام است. پیشوایان دینی جوان مردانه از خطای دیگران می گذشتند و هیچ گاه این بخشایش را به رویشان نمی آوردند، گویا فرد هرگز خطایی نکرده است. این خلاف مروّت است که ابتدا از خطای دیگران بگذریم و آن گاه دوباره از حرف خود بازگردیم. با این حال، گاهی به کسانی برمی خوریم که کسی را بخشوده، ولی پشیمان شده اند. این کار از جوان مردی به دور است و نشان می دهد که در حقیقت، چنین افرادی تنها تظاهر به گذشت می کردند. حضرت علی علیه السلام در کلامی که شیعه و اهل سنت نقل کرده اند می فرماید:

لَا تَنْدَمَنَّ عَلَى عَفْوٍ وَلَا تَبْهَجَنَّ بِعُقُوبِهِ. (۱)

هرگز از عفوئی که کرده ای، پشیمان مشو و از تنبیه و عقوبتی هم که کرده ای، شادمان مشو.

۵۷- نصیحت گریزی از دشمنان

نصیحت پذیری امری مطلوب و پسندیده است، ولی باید توجه داشت که هیچ گاه از دشمن که مصلحت انسان را نمی خواهد، انتظار نصیحت نداشت. افراد بسیاری بودند که از سر بی احتیاطی و بر اثر حسن نیت افراطی خود، به دام دشمن افتادند و هرگز نتوانستند نجات یابند. دشمنان با نقاب دوستی و خیرخواهی، آنان را گمراه می سازند، در حالی که اگر با دیده تردید

ص: ۱۳۵

به توصیه های آنان می نگریستند و شتاب زده به رهنمود آنان عمل نمی کردند، چنین پی آمدهای جبران ناپذیری متوجه آنان نمی شد. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

قَدْ جَهَلَ مِنَ اسْتَنْصَحَ أَعْدَائَهُ. (۱)

هر کس از دشمن خود انتظار نصیحت داشته باشد، گمراه است.

و در سخنی دیگر که اهل سنت روایت کرده اند، می فرماید:

اسْتِشَارَةُ الْأَعْدَاءِ مِنْ بَابِ الْخِذْلَانِ. (۲)

مشورت خواهی از دشمن سبب خواری است.

۵۸- سکوت

خردمندان در برابر کسانی که سخن ناروا می گویند، روی برمی گردانند و کریمانه از کنارشان می گذرند. برخی افراد سخنانی می گویند که ارزش پاسخ گفتن ندارد و صرف کردن وقت برای پاسخ دادن به آن، جز اتلاف وقت نتیجه دیگری ندارد و چه بسا انسان را از کارهای مهم زندگی نیز بازدارد. بنابراین، پاسخ گفتن به هر سخن، سنجیده نیست، بلکه باید به کلامی پاسخ داد که شایسته پاسخ گویی باشد. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

رُبَّ كَلَامٍ جَوَابُهُ السُّكُوتُ. (۳)

چه بسا سخنی که پاسخش سکوت است.

و از آنجا که گفته اند جواب ابلهان

ص: ۱۳۶

۱- همان، ج ۴، ص ۴۷۳.

۲- سجع الحمام، ص ۷۱.

۳- غررالحکم، ج ۴، ص ۶۴.

خاموشی است آن حضرت در سخن دیگر به روایت اهل سنت، نزدیک به همین سخن می فرماید:

إِنَّ مِنَ السُّكُوتِ مَا هُوَ أَبْلَغُ مِنَ الْجَوَابِ. (۱)

برخی از سکوت ها، از پاسخ گویی رساتر است.

۵۹- مسئولیت پذیری

انسان به برکت تکلیف و حس مسئولیت پذیری می تواند نردبان تعالی را پیماید. یکی از عرصه های مسئولیت پذیری جامعه است. تنها در پرتو احساس مسئولیت در برابر جامعه، رعایت حقوق دیگران معنا می یابد. بنابراین، هر کس باید به اندازه توان خود، پاسخ گوی مسئولیت ها باشد. در این میان، تناسب میان انسان و مسئولیتش سبب می شود که کارها به خوبی پیش رود و انسان در کارهایش با اعتماد به نفس و انگیزه و موفقیت بیشتری حرکت کند. اگر انسان به مسئولیتی متناسب با خود نپردازد و با شور و نشاط و انگیزه و وجدان کاری به مسئولیتش عمل نکند، در این صورت، هم فرد آسیب می بیند و هم نهادی که در آن کار می کند و جامعه دچار اختلال خواهد شد. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

كُنْ مَشْغُولًا بِمَا أَنْتَ عَنْهُ مَشْغُولٌ. (۲)

به آنچه نسبت به آن مسئولیت داری، مشغول باش.

و در سخن دیگر می فرماید:

لَا تَسْأَلْ عَمَّا لَمْ يَكُنْ فِيهِ الَّذِي قَدْ كَانَ لَكَ شُغْلٌ. (۳)

از آنچه بر عهده تو نیست، مپرس؛ زیرا همان چیزهای که هست، برای مشغول کردنت کافی است.

۶۰- نصیحت پذیری

بعضی افراد، نصیحت را با جان و دل

ص: ۱۳۷

۱- . سجع الحمام، ص ۱۱۸.

۲- . سجع الحمام، ص ۱۱۸.

۳- . کفایه الطالب، ص ۲۳۴.

می پذیرند و از پنددهنده نیز قدردانی می کنند، ولی عده ای نه تنها سپاس گزاری نمی کنند، بلکه در برابر پند و اندرز برمی آشوبند و اعتراض می کنند. این نوع برخورد برخاسته از خودخواهی و تکبر است و متکبر بر اثر غرور، در آتش نادانی خواهد سوخت و هیچ امیدی به اصلاح و هدایت چنین افرادی نیست؛ زیرا انعطاف پذیر نیستند. نرمش و انعطاف می تواند آثار خوبی داشته باشد که نمونه آن را در شربت اسکنجبین می توان یافت. آدمی اگر از خود لجاجت نشان دهد، هیچ وقت طعم هدایت و تربیت را نخواهد چشید. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

مَنْ خَالَفَ النَّصِيحَ هَلَكَ. (۱)

هر کس با نصیحت مخالفت کند، نابود خواهد شد.

از نظر آن حضرت، کسی اهل نجات است که پندپذیر باشد و بداند که:

مَنْ حَذَرَكَ كَمَنْ بَشَّرَكَ. (۲)

آن کسی که با پند، تو را از کاری باز می دارد، همانند آن کس است که به تو خبر خوش می دهد.

۶۱- پرهیز از پرسش مغرضانه

پرسش کردن ممکن است با انگیزه های مختلفی همراه باشد. گاهی برای اظهار فضل، گاهی کوچک شمردن طرف مقابل و رسوایی علمی او و زمانی هم برای اهداف دیگر. یکی از این اهداف، یادگیری است. پرسیدن اگر برای یادگیری باشد، بسیار پسندیده است؛ چون

ص: ۱۳۸

۱- . غررالحکم، ج ۵، ص ۱۵۳.

۲- . سجع الحمام، ص ۳۹۷.

در فرهنگ اسلامی نیز به آن سفارش شده است. در مقابل، پرسیدن اگر برای رسوا کردن و جاهل نشان دادن طرف مقابل باشد، کاری ناجوان مردانه و غیرانسانی است؛ زیرا این گونه پرسش ها تنها برای دگرآزاری است که اسلام آن را ناپسند می داند. حضرت علی علیه السلام بنا به نقل شیعه و اهل سنت می فرماید:

إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلْ تَفَقُّهَا وَلَا تَسْأَلْ تَعْتِنَا. (۱)

وقتی از کسی چیزی می پرسی، برای فهمیدن باشد، نه برای غرض ورزی.

۶۲- احترام به بزرگ سالان

کهن سالان در میان خاندانشان، بسان پیامبران در میان امت ها هستند. هیچ گاه نباید فراموش کنیم که وظیفه انتقال فرهنگ گذشتگان و نسل های گذشته به ما بر دوش بزرگ سالان است. در واقع آنان حامل تجربه گران قدر گذشتگان هستند. بنابراین، رواست که نسبت به آنها بی اعتنا نباشیم و آنان را گرامی بداریم؛ زیرا ناسپاسی و حرمت شکنی نسبت به آنان را نه خدا می پسندد و نه وجدان آگاه و فطرت آدمی. هیچ جوانی، کهن سالی را به خاطر پیری اش گرامی نمی دارد، جز آنکه هنگام پیری خودش، مورد لطف و محبت فرزندان خویش قرار می گیرد. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید:

وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ يُوقِّرُكُمْ صِغَارُكُمْ. (۲)

ص: ۱۳۹

۱- غررالحکم، ج ۳، ص ۱۸۱؛ سجع الحمام، ص ۲۱۳.

۲- غررالحکم، ج ۶، ص ۲۲۳.

بزرگ ترهائیتان را گرامی بدارید تا کوچک ترها شما را گرامی بدارند.

اگر کسی به چنین اخلاق و آدابی پای بند نباشد، سزای عملش را در همین دنیا نیز خواهد دید، چنان که آن حضرت در سخنی دیگر بنا بر نقل اهل سنت می فرماید:

أَذَا قَعَدْتَ وَ أَنْتَ صَغِيرٌ حَيْثُ تُحِبُّ قَعَدْتَ وَ أَنْتَ كَبِيرٌ حَيْثُ تَكْرَهُ. (۱)

اگر هنگام کوچکی، هر جا دلت خواست، نشستی (و آداب و احترام مجلسی و بزرگ تر را ننگه نداشتی)، هنگامی که بزرگ شدی، تو را در جایی می نشانند که برایت خوشایند نیست.

۶۳- خویشتن داری

خشم و غضب، قدرت تفکر و تعقل را از انسان می گیرد. روا نیست انسان در این حالت رفتاری انجام دهد یا تصمیمی بگیرد. چه بسیار کارهای ویرانگر یا سخن های ناروا در این حال از آدمی صادر می شود که پس از فروکش کردن خشم، خود را سرزنش می کند که ای کاش این کردار و گفتار را انجام نمی دادم. باید توجه داشت که همیشه ایام به کام انسان نیست و گاهی اوقات مسائلی پیش می آید که ناراحت کننده است. در این حال، باید با لختی درنگ و به کار بستن اندیشه، خود را کنترل کند. بدیهی است چنین تأملی موجب کاهش تحریک عصبی می شود و شخص خشمگین را از تصمیم گیری های آنی باز می دارد. حضرت علی علیه السلام درباره خویشتن داری فرموده است:

ص: ۱۴۰

الْحِلْمُ يُطْفِئُ نَارَ الْغَضَبِ وَالْحِدَّةُ تُوجِحُ إِحْرَاقَهُ. (۱)

خویشتن داری، آتش خشم را خاموش می کند و تندی، شعله های خشم را شعله ور می سازد.

در سخنی دیگر که شیعه و اهل سنت نقل کرده اند، می فرماید:

إِنْ لَمْ تُكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ قَلٌّ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْ شَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ. (۲)

اگر خویشتن دار نیستی، خود را به خویشتن داری وادار، زیرا کم هستند کسانی که خود را به گروهی شبیه سازند مگر اینکه امید می رود از آنان گردند.

۶۴- دوری از فریب کاران

شناخت افرادی که ظاهر و باطن آنها با هم متفاوت است، بسیار مشکل است؛ چون به راحتی نمی توان از انگیزه ها و نیت آنان باخبر شد. برای شناخت افراد، آگاهی و توجه بی سابقه آنان امری شایسته و لازم است. اعتماد کردن به سخن و ظاهر دیگران بدون دقت و واکاوی، پی آمدهایی دارد. بعضی از افراد، چهره خود را زیر نقاب دوستی و دل سوزی پنهان می کنند و از ترفندهای مختلف برای فریب دادن مردم سود می جویند. فریب کاران از راه نفاق و به شیوه های گوناگون، حسن ظن مردم را به خود جلب می کنند و آنها را تحت تأثیر قرار می دهند. مردم نیز به تصور اینکه آنها اشخاصی درخور اعتمادند، مال و مقدسات خود را به آنها می سپارند، ولی به یک باره

ص: ۱۴۱

۱- . غررالحکم، ج ۲، ص ۱۲۳.

۲- . کفایه الطالب، ص ۲۲۲.

متوجه می شوند که دچار زیان های جبران ناپذیری شده اند. اینان دزدانی اند که چهره پلید خود را زیر چتر نفاق و ریاکاری پنهان می کنند. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

الْمَكْوَرُ شَيْطَانٌ فِي صُورَةِ إِنْسَانٍ. (۱)

فریب کار، شیطانی است به صورت انسان.

آن حضرت در سخنی دیگر که اهل سنت نقل کرده اند یکی از راه های شناخت افراد فریب کار را چنین بیان کرده اند:

كَثْرَةُ الْوَفَاقِ نِفَاقٌ. (۲)

همراهی و موافقت بسیار نشانه نفاق است.

بنابراین هرگاه هر چیزی گفتی و طرف مقابل بدون تأمل و درنگ گفته هایت را تصدیق نمود معلوم می شود در پی فریب توست و به اصطلاح ریگی به کفش دارد.

۶۵- پرهیز از شوخی بی جا

شوخی بی جا، انسان را در میان مردم سبک می کند و از قدر و منزلتش می کاهد. تجربه نشان می دهد در بسیاری از اوقات، کسانی که زیاد شوخی می کنند، کارشان به جنگ و جدال می انجامد؛ زیرا همه افراد تحمل هر نوع شوخی را ندارند. پس گاهی شوخی ممکن است مایه خشم شان شده و کار به جاهای باریک بکشد. به طور کلی، زیاده روی در شوخی، ابهت انسان را در هم می شکند. اگر انسان بخواهد جایگاه اجتماعی خود را حفظ کند، باید از شوخی بی جا پرهیزد. همچنین

ص: ۱۴۲

۱- غررالحکم، ج ۱، ص ۳۸۱.

۲- مطلوب کل طالب، ص ۳۳، کلمه ۶۸.

در شوخی نباید از وسایل نامشروعی چون دروغ، تحقیر، تمسخر، افترا، غیبت و مانند آن بهره گرفت. البته اخلاق خوش، زبان شیرین، برخورد مناسب و شاد کردن مؤمنان در اسلام پسندیده است، ولی آزار و استهزای دیگران، ناپسند است و ناراحتی های فردی و اجتماعی را در پی دارد. مولای موحدان بنا به نقل شیعه و اهل سنت می فرماید:

مَا مَزَحَ امْرُؤٌ مَزَحَهُ إِلَّا مَجَّ مِنْ عَقْلِهِ مَجَّةً. (۱)

هیچ کس شوخی بی جا نکند جز آنکه مقداری از عقل خویش را از دست بدهد.

۶۶- دوری از تهمت

در قرآن و آموزه های پیشوایان دین، پیروی از ظن و گمان و سوء ظن داشتن نسبت به دیگران نکوهش شده است.

چنان که علی علیه السلام بنا بر نقل اهل سنت می فرماید:

سُوءُ الظَّنِّ يَدْوِي الْقُلُوبَ وَيَتَّهَمُ الْمَأْمُونِ وَيُوحِشُ الْمُسْتَأْنَسَ وَيُغَيِّرُ مَوَدَّةَ الْأَخْوَانِ. (۲)

بدگمانی، قلب ها را رنجور و معتمدان را بی اعتبار، دوستان را پراکنده و دوستی برادران را به دشمنی تبدیل می کند.

انسان نباید با آبروی دیگران بازی کند و بی جهت به دیگران اتهام بزند. از نظر مذهب و وجدان انسانی، متهم کردن افراد به کار خلاف، ناپسند است. آدمی تا دلیل صددرصد یقینی نداشته باشد، نباید دیگران

ص: ۱۴۳

۱- . صبحی صالح، شرح نهج البلاغه، کلمات ۴۵۰؛ غررالحکم، ج ۶، ص ۸۵؛ سجع الحمام، ص ۳۶۹.

۲- . سجع الحمام، ص ۲۱۵.

را به کار ناپسندی متهم کند. هر کس که می خواهد دیگری را به گناهی متهم کند، اگر لحظه ای فکر کند و خود را به جای او بگذارد، کمتر جرئت خواهد کرد به چنین کاری دست بزند. چه بسا آنچه به دیگران نسبت می دهد، در آنها وجود نداشته باشد و آبروی دیگران بی جهت بریزد. هیچ گاه نمی توان «شنیده ها» را مانند «دیده ها» انگاشت و به زبان آورد و مایه ریختن آبروی دیگران شد. باید دانست که آبروی رفته هیچ گاه به راحتی باز نمی گردد. انسان سال ها تلاش می کند و نیکوکاری می کند تا نزد دیگران، محبوب شمرده می شود. آن گاه شخصی با تهمت زدن به او تمام حیثیتش او را زیر سؤال می برد. به راستی، حیثیت از دست رفته را چگونه می توان احیا کرد؟ از این رو، امیرمؤمنان علی علیه السلامی فرماید:

لَا قِبَحَ كَالْبُهْتِ (۱)

هیچ بی شرمی، همچون بهتان زدن نیست.

۶۷- عهد و پیمان

از نظر اسلام، پیمان شکنی از ناپسندترین کارهاست. از این رو، خداوند از مسلمانان می خواهد که در صورت پیمان بستن با دوست و دشمن، بدان پای بند باشند و تا زمانی که آنان نقض عهد نکرده اند، در شکستن عهدها پیش قدم نباشند. باید دانست که یکی از صفات مؤمنان حقیقی آن است که به وعده های خود وفا می کنند. کسانی که به

ص: ۱۴۴

۱- غررالحکم، ج ۶، ص ۳۴۹.

عهد خود پای بند نیستند، به تدریج، اعتبار خود را در میان مردم از دست می دهند. در حقیقت، احترام به پیمان، احترام به شخصیت دیگران است و پیمان شکنی نشانه نوعی بی نظمی و بی انضباطی در زندگی است. انسان باید به وعده خود وفا کند؛ زیرا وفای به عهد از نشانه های ایمان است. امام علی علیه السلام بنا بر نقل شیعه و اهل سنت درباره وفای به عهد می فرماید:

إِعْتَصِمُوا بِالذَّمِّ فِي أَوْتَادِهَا. (۱)

در پیمان ها به وفا کنندگان پناه ببرید.

۶۸- زیاده گویی

کم گویی و گزیده گویی نشانه حکمت است. زیاده روی در هر کاری ناپسند است و در سخن گفتن محسوس تر است. انسان های زیاده گو به تدریج موقعیت و اعتبار خود را از دست می دهند و این کار سبب می شود اطرافیان از او فاصله بگیرند. البته انسان ها همیشه به هم صحبت نیاز دارند و باید با سخن گفتن به آرامش برسند. قدرت بیان، نعمت ارزشمندی است که خداوند آن را در میان موجودات به اشرف مخلوقات عنایت فرموده است. در پرتو سخنان آموزنده، انتقال تجربه صورت می گیرد. هنگام صحبت کردن با دیگران تلاش کنید، گفتارتان ملال آور نباشد. از تکرار مطالب پرهیزید و طرف مقابل را مجبور به شنیدن سخنانتان نکنید. هیچ گاه جانب اعتدال را از دست ندهید و به اندازه و آرام سخن بگویید تا

ص: ۱۴۵

برای دیگران نیز لذت بخش و شادی آفرین باشد. این کار پایه های دوستی و هم نشینی را تحکیم می کند. حضرت علی علیه السلام در سخنی آموزنده می فرماید:

كَثْرَةُ الْكَلَامِ يُمِلُّ الْإِخْوَانَ. (۱)

زیاده گویی، دوستان را خسته می کند.

از این رو، بهتر است یا انسان کم گویی کند و اگر سخن نیک نمی تواند بگوید، سکوت کند که حضرت در کلامی دیگر که اهل سنت و شیعه نقل کرده اند، می فرماید:

الْصُّمْتُ خَيْرٌ مِنَ الْكَلَامِ فِي غَيْرِ مَنْفَعَةٍ. (۲)

سکوت نیکوتر است از سخنی که در آن سودی نیست.

۶۹- احترام به پدر و مادر

فرزند باید بداند که مادر او را به دنیا آورده، پرورش داده و از شیر جانش به او غذا داده است. مادر هرگونه ناگواری و غم و غصه را به جان خریده است تا فرزندش سالم بماند. همچنین باید بداند پدر، ریشه و اصل اوست و درحقیقت، کمال و شایستگی و موفقیت هایش را از وجود او بداند. در قاموس زندگی انسان، کلمه ای مقدس تر از واژه پدر و مادر نیست. آنها سالیان دراز همه زندگی خود را با صفا و اخلاص به پای فرزندانشان نثار کرده اند تا در این زندگی پرتلاطم، طعم تلخ درد و رنج را نچشند و از لذت های حلال زندگی بهره مند شوند. از هنگامی که فرزندان چشم به جهان می گشایند تا وقتی که بالغ و مستقل می شوند، پدر

ص: ۱۴۶

۱- غررالحکم.

۲- کثر العمال، ج ۱۶، ص ۱۷۶.

و مادر هر روز با دلی نگران و چشمانی مضطرب مراقب آنهاست تا مبادا حادثه تلخی برای آنان روی دهد و غبار غم بر چهره شان بنشیند. آیا سزاوار نیست فرزندان نیز در مقابل آنان سر تعظیم فرود آورند؟

در قرآن کریم، پس از اعتقاد به یگانگی خداوند، نیکی به پدر و مادر از مسلمانان خواسته شده است. در فرهنگ اسلامی، هیچ فرزندی حق ندارد حتی با کلمه ای مانند «اف» که نشانه بی‌اعتنایی به والدین است، آنان را برنجاند. (۱) فرزند باید پیروی و اطاعت از والدین را سرلوحه زندگی اش قرار دهد و اسباب خشنودی و رضای آن دو را فراهم آورد. حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرماید:

... فَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ أَنْ يُطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ. (۲)

حق پدر بر فرزند این است که فرزند از وی در هر کاری به جز نافرمانی خدای عزیز فرمان ببرد.

در سخنی دیگر که شیعه و اهل سنت روایت کرده‌اند، می‌فرماید:

بِرُّ الْوَالِدَيْنِ مِنْ أَكْرَمِ الطَّبَائِعِ. (۳)

نیکی به پدر و مادر از کریمانه‌ترین طبیعت‌هاست.

۷۰- خوش حالی از شکست دیگران

شایسته نیست که انسان از شکست دیگران خشنود شود. حتی اگر با دیگری اختلاف دارد، نباید از شکست و گرفتاری آنان اظهار رضایت کند؛ انسان مؤمن حتی برای نجات جان مخالفان خود، جانش را به خطر

ص: ۱۴۷

۱- . نساء: ۳۶؛ اسراء: ۲۳.

۲- . نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۴۰۷.

۳- . دستور معالم الحکم، ص ۶۸.

می اندازد. او نه تنها از سقوط مخالفان دل شاد نمی شود، بلکه برعکس به کمک آنها نیز می شتابد. شایسته نیست در دنیایی که هیچ کس از فردای خویش باخبر نیست، از فرو افتادن و شکست خوردن دیگران مغرور و شادمان شود. حضرت علی علیه السلام بنا بر نقل شیعه و اهل سنت می فرماید:

لَا تَفْرَحَنَّ بِسَقْطِهِ غَيْرِكَ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يُحْدِثُ بِكَ الزَّمَانُ. (۱)

از زمین خوردن کسی خوش حال مباش؛ زیرا نمی دانی روزگار چه بر سرت خواهد آورد.

بدگمانی

انسانی که از تعادل روحی و روانی برخوردار است، نسبت به دیگران بدبینی و خوش بینی افراطی ندارد، بلکه با دیگران آن گونه که هستند، برخورد می کند. در مقابل، برخی از مردم به بیماری بدگمانی دچارند، به گونه ای که با بدگمانی به همه چیز می نگرند. این افراد حتی گاهی به نزدیک ترین اعضای خانواده خود نیز بدگمان هستند و به بهانه های بیهوده با دیگران درگیر می شوند. نقطه مقابل این امر، خوش بینی بیش از اندازه است که آن هم درست نیست و شاید زیان های ناشی از آن از زیان بدبینی کمتر نباشد. انسان متعادل باید افزون بر پرهیز از بدبینی افراطی، مراقب زیان های خوش بینی زیاد هم باشد. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

مَنْ لَمْ يَحْسُنْ ظَنَّهُ اسْتَوْحَشَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ. (۲)

هر کس که گمانش نیکو نباشد [بدگمان باشد]، از همه کس هراس دارد.

حضرت در کلامی دیگر که شیعه و اهل سنت نقل کرده اند، می فرماید:

قَارِنِ أَهْلَ الْخَيْرِ تَكُنْ مِنْهُمْ وَبَايِنِ أَهْلِ الشَّرِّ تَبَيَّنْ مِنْهُمْ وَلَا تَغْلِبَنَّ عَلَيْكَ سُوءُ الظَّنِّ. (۳)

به نیکوکاران نزدیک شو تا از آنان گردی و از بدکاران دور شو تا از آنان جدا گردی، ولی درباره دیگران بدگمانی بر تو چیره نشود.

ص: ۱۴۸

۱- غررالحکم، ج ۶، ص ۲۹۰؛ سجع الحمام، ص ۳۰۸.

۲- غررالحکم، ج ۶، ص ۲۹۰.

۳- کتذالعمال، ج ۱۶، ص ۱۷۷؛ نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۷۱- خوش رفتاری در خانه

یکی از سجایای نیک اخلاقی، حسن خلق و خوش رفتاری، در محیط خانه با افراد خانواده است. اگر برخورد کریمانه و فروتنانه با دیگران نیک و شایسته است؛ در محیط خانه و در برابر زن و فرزند مطلوب تر است. متأسفانه برخی افراد، تا هنگامی که در بیرون از خانه هستند، با خوشی و خوش رویی با دیگران و رفیقان برخورد می کنند، ولی وقتی به خانه می آیند، تمام خستگی ها و مشکلات بیرون از خانه را با خود به خانه می آورند و در برخورد با افراد خانواده با عصبانیت و ترش رویی و بدخلقی برخورد می کنند. آنان برای کارهای بسیار بی اهمیت و کوچک، بهانه جویی می کنند و به همه ناسزا می گویند. گویی این افراد اخلاق و ادب را تنها در محیط بیرون از خانه می خواهند. این افراد آن گونه که باید و شاید، به زیور اخلاق آراسته نشده اند. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

عَلَيْكَ بِلُزُومِ الْحَلَالِ وَ حُسْنِ الْبِرِّ بِالْعِيَالِ (۱)

بر تو باد دوری از حرام و نیکی نسبت به خانواده.

در سخنی دیگر که اهل سنت نقل کرده اند، می فرماید:

لَا يَكُنْ أَهْلَكَ أَشَقَى النَّاسِ بِكَ (۲)

نباید خانواده ات بدبخت ترین مردم برایت باشند.

۷۲- شرم بی جا

حیا از ویژگی های اخلاقی اهل ایمان و عاملی برای دور نگه داشتن آدمی از آتش دوزخ به شمار می رود. بنابراین، باید تا آنجا که می توانیم، خود را به زیور حیا آراسته سازیم. گاهی اوقات انسان در موقعیتی قرار می گیرد که باید از حقوق خود دفاع کند یا با دادن تذکری، دیگران را از کارهای ناشایست بازدارد. با این حال، توانایی این کار را ندارد و آن را به حساب شرم و حیای خود می گذارد، در حالی که حیا با شرم بی جا تفاوت دارد. شرم بی جا، نشانه ضعف روح است و حیا، نشانه بزرگی و عظمت روح و این دو هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند. بنابراین، کسی که از مردم شرم می کند و بر اثر آن از حقوق مشروع خود محروم می ماند، باید این کار را به حساب ناتوانی بگذارد، نه حیا. امام علی علیه السلامی فرماید:

مَنْ اشْتَحَى مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ فَهُوَ أَحْمَقُ (۳)

ص: ۱۴۹

۱- غررالحکم، ج ۴، ص ۲۹۴.

۲- سجع الحمام، ص ۲۳۹.

۳- غررالحکم، ج ۵، ص ۳۳۹.

هر کس از گفتن حق شرم ورزد، احمق است.

حضرت در سخنی بنا بر نقل اهل سنت می فرماید:

آفَةُ الْحَيَاءِ الضَّعْفُ. (۱)

آفت حیا، ناتوانی است.

۷۳- آرزوی مرگ دیگران

ممکن است انسان در زندگی اجتماعی با دیگران اختلاف پیدا کند و گاهی زیان های جسمی یا مالی نیز متوجه او شود. بعضی ها وقتی با کسی اختلاف پیدا می کنند، برای آنکه عقده دل خود را خالی کنند، برای دیگری آرزوی مرگ می کنند و او را مورد لعن و نفرین قرار می دهند که عادت بسیار زشتی است. این افراد دارای روحیه انتقام جویی اند، تا اندازه ای که حاضرند برای شادی خود، جان و مال دیگران نابود شود. این در حالی است که انسان مؤمن هرگز حاضر نیست شاهد مرگ و نابودی دیگران باشد. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

شَرُّ النَّاسِ مَنْ يَبْتَغِي الْغَوَائِلَ لِلنَّاسِ. (۲)

بدترین مردم کسی است که برای مردم آرزوی مرگ و گرفتاری کند.

در کلامی دیگر که شیعه و اهل سنت از آن حضرت روایت کرده اند، می فرماید:

أَحَبُّ لِلنَّاسِ الْخَيْرُ فَإِنَّ هَذِهِ مِنْ أَخْلَاقِ الرَّفِيعَةِ. (۳)

نیکی و خوبی را برای مردم دوست بدار که چنین خلقی از برترین اخلاق هاست.

۷۴- شرکت در نشست های علمی

دانش در دین مقدس اسلام جایگاه والایی دارد. یکی از مواردی که می تواند دانش انسان را افزون کند، شرکت در نشست های علمی است. در این گونه نشست ها به یقین، حاضران از برکت علمی و معنوی بی بهره نمی مانند. به راستی، حیف نیست که انسان در این محافل آموزنده شرکت نکند و به فیض دانش اندوزی دست نیابد؟ بکوشیم تا

ص: ۱۵۰

۱- . کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۰۶.

۲- . غررالحکم، ج ۴، ص ۱۷۶.

۳- . کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۷۸.

می‌توانیم از این گونه نشست‌ها بهره‌مند شویم. چه بسا نشست‌های علمی گران‌سنگی که به دلیل استقبال نکردن افراد، به تعطیلی کشیده شده و آن گونه که باید و شاید، از آنها استفاده نشده است. حضرت علی علیه‌السلامی فرماید:

مَجَالِسُ الْعِلْمِ غَنِيمَةٌ. (۱)

شرکت در نشست‌های علمی را باید غنیمت شمرد.

به همین جهت، آن حضرت، مردم را به پرسش فراخوانده است و می‌فرماید:

الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمِفْتَاحُهَا السُّؤَالُ فَاسْأَلُوا يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ يُؤْجِرُ أَرْبَعَةَ السَّائِلِ وَالْمُعَلِّمُ وَالْمُسْتَمِعُ وَالسَّامِعُ وَالْمُحِبُّ لَهُمْ. (۲)

علم، رازی است که کلید آن، پرسش است. پس پرسش کنید. رحمت خدا بر شما باد، زیرا در پرسش کردن، چهار کس پاداش می‌برد؛ پرسنده، معلم، شنونده و کسی که به کوشش برسد و آنان را دوست داشته باشد.

۷۵- نشر دانش

اگر دانش مفید و سودمند ترویج نشود و به دیگران منتقل نشود، سودی نخواهد داشت و جامعه از آن بهره‌ای نخواهد برد. عالمان وظیفه دارند آنچه را می‌دانند، به دیگران هم برسانند، همچنان که خود زمانی هیچ نمی‌دانستند و از دیگران دانش آموخته‌اند. در آموزه‌های اسلامی، زکات دانش، نشر و انتقال آن به دیگران دانسته شده است. بنابراین، وظیفه هر دانایی است که آموخته‌های خود را به دیگران بیاموزد. حضرت علی علیه‌السلامی فرماید:

زَكَاهُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ. (۳)

زکات دانش، منتشر کردن آن است.

و چنین کاری نه تنها از علم نمی‌کاهد بلکه حضرت در کلامی دیگر که شیعه و اهل سنت نقل نموده‌اند می‌فرماید:

الْعِلْمُ يَزُكُّوْا عَلَى الْعَمَلِ وَالْأَمْلاَكُ تَنْقُصُهُ النَّفَقَةُ. (۴)

ص: ۱۵۱

۱- . غرر الحکم، ج ۶، ص ۱۲۶.

۲- . کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۳۰.

۳- . غرر الحکم، ج ۴، ص ۱۰۴.

۴- . کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۶۳.

علم با عمل و آموختن به دیگران خالص تر می شود ولی خرج نمودن مال آن را کم می نماید.

۷۶- تعلیم و تعلم

هر انسانی وظیفه دارد تا آنجا که می تواند، بیاموزد و دیگران را نیز از دانش خود بهره مند کند. هیچ کس نباید با بهانه گیری از زیر بار این مسئولیت بزرگ شانه خالی کند. بی اعتنایی نسبت به آموزش دیگران مانند بی اعتنایی در برابر مردم گرسنه ای است که به نان نیاز دارند. چه زشت است که از دانایی آموختن چیزی را بخواهند و او فرصت کافی داشته باشد و کاری نکنند. اگر دانش در وجود آدمی را کد بماند و به مانند چشمه ای جوشان سرریز نکنند، به تدریج، خاصیت خود را از دست می دهد. همچنین اگر عالم علوم خود را به دیگران ارائه نکند تا راست آزمایی شود، چه بسا در جهل مرکب گرفتار آید. دانش، میراث ماندگار جامعه بشری است که در طول زمان ها دست به دست شده تا به شکوفایی و اوج خود رسیده است. اگر هر کسی دانش خود را به صندوق قبرها منتقل می کرد، امروز این همه پیشرفت و تکامل مادی و معنوی ایجاد نمی شد. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

عَلَى الْعَالِمِ أَنْ يَتَعَلَّمَ مَا لَمْ يَعْلَمْ وَيُعَلِّمَ النَّاسَ مَا قَدْ عَلِمَ. (۱)

بر داناست تا آنچه را نمی داند، بیاموزد و آنچه را می داند، به مردم یاد دهد.

در سخنی دیگر که اهل سنت آن را نقل کرده اند، می فرماید:

مَا أَخَذَ اللَّهُ مَعَالَى أَهْلِ الْجَهْلِ أَنْ يَتَعَلَّمُوا حَتَّى أَخَذَ عَلَى أَهْلِ الْعِلْمِ أَنْ يُعَلِّمُوا. (۲)

خداوند از جاهلان پیمان نگرفت تا بیاموزند مگر آنکه از دانشمندان پیمان گرفت تا به دیگران یاد دهند.

ص: ۱۵۲

۱- . غررالحکم، ص ۳۱۵.

۲- . سجع الحمام، ص ۳۵۷.

۷۷- شنونده خوب

دانش جویی، همتی بلند و انگیزه ای والا می خواهد. همه نمی توانند دانشمند باشند، ولی می توان شنونده خوبی بود و در کنار سفره دانش، نشست و از آن بهره برد و به دیگران هم منتقل کرد. این امکان برای بیشتر مردم وجود دارد که گفتار دانشمندان را بشنوند و میزان آگاهی خود را بالا ببرند و به تدریج، در شمار دانایان در آیند؛ چون اسلام، دانش اندوزی را فریضه می شمارد. بنابراین، همگان باید در آموختن دانش بکوشند و هر روز بر دانش خود بیفزایند. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

إِذَا لَمْ تَكُنْ عَالِمًا نَاطِقًا فَكُنْ مُسْتَمِعًا وَاعِيًا. (۱)

وقتی دانشمند گوینده نیستی، دست کم شنونده نگاه دار باش.

در سخنی دیگر که شیعه و اهل سنت نقل کرده اند، می فرماید:

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَهُ فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا النَّاسُ ثَلَاثَةٌ عَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاهِ وَ هِمَجٌ رِعَاعٌ. (۲)

این دل ها، ظرف است و بهترین دل آن است که ظرفیتش بیشتر باشد. مردم بر سه گونه اند: عالمان ربانی، دانش طلبانی که در راه نجات گام برمی دارند و احمقان بی سر و پا.

۷۸- بخشش در تنگ دستی

بخشش در زندگی ارزش والایی دارد. این صفت نیک زمانی ارزشمندتر است که انسان با وجود تنگ دستی هم سخاوتمند باشد. در این حال، سخاوتمند به مرحله ای از ایثار و

ص: ۱۵۳

۱- . غررالحکم، ج ۳، ص ۱۴۵.

۲- . کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۶۳.

جوان مردی می رسد که با وجود تنگناهای زندگی حاضر نیست از این خصلت بزرگ دست بردارد. چنین انسان هایی دارای روحی بزرگ و همتی والایند و این کارشان ستودنی است. آدمی به بهانه اینکه مال آن چنانی برای احسان ندارد، شایسته نیست خود را از این کار خیر محروم کند. به یقین، کسی که مال اندکی دارد و با سخاوتمندی آن را در راه خداوند انفاق می کند، از پاداش والایی برخوردار خواهد بود. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

مَا أَحْسَنَ الْجُودَ مَعَ الْأَعْسَارِ. (۱)

چه نیکوست بخشش در حال تنگ دستی.

در سخنی دیگر که اهل سنت نقل کرده اند، می فرماید:

مِنْ أَفْضَلِ أَعْمَالِ الْبِرِّ الْجُودُ مَعَ الْعُسْرِ. (۲)

برترین کارهای نیک، بخشش به هنگام تندرستی است.

۷۹- نصیحت پنهانی

معمولاً رعایت حال دیگران و تذکر پنهانی برای اصلاح رفتار، در سازندگی افراد اثر بیشتری دارد. اگر پیش روی دیگران به گوشزد کردن عیب های اطرافیان پردازیم، سبب جبهه گیری و لجاجت آنان خواهد شد. اگر این تذکر با رعایت همه جنبه ها صورت بگیرد، راهی به سوی هدایت او خواهد بود. همه می دانیم که حیات هر جامعه در پرتو امر به معروف و نهی از منکر است. بی تردید، امر به معروف و نهی از منکر، موضوع مهم و سازنده اجتماعی است که

اگر به

ص: ۱۵۴

۱- غرر الحکم، ج ۶، ص ۶۷.

۲- سجع الحمام، ص ۴۲۳.

صورت درست اجرا شود، نقش مهمی در اصلاح جامعه و جلوگیری از فساد خواهد داشت. اجرای این آموزه اسلامی هنگامی بیشترین اثر و سود را دارد که با متانت و اخلاق اسلامی همراه باشد. باید کوشید تا احساسات و غرور دیگران جریحه دار نشود و نصیحت تا آنجا که ممکن است، مؤدبانه و انسانی باشد و به صورت پنهانی صورت گیرد تا موجب شرمندگی دیگران نشود. حضرت علی علیه السلام بنا بر نقل شیعه و اهل سنت می فرماید:

نُصْحُكَ بَيْنَ الْمَلَأِ تَقْرِيعٌ. (۱)

نصیحت کردن آشکار، سرزنش است.

۸۰- بازگو نکردن همه دانسته ها

قرار نیست هر چه شنیده ایم یا هر آنچه را می دانیم، بی درنگ برای دیگران بازگو کنیم. چه بسا بازگو کردن سخنانی به آشوب و بلوای اجتماعی یا ضررهای شخصی بیانجامد. برخی از مردم عادت کرده اند که هر چه می دانند یا از کسانی شنیده اند، برای دیگران بازگو کنند، در حالی که این عادت خوبی نیست. چه خوب است انسان هر چه می داند، به دیگران نگوید و درباره آن بیندیشد تا پشیمان نشود. انسان مدبر و معقول، کسی است که جز به ضرورت، لب به سخن نمی گشاید. گاهی سخن آن قدر ارزشمند است که نباید آن را پیش هر کسی بازگو کرد و گاهی مخاطب، ظرفیت شنیدن آن سخن را ندارد. زمانی نیز ممکن است، مخاطب از گفتارمان برداشت نادرست کند که در همه

ص: ۱۵۵

۱- غررالحکم، ص ۱۷۲؛ مطلوب کل طالب، ص ۲۰، کلمه ۳۷.

این حالت ها، خاموشی، خردمندی به شمار می آید. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

لا تَتَكَلَّمُ بِكُلِّ مَا تَعْلَمُ. (۱)

هر آنچه می دانی، بازگو مکن.

در سخنی دیگر به نقل اهل سنت می فرماید:

لا تُقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ. (۲)

هر آنچه می دانی، نگو.

۸۱- پرهیز از سوگند بسیار

انسان نباید برای اثبات مدعای خود در گرفتاری های زندگی، نام مقدس خدا را وجه المصالحه قرار دهد. مایه تأسف است که بعضی ها عادت کرده اند برای هر کاری هر چند ناچیز و بی اهمیت، سوگند بخورند. آنها با این کار می خواهند اطمینان طرف مقابل را جلب کنند، در حالی که سوگند خوردن، نه تنها هیچ اعتمادی ایجاد نمی کند، بلکه برعکس، سبب بدگمان شدن طرف مقابل هم خواهد شد. شنونده با خود می گوید اگر واقعا راست می گوید، چه نیازی به سوگند خوردن دارد. به همین دلیل، هر چه بیشتر سوگند بخورد، نسبت به وی بی اعتمادتر می شود. زیاد سوگند خوردن، انسان را به دام گناه می افکند. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

لا تُعَوِّذُ نَفْسَكَ الْيَمِينَ فَإِنَّ الْخَلَّافَ لَا يَسْلَمُ مِنَ الْإِثْمِ. (۳)

به سوگند خوردن، عادت نکن؛ چون هر کس زیاد

ص: ۱۵۶

۱- غررالحکم، ص ۱۷۲.

۲- سجع الحمام، ص ۳۱۰.

۳- غررالحکم، ج ۶، ص ۲۹۳.

سوگند بخورد، از افتادن به دام گناه، ایمن نیست.

در سخنی دیگر به نقل اهل سنت می فرماید:

دَعِ الْيَمِينَ لِلَّهِ إِجْلَالًا وَ لِلنَّاسِ إِجْمَالًا (۱).

قسم خوردن را واگذار تا خدا را بزرگ داشته باش و نزد مردم نیز زیبا جلوه کنی.

۸۲- بالاترین عیب

بی شک، هر انسانی کم و بیش عیب هایی دارد. برخی عیب های خود را می بینند و امیدوارند که آنها را به تدریج برطرف کنند و برخی دیگر نه تنها عیب شان را نمی بینند، بلکه با تقدیس خود، عیب شان را به دیگران نسبت می دهند. این کار از دو جهت آفت زاست. اول اینکه وقتی به وجود عیب در خویش معترف نباشیم، چگونه می توانیم در پی اصلاح آن برآییم. پس از این نظر، آن عیب همواره با ما خواهد بود. دیگر اینکه با فرافکنی، دیگران را به عیبی متهم می کنیم که هرگز در آنان نیست و تنها به پندار خود به آنان نسبت ناروا داده ایم. امام علی علیه السلام می فرماید:

أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ غَيْرَكَ بِمَا هُوَ فِيكَ.

بزرگ ترین عیب این است که عیبی را که در تو هست، به دیگران نسبت دهی.

میانہ روی در ستایش و نکوہش دیگران

میانہ روی، روزنی به سوی داوری حکیمانہ و واقع نمایی است. چہ خوب است انسان ہموارہ راہ اعتدال در پیش گیرد و در ہیچ چیز زیادہ روی نکند. متأسفانہ بسیاری از مردم در ہمہ کارها بہ ویژہ در ستایش و نکوہش

ص: ۱۵۷

افراد، افراط و تفریط می کنند. حب و بغض در داوری انسان به شدت اثر می گذارد. از این رو، بسیاری از عیب های دوستان را نمی بینند و برعکس، در بزرگ نمایی عیب های دشمنان افراط می ورزند. با این پیش داوری، اگر به کسی علاقه مندند، چنان از او تعریف می کنند که گویی بهترین انسان روی زمین است و درباره مخالفانشان به قدری بدگویی می کنند که انسان تصور می کند همه بدی ها در آنها جمع شده است. حضرت علی علیه السلام چنین حالتی را ناپسند می داند:

أَكْبَرُ الْحُمُقِ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالذَّمِّ. (۱)

بزرگ ترین حماقت، زیاده روی در ستایش و نکوهش است.

در سخنی دیگر که اهل سنت روایت کرده اند، به کسانی که در ستایش دیگران زیاده روی می کنند، چنین هشدار داده است و می فرماید:

إِذَا رَفَعْتَ أَحَدًا فَوْقَ قَدْرِهِ فَتَوَقَّعْ مِنْهُ أَنْ يَحُطَّ مِنْكَ بِقَدْرِ مَا رَفَعْتَ مِنْهُ. (۲)

هنگامی که کسی را زیاده تر از استحقاقش بالا بردی، از چنین کاری انتظار داشته باش که به همان اندازه از منزلت کاسته شود.

۸۳- تکیه نکردن به بدکاران

عزت واقعی تنها با پناه بردن به خداوند فناپذیر به دست می آید. از این رو، کسانی که در پی عزت هستند، در فکرشان نمی گنجد که به باطل پناه ببرند؛ چون باطل، کف

ص: ۱۵۸

۱- .غررالحکم، ج ۲، ص ۳۹۶.

۲- .سجع الحمام، ص ۵۸.

روی آب است که عمری بس کوتاه دارد. در مقابل، کسانی که روحیه ای ضعیف و ایمان و اعتقادی متزلزل دارند، تلاش می کنند به قدرت های مادی تکیه کنند. این تکیه گاه ها نه تنها پشتوانه ای قوی برای آنها به شمار نمی آیند، بلکه موجب سقوط هرچه بیشتر آنها خواهند شد. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

مَنْ لَجَأَ إِلَى الْبَاطِلِ لَا يَعْزُ (۱).

پناه برنده به باطل عزت نخواهد یافت.

در سخنی دیگر که اهل سنت روایت کرده اند، می فرماید:

الْحَقُّ يُنَجِّي وَ الْبَاطِلُ يُزِدِي (۲).

حق نجات می بخشد، ولی باطل هلاک می کند.

۸۴- پرهیز از کینه جویی

کینه و کدورت پیش از اینکه به دیگران ضربه بزند، روح و روان خود کینه جو را بیمار می سازد. افراد کینه جو فرصت های گران بهای عمر را در فکر نقشه و توطئه علیه دیگران می گذرانند و از فرصت های طلایی تکامل باز می مانند. ممکن است بعضی ها با هم کدورت ها و اختلاف هایی داشته باشند و کارشان به مشاجره و بالاتر از آن هم کشیده باشد و کینه هم را به دل گرفته باشند، ولی باید جوان مردانه تصمیم گرفت و عفو و پوزش را جای گزین کینه ها و کدورت ها کرد. به یقین، برداشتن این گام مثبت، آثار بسیار شیرین و لذت بخشی خواهد

ص: ۱۵۹

۱- غررالحکم، ج ۶، ص ۳۹۰.

۲- سجع الحمام، ص ۱۷۳.

داشت. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

طُوبَى لِمَنْ خَلَّى مِنَ الْغُلِّ صَدْرَهُ. (۱)

خوشا به حال کسی که سینه اش را از کینه خالی کند.

در سخنی دیگر که شیعه و اهل سنت روایت کرده اند، می فرماید:

أَتَقِ صَدْرَكَ مِنَ الْغِلِّ تَسْلِيمًا. (۲)

سینه ات را از کینه خالی کن تا سالم بمانی.

۸۵- عدالت خواهی

حضرت علی علیه السلام، عدل را رستگاری، کرامت، برترین فضایل و بالاترین موهبت الهی می داند و می فرماید خداوند پیامرزد کسی را که حتی ببیند و یاری کند یا ستمی را ببیند و آن را بازگرداند. (۳) مبارزه با ستم، روش های متعددی دارد. یکی از راه های مبارزه با ستم، این است که انسان با عملکرد عادلانه خود، ستم کاران را پیش مردم منزوی سازد. شکی نیست که وقتی شما در برابر ستم کاری های ستمگران با مردم رفتار عادلانه داشته باشید، خودبه خود با آنان به ستیز ایستاده اید. این کار، توجه و غیرت مردم و خشمشان را نسبت به ستمگران برمی انگیزاند و پایه های ستم را سست می کند. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

ضَادُّوا الْجَوْرَ بِالْعَدْلِ. (۴)

ص: ۱۶۰

۱- غررالحکم، ج ۴، ص ۲۳۹.

۲- کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۸۰.

۳- نهج البلاغه، ترجمه: سیدجعفر شهیدی، خطبه ۲۰۵، ص ۲۴۰.

۴- غررالحکم، ج ۴، ص ۲۳۲.

به یاری عدالت، با ستم مبارزه کنید.

فایده دیگر چنین کاری، محبوبیت نزد خداوند است، چنان که اهل سنت از آن حضرت روایت کرده اند، که فرمود:

لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ عَدْلِ إِمَامٍ وَرَفْقِهِ. (۱)

نزد خدا، چیزی محبوب تر از عدالت امام و مدارایش با مردم نیست.

۸۶- ضمانت

بسیار اتفاق می افتد که آدمی ضمانت دیگران را قبول می کند، ولی پس از چندی به دلیل پای بند نبودن متعهد به بازپرداخت وام خویش مشکلاتی پدید می آید. این در حالی است که اگر فرد ضامن از ابتدا پاسخ منفی می داد، رابطه دوستانه آنان تا این اندازه تیره و تار نمی شد. متأسفانه گاهی اوقات این بدقولی ها، به غیبت کردن از وام گیرنده نزد دیگران می انجامد. بنابراین، وقتی کسی از انسان درخواست ضمانت کرد، فرد باید نخست توانایی مالی خود و تقاضا کننده را بررسی کند و آن گاه تصمیم بگیرد. کسی که برای دوستی یا کمک به شخصی، وی را ضمانت می کند، ولی در عمل، توان پرداخت مبلغ مورد ضمانت را ندارد، علاوه بر شرمندگی، ممکن است با مشکلات فراوانی روبه رو شود، در حالی که اگر از ابتدا سنجیده رفتار می کرد، دچار این مشکلات نمی شد. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

لَا تَضْمَنْ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَى الْوَفَاءِ بِهِ. (۲)

ص: ۱۶۱

۱- . احیاء علوم الدین، ج ۲، ص ۲۰۶.

۲- . غررالحکم، ج ۶، ص ۲۶۴.

مبلغی را که نمی توانی بپرداز، ضمانت مکن.

در سخنی دیگر که اهل سنت روایت کرده اند، می فرماید:

لَا تَعِدَنَّ عِدَّةً لَا تَتَّقُ مِنْ نَفْسِكَ بِأَنْجَازِهَا. (۱)

وعده ای مده که از خودت نسبت به وفای به آن اطمینان نداری.

۸۷- شتاب نکردن در پاسخ گویی

برخی تلاش می کنند در پاسخ دادن بر دیگران سبقت بگیرند و این امر را برای خود امتیازی به شمار می آورند و احساس می کنند با این کار، تیزهوش و حاضر جواب معرفی می شوند. این کار اشتباه است؛ زیرا زیانی که از این کار می بینند، بسیار بیشتر از سود آن است. بیشتر اشتباه های انسان نیز مربوط به مواردی است که در کار خود شتاب کرده است، همچنان که بیشترین موفقیت ها از درنگ و تأمل به دست آمده است. مؤمن هیچ کاری را بدون فکر و تدبیر انجام نمی دهد. او جز به نیاز سخن نمی گوید و کلماتش حساب شده است. همچنین زبان خود را از سخنان بی مورد باز می دارد و از پرحرفی و گفتن مطالب بی فایده پرهیز می کند. پرگویی، قدرت تفکر را از آدمی می گیرد و چون درباره گفته هایش تأمل ندارد، دچار لغزش های فراوان می شود و باید پاسخ گوی بی آمدهای منفی آن باشد. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

ص: ۱۶۲

مَنْ أَسْرَعَ فِي الْجَوَابِ لَمْ يُدْرِكِ الصَّوَابَ. (۱)

هر کس در پاسخ دادن شتاب کند، خطا خواهد کرد.

۸۸- چاه کندن برای دیگران

در آموزه های روایی اسلام آمده است که هر آنچه را برای خود می پسندی، برای دیگران نیز بخواه. این آموزه از مؤمنان می خواهد که برای دیگران جز خیر و صلاح نخواهند و در دعاهای خود نیز از خداوند خیر و خوبی را برای آنان بخواهند. با وجود این، برخی افراد بر اثر بدآموزی ها یا احساس حسادت و در پی برخی عقده ها، همواره تلاش می کنند که برای دیگران مشکلاتی به وجود آورند. ممکن است کسی بدون هیچ سابقه دشمنی و فقط برای لذت بردن به این کار غیرانسانی دست بزند. بدون شک، چنین افرادی اگر هر چه زودتر به اصلاح خویش نپردازند، کارشان به جای خطرناکی خواهد کشید. حضرت علی علیه السلام بنا به نقل شیعه و اهل سنت می فرماید:

مَنْ حَفَرَ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ بئْرًا أَوْقَعَ فِيهَا. (۲)

هر کس برای برادر مؤمن خود چاهی بکند، خود در آن خواهد افتاد.

۸۹- پرهیز از مخالفت ناآگاهانه

هرگونه مخالفتی باید آگاهانه و از روی دلیل و برهان باشد. به صرف دور پنداشتن مطلبی از ذهن، نمی توان از در مخالفت با آن برآمد و به تخطئه گوینده آن پرداخت. چه بسیار سخنانی که بسیار نغز و پرمعنا

ص: ۱۶۳

۱- غررالحکم، ج ۵، ص ۳۳۷.

۲- غررالحکم، ص ۳۶۹؛ سجع الحمام، ص ۳۹۸.

هستند و آن گاه که آدمی از باطن سخن آگاه می شود، انگشت حیرت می گزد و به گوینده آن آفرین می گوید. پس باید سخن دیگران را از زوایای مختلف واکاوید و آن گاه درباره آن داوری کرد. ممکن است سخنی بشنوید که عجیب و باور نکردنی باشد. در این حال، نباید از در مخالفت درآیید و گوینده را دروغ گو بیندارید. انسان تا وقتی که دلیل محکمی بر غلط بودن حرف دیگران ندارد، نباید آن را تکذیب کند، بلکه باید دلایل قاطع ارائه دهد. حقیقت این است که بعضی از سخنان، درست و واقعی است، ولی عده ای به علت کم سوادى از درك آن عاجزند. بنابراین، پیش از مخالفت با هر سخنی، همه جنبه های موضوع را بسنجید تا مخالفت شما جاهلانه نباشد. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

لَا تُعَادُوا مَا تَجْهَلُونَ فَإِنَّ الْأَعْلَمَ فِيمَا لَا تَعْرِفُونَ. (۱)

با آنچه نمی دانید، دشمنی نکنید؛ چون بخش بزرگی از دانش در محدوده دانسته های شما نیست.

از طرفی خود گوینده نیز باید در گفته هایش میزان درك شنونده را نیز در نظر بگیرد. بنا بر نقل اهل سنت، آن حضرت می فرماید:

حَدِّثُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ دَعُوا مَا يَنْكُرُونَ. (۲)

با مردم به آنچه می شناسند، سخن گوید و از گفتن چیزی که با آن آشنایی ندارند، درگذرید.

ص: ۱۶۴

۱- غررالحکم، ج ۶، ص ۲۷۸.

۲- کنز العمال، ج ۱۰، ص ۳۰۴.

آموزه های دینی، آدمی را به کرامت و بزرگ منشی رهنمون می سازد و از او می خواهد در رویارویی با افراد نادان، کریمانه از کنارشان بگذرد؛ زیرا هرگونه مشاجره ای در نهایت به زیان افراد با شخصیت و بزرگوار خواهد بود. از این رو، هر انسان عاقلی باید از ایجاد درگیری با دیگران خودداری کند. این مسئله زمانی اهمیت بیشتری دارد که طرف مقابل، شخص پست و نانجیبی

هم باشد. چنین کسی برای از بین بردن طرف مقابل، از هیچ کار ناجوان مردانه ای دریغ نمی کند و به تنها چیزی که فکر می کند، از میان برداشتن رقیب است. انسان پست و فرومایه به هیچ اصل اخلاقی پای بند نیست و با نسبت دادن اتهام های بی جا، شخصیت دیگران را مسخ می کند و صورت قضیه را به گونه ای دگرگون می کند که ساده اندیشان، او را مقصر به شمار می آورند و از ارج و منزلتشان به شدت کاسته می شود. کمترین خرده ای که به چنین فردی می توان گرفت، این است که چرا خودش به درگیری با چنین افرادی پرداخته است. همچنین این وضعیت، راه را برای پرخاشگری دیگران با انسان در صحنه های مشابه باز می کند. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید:

لَا تُلَاحِ الدُّنْيَا فَيَجْتَرِيءَ عَلَيْكَ. (۱)

با فرد پست و زبون درگیر نشو که نسبت به تو گستاخ می شود.

ص: ۱۶۵

شبه همین سخن است آنچه اهل سنت از آن حضرت نقل نموده اند که می فرماید:

لَا تُنَازِعْ جَاهِلًا وَلَا تُشَايِعْ مَائِقًا. (۱)

با جاهل درگیر مشو و با احمق یار مباش.

۹۱- خطاب مؤدبانه

اگر به شئون دیگران احترام گذاشته نشود و با صدای بلند یا با امر و نهی یا الفاظ نامناسب مورد خطاب قرار گیرند، واکنش آنها نیز نامناسب خواهد بود. نرم و ملایم سخن گفتن سبب نزدیکی قلب ها و برقراری ارتباط صمیمانه می شود و در پرتو این هم دلی، کارها نیز به نتیجه مطلوب نزدیک می شود. باوجود این، متأسفانه بعضی ها در صدا زدن افراد ادب را رعایت نمی کنند، درحالی که اگر دیگران آنها را بدان گونه بخوانند، عصبانی می شوند و حتی پاسخشان را هم نمی دهند. جای تعجب است افرادی که خود را در موضع برتر می بینند و خطاب پرخاشگرانه دارند، وقتی که نیازمند کمک دیگران باشند، چنان مؤدبانه و محترمانه صحبت می کنند که گویا آن شخص دیروزی نیستند. بنابراین، آن گونه که انتظار دارید دیگران با شما برخورد کنند، با مردم رفتار کنید و مطمئن باشید سخن شایسته، نه تنها از ارج و قرب آدمی نمی کاهد، بلکه مقام و منزلت او را در نظر دیگران افزایش می دهد و بازخوردی مناسب در پی دارد. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

ص: ۱۶۶

أَجْمَلُوا فِي الْخِطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ (۱).

مردم را مؤدبانانه صدا بزیند تا پاسخ مؤدبانانه بگیریید.

در سخنی دیگر بنا به نقل شیعه و اهل سنت می فرماید:

لَا تَقُلْ مَا لَا تُحِبُّ أَنْ يُقَالَ لَكَ (۲).

آنچه دوست نداری به تو گفته شود، به دیگران مگو.

۹۲- تغافل

برخی افراد در مقابل هر کاری، واکنش تندی نشان می دهند و با این کار، فکر و روح خود را درگیر و زندگی را بر خود و اطرافیانشان دشوار می سازند. اینان از

گاه، کوه می سازند و کار را از آنچه هست، بدتر و پیچیده تر می کنند، به گونه ای که گره هایی در زندگی شان ایجاد می شود که دیگر به راحتی قابل گشودن نیست. ممکن است شخصی از روی نادانی، سخن ناروایی به شما بگوید و تلاش کند برای رسیدن به مقاصد نامطلوبش، با شما درگیر شود. در چنین مواردی، مصلحت ایجاب می کند که سخن او را نشنیده بگیرید تا جلوی شرارت او گرفته شود و از شرش در امان بمانید. قرار نیست که انسان در مقابل همه چیز واکنش نشان دهد؛ زیرا بسیاری از امور از قدرت آدمی خارجند. تغافل در امور روزانه، در برخی شرایطی بسیار ضروری است. چه بسا اگر انسان چنین نکند، زیان های جبران ناپذیری برایش به بار خواهد آمد. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

مَنْ لَمْ يَتَغَافَلْ وَلَا يَعْزُضْ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ تَنَقَّصَتْ

ص: ۱۶۷

۱- غررالحکم، ج ۲.

۲- کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۷۲؛ نهج البلاغه، نامه ۳۱.

هر کس تغافل نکند و از بسیاری از آنچه می بیند، چشم نپوشد، در زندگی راحتی نمی بیند.

اما اگر در برابر گفته افراد نادان انسان تغافل بورزد و با حلم و بردباری روبه رو گردد مردم حق را به جانب او خواهند دانست و شخص نادان را سرزنش خواهند نمود. همچنان ه علی علیه السلام در سخنی که اهل سنت روایت نموده اند می فرماید:

بِالْحِلْمِ عَنِ السَّفِيهِ تَكْثُرُ الْأَنْصَارُ عَلَيْهِ. (۲)

با بردباری در مقابل افراد نادان یاران بر علیه او زیاد خواهند شد.

۹۳- چشم ندوختن به فرومایگان

مسلمانان مانند یک پیکرند و در غم و شادی باید در کنار یکدیگر باشند. کمک رسانی به دیگران در دین اسلام، پاداش های فراوانی دارد و احکامی چون احسان، قرض الحسنه و مانند آن برای این منظور تشریح شده است اسلام در کنار آن، پیروانش را عزت مند می خواهد و سفارش می کند تا آنجا که ممکن است شأن و ارزش خود را حفظ کنند و در پی رفع نیازمندی های خود به سوی هر کسی دست نیاز دراز نکنند. اصولاً ممکن است در زندگی دچار کمبودهایی شوید و به کمک اقتصادی نیاز داشته باشید. در چنین مواردی تا آنجا که ممکن است، بکوشید از دیگران کمک نخواهید. اگر خدای ناکرده ناگزیر شدید،

ص: ۱۶۸

۱- . غررالحکم، ص ۴۵۵.

۲- . سجع الحمام، ص ۴۴۸.

تلاش کنید از افراد پست همت و فرومایه کمک نگیرید؛ زیرا آنها آن قدر ناجوان مرد و پلیدند که شما را دچار پشیمانی و شرمندگی خواهند کرد. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

طَالِبُ الْخَيْرِ مِنَ اللَّئَامِ مَحْزُومٌ. (۱)

کسی که از فرومایه انتظار نیکی داشته باشد، ناکام می ماند.

در سخنی دیگر که اهل سنت نقل کرده اند، می فرماید:

فَوْتُ الْحَاجَةِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِهَا إِلَى غَيْرِ أَهْلِهَا. (۲)

بر نیامدن نیازمندی آسان تر است از درخواست برآورده شدنش از افراد ناهل.

۹۴- دشمنی با مردم

برقراری ارتباط صمیمی و نزدیک با مردم، یکی از رمزهای موفقیت آدمی است. خداوند کریم در قرآن به پیامبرش فرمان می دهد که بال عطوفت را زیر پای پیروانت بگستران. (۳)

به طور کلی، جاذبه شخصیتی هر کس، تا حد زیادی مرهون رفتار محبت آمیز او با مردم و رعایت ارزش و کرامت انسان هاست. بنابراین، از راه های نفوذ در قلب مردم، داشتن رفتار دوستانه و محبت آمیز است. در مقابل، دشمنی با مردم سبب دوری و بدبینی و گریزان شدن مردم از اطراف انسان می شود. انسان در روابط

ص: ۱۶۹

۱- غررالحکم، ج ۴، ص ۲۵۰.

۲- کفایه الطالب، ص ۲۰۵.

۳- نک، صفات: ۱۸۱.

اجتماعی خود به دوستان قابل اعتماد و باایمان نیاز دارد. اگر در پی دشمنی با آنها برآید، به تدریج، رشته محبت ها می گسلد و مردم از پیرامون او پراکنده می شوند. هر کسی به دوستی دل سوز و راهنمایی مهربان نیاز دارد. کینه توزی سبب می شود که انسان، یاران دل سوز و راهنمایان راه آشنا را از دست بدهد و در وادی گمراهی و تاریکی گام بردارد. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

رَأْسُ الْجَهْلِ مُعَادَةُ النَّاسِ. (۱)

دشمنی با مردم رأس گمراهی است.

نشانه کینه نداشتن چند امر است که حضرت در سخنی دیگر که اهل سنت روایت کرده اند بیان کرده:

أَعْفُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ، أَكْرَمُ مَنْ أَهَانَكَ أَحْسَنُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ. (۲)

کسی که به تو ستم نموده ببخش و آن کسی که به تو توهین نموده گرامی بدار و نسبت به کسی که به تو بدی نموده نیکی کن، (اگر کسی چنین باشد از کینه بدور بوده محبوب مردم می شود).

ص: ۱۷۰

۱- غررالحکم، ج ۴، ص ۵۱.

۲- دستور معالم الحکم، ص ۱۴۲.

بعضی از مردم می خواهند تافته جدا بافته باشند و به هر شکل ممکن زبانزد خاص و عام شوند. از این رو، از شیوه های مختلف برای رسیدن به این مقصود استفاده می کنند. بعضی با ساختن ساختمان های آن چنانی، برخی دیگر با تهیه ماشین های ویژه و شماری دیگر نیز با پوشیدن لباس های خاص می کوشند انگشت نمای مردم شوند. پوشیدن لباس شهرت، کار درستی نیست. لباس شهرت، لباسی است که پوشیدنش در جامعه معمول نباشد و با پوشیدن آن، انسان مورد غیبت، تهمت یا تمسخر افراد قرار می گیرد. انسان به جای کسب شهرت از این راه ها باید بکوشد تا با دانش اندوزی، پرهیزکاری و نیکوکاری، نام خویش را بر کتیبه هستی ماندگار سازد. در غیر این صورت، این شهرت ها، خیالی است و هیچ سودی برای انسان ندارد. از این رو، حضرت علی علیه السلامی فرماید:

الْبَسُ مَا لَا تَشْتَهَرُ بِهِ وَلَا يُزْرِي بِكَ. (۱)

لباسی بپوش که تو را انگشت نما و عیب دار نکند.

در سخنی دیگر که اهل سنت روایت کرده اند، به لباسی که متعارف بین مردم است، توصیه می کند:

الْبَسُ مِنَ الثِّيَابِ مَا يَشْتَهَى النَّاسُ. (۲)

ص: ۱۷۱

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۱۸۵.

۲- سجع الحمام، ص ۲۷۷.

لباسی را بپوش که مورد رغبت مردم است.

۹۶- دروغ بستن به بزرگان

دروغ، خانه دل انسان را سیاه می کند و سبب وارونه ساختن حقایق می شود. دروغ گویی در هر شکل آن منفور و مغضوب خداوند است. گاهی گناه دروغ گو سنگین تر هم می شود و آن، زمانی است که شخص سخن دروغی را به بزرگان نسبت بدهد. برای مثال، بگویند فلان پیامبر یا امام یا فلان بزرگ، چنین و چنان گفته است. بی شک، این گونه دروغ ها می تواند سبب انحراف مردم شود؛ زیرا بسیاری از مردم، این سخن را به این پندار که سخن بزرگان است، می پذیرند و پایه رفتار و عقاید خود قرار می دهند. البته گناه چنین انحرافی، بسیار سنگین و متوجه دورغ گو خواهد بود. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

مَا أَقْبَحَ الْكُذْبَ بِدَوَى الْفَضْلِ (۱)

چه قدر زشت است دروغ بستن به صاحبان فضیلت.

آن حضرت در سخنی دیگر که اهل سنت نقل نموده اند به یکی از مصادیق بارز چنین کذبی اشاره کرده می فرماید:

إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْفُرَى. أَنْ يَقُولَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ مَا لَمْ يَقُلْ (۲)

از بزرگ ترین افتراها آن است که کسی به رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی را نسبت دهد که آن حضرت نگفته.

۹۷- آثار بدهکاری

ص: ۱۷۲

۱- .غررالحکم، ج ۶، ص ۷۰.

۲- .کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۸.

بعضی از انسان‌ها بر اثر بدهکاری و انباشته شدن بدهی‌ها و ناتوانی از پرداخت آن، کم‌کم به دروغ گفتن روی می‌آورند و در ردیف دروغ‌گویان حرفه‌ای درمی‌آیند. برای پیش‌گیری از این کار باید از میزان بدهکاری کاست تا به پی‌آمدهای بد آن دچار نشد. اگر آدمی به آنچه روزی اوست، قانع باشد و بر اثر زیاده‌خواهی در پی تقاضای وام برنیاید، شخصیت خود را زیر سؤال نمی‌برد. چه خوب است انسان ابتدا توانایی خود را در بازپرداخت وام‌ها بسنجد، آن‌گاه قرض بگیرد تا در زمان بازپرداخت قرض خود دچار مشکل نشود و خود را به دروغ نیالاید. حضرت علی علیه‌السلامی فرماید:

كَثْرَةُ الدِّينِ تَصِيرُ الصَّادِقَ كَاذِبًا وَ الْمُنْجِزَ مُخْلِفًا. (۱)

بدهکاری زیاد، راست‌گو را دروغ‌گو و خوش‌قول را بدقول می‌کند.

در سخنی دیگر که اهل سنت نقل کرده‌اند، می‌فرماید:

كَثْرَةُ الدِّينِ تَضْطَرُّ الصَّادِقَ إِلَى الْكِذْبِ وَ الْوَعْدَ إِلَى الْإِخْلَافِ. (۲)

بده‌کاری زیاد، راست‌گو را مجبور به دروغ‌گویی می‌کند و وعده‌دهنده را به خلف وعده می‌کشاند.

۹۸- تذکر دوستانه

مؤمنان، آینه یکدیگرند و باید در برطرف کردن کاستی‌ها و عیب‌ها به یکدیگر کمک کنند. بنابراین، شایسته است که عیب‌های دوستانمان را به آنها بگوییم تا درصدد

ص: ۱۷۳

۱- . غررالحکم، ج ۴، ص ۵۹۲.

۲- . سجع الحمام، ص ۲۷۲.

برطرف کردن آنها باشند. البته این تذکر باید به گونه ای باشد که آبرویشان محفوظ بماند. به این منظور، تذکر باید به صورت پنهانی صورت گیرد و گرنه ممکن است غرورشان بشکند و واکنش منفی نشان دهند. در واقع، کسی که عیب دوستش را به آنها گوشزد نمی کند، خیانت کرده است. همچنین کسی که در حضور جمع، عیب دوستش را بازگو می کند، مایه آبروریزی او می شود و زمینه اصلاح و هدایتش را از بین می برد. با چنین برخوردی، شخص هرگز عیب خود را برطرف نمی سازد. بنابراین، هر چه تذکرها غیرمستقیم باشد، اثربخش تر خواهد بود و در صورت نیاز و ضرورت، اگر قصد تذکر مستقیم را داشته باشد، باید به صورت پنهانی و طرفینی، با مقدمه چینی و به کار بردن ادبیاتی مناسب بیان شود. اگر کسی عیب برادران دینی خود را نادیده بگیرد و نسبت به اصلاح او احساس مسئولیت نکند، باید دانست در اصل، دشمن اوست و با این کار، زمینه های رشد و هدایت دوست خود را از بین برده است. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

مَنْ سَاتَرَ عَيْبَكَ فَهُوَ عَدُوُّكَ. (۱)

آن کس که عیبت را از تو بپوشاند، دشمن توست.

در سخنی دیگر که اهل سنت روایت کرده اند، می فرماید:

إِذَا غَشَّكَ صَدِيقُكَ فَاجْعَلْهُ مَعَ عَدُوِّكَ. (۲)

ص: ۱۷۴

۱- غررالحکم، ۵، ص ۲۵۳.

۲- سجع الحمام، ص ۶.

هنگامی که دوست تو با تو غش کرد و عیب هایت را به تو نگفت، او را کنار دشمنت قرار ده.

۹۹- پندآموزی

دل های انسان ها در طول زمان زنگار می گیرد و سخنان آموزنده، وسیله ای برای زنگارزدایی و صیقل کاری است. آدمیان در هر پست و مقام و در هر وضع و شرایطی به موعظه نیازمندند؛ زیرا آلودگی های زندگی مادی خواه ناخواه گردی از غفلت و بی خبری بر روح می افکند. انسان بر اثر دوری از پند و موعظه به بی راهه می افتد. در چنین حالی است که بیش از هر زمان دیگری به موعظه و نصیحت نیازمند است. این پندها همچون باران پاییزی، غبار را از وجود انسان می زدایند و به روحش، صفا می بخشند و سرزمین وجود، با پند و موعظه، جانی تازه می گیرد. حضرت علی علیه السلام در سخنی دیگر که شیعه و اهل سنت روایت نموده اند، می فرماید:

أَخِي قَلْبِكَ بِالْمَوْعِظَةِ... (۱)

قلب خود را با اندرز زنده کن....

۱۰۰- دوران‌دیشی

تصمیم گیری برای انجام دادن هر کاری باید با تأمل و تدبّر همراه باشد. تصمیم گیری شتاب زده و بدون تفکر به نتیجه نمی رسد و زیان های جبران ناپذیری هم در پی دارد. بنابراین، انسان در عین تلاش برای تصمیم گیری در امور زندگی، باید همیشه

ص: ۱۷۵

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۰۶؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۶۸.

آینده نگری و دوراندیشی را در نظر گیرد تا خدای نکرده در چاهی نیفتد که ناخودآگاه با دست خود می‌کند. در این راستا آدمی برای انجام دادن هر کاری باید افزون بر دقت کردن، از دیگران هم نظرخواهی کند. گاهی لازم است که کار را به گونه ای آغاز کنیم که اگر لازم شد، بتوانیم آن را رها کنیم، نه آنکه از اول، تمام پل ها را پشت سرمان خراب کنیم و در تنگنا قرار بگیریم. پس شایسته است آدمی هر زمان تصمیم به انجام کاری دارد، درباره عاقبت آن بیندیشد و اگر فرجام آن رشد بود، انجام دهد و گرنه رها سازد. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

لَا خَيْرَ فِي عَزْمٍ بِلا حَزْمٍ (۱)

تصمیم قاطع بدون دوراندیشی سودی ندارد.

در سخنی دیگر به روایت اهل سنت می‌فرماید:

مِنَ الْحَزْمِ الْعَزْمُ وَ مِنْ سَبَبِ الْحِزْمَانِ التَّوَانِي (۲)

عزم از دوراندیشی برمی‌خیزد و سستی اراده سبب محرومیت است.

۱۰۱- اثر هم نشینی

هم نشینی با دوستان خواه ناخواه بر اخلاق و رفتار انسان اثر می‌گذارد و او را به راه صواب یا انحراف می‌کشاند. اثرگذاری در خوی و خصلت های دوستان، گریزناپذیر است، همچنان که ممارست با عطرهای دل نواز یا خارهای جراحت زا اثر مثبت یا منفی به

ص: ۱۷۶

۱- . غررالحکم، ج ۶، ص ۳۸۷.

۲- . کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۷۷.

همراه دارد. در این زمینه، غالباً انسان‌ها با کسانی هم نشین و رفیق می‌شوند که از نظر عقیده و رفتار با یکدیگر سنخیت داشته باشند. بنابراین، یکی از بهترین راه‌های شناخت دیگران آن است که ببینیم آنها با چه کسانی معاشرت دارند. بسیاری از اوقات اگر بخواهیم در مورد دیگران تحقیق کنیم، نمی‌توانیم آن‌گونه که باید و شاید، از خود آنان اطلاعات درستی به دست آوریم. در این موارد، از راه معاشرت‌های افراد می‌توان به نتایج بهتری دست یافت. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

اِخْتَبِرُوا النَّاسَ بِاِخْوَانِهِمْ (۱)

مردم را به دوستانشان بشناسید.

راه دیگری که آن حضرت برای شناخت افراد ارائه می‌کنند، شناخت اشخاص به وسیله دشمنان آنهاست. بنا بر نقل اهل سنت از آن حضرت است که فرمود:

اِذَا ارَدْتَ اَنْ تُصَادِقَ رَجُلًا فَانظُرْ مِنْ عَدُوِّهِ. (۲)

هرگاه خواستی با کسی دوستی کنی، به دشمنش بنگر که چه کسی است.

۱۰۲- حفظ آبرو

آبرو از مهم‌ترین سرمایه‌های انسان است. انسان باید همیشه مراقب باشد که مبادا سخنی یا کاری از او سربرزند و آبرویش را به خطر اندازد. گاهی انسان کاری می‌کند یا سخنی می‌گوید که صادقانه و از روی نیت پاک و خداپسندانه است، ولی از آنجا که به‌کُنّه آن توجه ندارد، در معرض اتهام

ص: ۱۷۷

۱- غررالحکم، ص ۱۰۶.

۲- سجع الحمام، ص ۵۱.

دیگران قرار می‌گیرد و آبرویش به خطر می‌افتد. شایسته است که با دوراندیشی و دقت در سخنان و رفتار خود، بهانه سوءاستفاده برای دیگران را فراهم نکند. آبروی رفته به آسانی بازنمی‌گردد و مرگ آبرو، گوشه نشینی و انزوا و از دست دادن موقعیت های فردی و اجتماعی را به دنبال دارد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

لَا تَجْعَلْ عِرْضَكَ عَرَضًا لِقَوْلِ كُلِّ قَائِلٍ (۱).

آبروی خود را در معرض سخنان دیگران قرار مده.

در سخنی دیگر که اهل سنت روایت کرده اند، می‌فرماید:

مَاءٌ وَجْهَكَ جَامِدَةٌ يُقَطِّرُهُ السُّؤَالُ فَانظُرْ عِنْدَ مَنْ تُقَطِّرُهُ (۲).

آبروی تو جامد است و دست نیازمندی به سوی دیگران دراز کردن آن را قطره قطره آب می‌کند. پس نیک بنگر که آن را نزد چه کسی می‌ریزی.

۱۰۳- پندپذیری

اگر آدمی در برابر پند دیگران، نرمش نشان ندهد، هیچ گاه نمی‌تواند از عیب های خود فاصله بگیرد. کسی که مؤمن را آینه خویش نمی‌بیند و خود را از هر نظر بی‌عیب می‌شمارد، راهی به اصلاح ندارد. تنها زمانی آدمی می‌تواند ضعف خود را برطرف کند که پذیرای نصیحت دیگران باشد. بنابراین، نباید هیچ گاه از پند دیگران هراسید؛ زیرا انتقاد دیگران در موفقیت انسان سهم بسزایی دارند. پس نصیحت های سازنده را باید با آغوش باز پذیرفت. اگر موعظه کننده از روی

ص: ۱۷۸

۱- . غررالحکم، ج ۶، ص ۲۹۴.

۲- . سجع الحمام، ص ۳۷۳.

دوستی و علاقه مندی پند دهد، سپاس گزار او خواهیم شد و اگر از روی دشمنی باشد، بیش از پیش در کارهایمان دقت خواهیم کرد. امام رادمردان می فرماید:

اسْمَعُوا النَّصِيحَةَ مِمَّنْ أهدَاهَا إِلَيْكُمْ. (۱)

پند و اندرز را از کسی که آن را به شما هدیه می کند، بپذیرید.

آن حضرت در کلامی دیگر به روایت اهل سنت نه تنها توصیه به پذیرش نصیحت کرده است، بلکه می فرماید:

إِحْمَدُ مَنْ يُعْطِيكَ عَلَيْهِ وَ يَعْطُكَ لَا مَنْ يُزِيكُكَ وَ يَتَمَلَّقُكَ. (۲)

سپاس گزار آن کس باش که با تو درستی کرده است، و پندت دهد، نه کسی که تو را از خطا پیراسته کند و به ستایشت پردازد.

ص: ۱۷۹

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۴۳.

۲- سجع الحمام، ص ۴۶.

۱. ابو حامد غزالي، احياء علوم الدين، بيروت، دارالمعرفه.

۲. محمد بن حبيب الله شنقيطي، امير المؤمنين علي بن ابي طالب في مناقبه ومشاهده و حكمه (كفايه الطالب)، بيروت، دار ابن زيدون، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ. ق.

۳. ابن جرير طبري، تاريخ الامم و الملوك، بيروت، منشورات اعلمى.

۴. محمد بن سلامه قضايي، دستور معالم الحكم و ماثور مكارم الشيم، بيروت، شركت دارالارقم بن ابي ارقم، ۱۴۱۸ هـ. ق.

۵. علي الجندى، محمد يوسف محجوب، محمد ابوالفضل ابراهيم، سجع الحمام في حكم الامام امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام، قاهره، مكتبه الانجلو المصريه، ۱۹۶۷ م.

۶. علي متقى هندى حنفى، كنز العمال، بيروت، مؤسسه الرساله.

۷. اسماعيل بن محمد عجلونى، كشف الخفاء، بيروت، دارالكتب العلميه، چاپ دوم، ۱۴۰۸ هـ. ق.

۸. احمد بن حجر عسقلانى شافعى، فتح البارى في شرح صحيح البخارى، بيروت، دارالمعرفه، چاپ دوم.

۹. احمد بن مروان دينورى، المجالسه و جواهر العلم، بيروت، دار ابن حزم، چاپ اول، ۱۴۰۳ هـ. ق.

۱۰. رشيد بن وطواط، مطلوب كل طالب، همراه شرح ماه كلمه ابن ميثم بحراني، قم، منشورات جامعه مدرسين.

۱۱. عمرو بن بحر جاحظ، البيان و التبيين، بيروت، دار صعب.

۱۲. جلال الدين مولوى، مثنوى، تهران، امير كبير، نهم، ۶۲.

۱۳. فخر رازى، تفسير كبير (مفاتيح الغيب)، بيروت، دارالكتب العلميه، چاپ اول، ۱۴۲۱ هـ. ق.

۱۴. علامه محمد باقر مجلسى، بحار الانوار، بيروت، مؤسسه الوفاء.

۱۵. محمد عبدالرؤوف مناوى شافعى، فيض القدير في شرح جامع الصغير، بيروت، دارالكتب العلميه، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ. ق.

۱۶. غرر الحكم.

۱۷. اصول كافى.

۱۸. نهج البلاغه.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

